



انعکاس

تظاهرات

ایرانیان

در وین



زلزله در استان هرمزگان چند روستا را ویران کرد

● به‌دنبال زمین‌لرزه در هرمزگان و کشته و مجروح شدن شمار زیادی از هموطنان، خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ضمن ابراز همدردی با مردم مصیبت دیدهٔ این استان به‌ویژه شهرستان قشم، به خانواده‌هایی که عزیزان خود را از دست داده‌اند، تسلیت گفت و مردم شهرها و استانهای همجوار را به کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان زلزله فراخواند

در صفحهٔ ۲

سه‌شنبه ۸ آذر ۱۳۸۴–۲۶شوال ۱۴۲۶ 3€\$ 3SFR 1.5Pounds 2US\$ 29 November 2005 NO: 777 Mojahed

باحکم دادگاه کلن طرح وزارت اطلاعات برای متهم کردن مجاهدین به خشونت گرایي شکست خورد

دادگاه آلمان دعاوی دو مزدور اطلاعات آخوندی علیه مجاهدین را رد کرد و شاکی را موظف به پرداخت هزینهٔ دادگاه و وکیل مدافع نمود

دادگاه از جواهری‌بار هر گونه حق طرح مجدد ادعای دروغین او در آینده را سلب کرد. این نتیجه هم‌چنین این امکان را برای آقای رجایی باز می‌گذارد تا در یک پروسهٔ مدنی به دلیل افترا و ادعای دروغ، خواستار جبران خسارتهای وارده شود

که در آنها عکسی از احسان رجایی متعلق به ۲۰سال پیش را درج کرده بودند. این عکس در جریان یکی از خانه‌گردیهای پاسداران و وزارت اطلاعات در تهران به‌دست گشتاپوی آخوندی افتاده بود. دسترسی باند روشنا و سایر انجمنهای پوششی به آرشيو وزارت اطلاعات آن‌هم ظرف کمتر از ۲۴ساعت برای ناظران پرونده آشکار می‌ساخت که سردمداران این صحنه‌سازی در آن وزار تخانهٔ بدنام قرار دارند

در صفحهٔ ۸

می‌کنند، به کشورهای اروپایی نسبت به آزادی عمل مأموران اطلاعاتی رژیم آخوندی که تحت‌عنوان «پوزیسبون» و «اعضای سابق مجاهدین» فعالیت می‌کنند، هشدار داده و خواستار جمع کردن بساط مأموران این وزار تخانه و تعقیب و اخراج آنها می‌باشد

● درست روز بعد از صحنه‌سازی ۲۸سپتامبر ۲۰۰۴ سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات گزارشهای یکدستی منتشر ساختند

تلاشهای موزیانه و طراحیهای آخوند یونسی و آخوندی اژه‌ای و ایادیشان، برای «خشونت‌گرا» جلوه دادن مجاهدین خلق را افشا کرده و با یک ناکامی جدی مواجه ساخت

● شورای ملی مقاومت با تأکید بر این‌که تصمیم دادگاه کلن یک بار دیگر ثابت می‌کند مزدوران وزارت اطلاعات در آلمان و در سراسر اروپا مأموریتهای اطلاعاتی و جاسوسی دارند و در شرایط ضروری به مثابه سرپلهای تروریستی برای رژیم آخوندی عمل

● سه‌شنبه ۲۲نوامبر دادگاه شهرستان در شهر کلن، ادعاهای مجعول ۲مزدور وزارت اطلاعات به نامهای فرهاد جواهری‌بار و مجید مشعوف از گردانندگان شعبهٔ وزارت اطلاعات در کلن موسوم به انجمن روشنا مبنی بر اعمال خشونت از سوی مجاهدین را رد کرد و پرونده‌یی که به تلاش ایادی رژیم علیه آقای احسان رجایی بنه‌اندۀ وابسته به مقاومت ایران، بازشده بود را برای همیشه مختومه اعلام نمود. بدین ترتیب تصمیم دادگاه کلن

پاسخ جامعهٔ ایران و درود به دانشجویان

سازمان مجاهدین خلق ایران، طی فراخوانی درآستانهٔ ۱۶آذر روز دانشجو، با درود به تمامی دانشجویان مجاهد و مبارزی که در ۲۷سال گذشته با نثار جان و با مقاومت در برابر شکنجه و زندان، آزادی مردم ایران را فریاد کردند، از هشتم تا شانزدهم آذر را «هفتهٔ حمایت از جنبش دانشجویی» اعلام کرده است. این فراخوان کوتاه – ولی به‌جا و پرمعنا، برسرِفصل یکپایگی و انقیاض حکومت آخوندی در مرحلهٔ پایانی انگشت می‌گذارد و با یادآوری این حقیقت تاریخی که «مردم و دانشجویان ایران هیچ‌گاه در برابر ستم و سرکوبی رژیم آخوندی سر تسلیم فرود نیاورده‌اند»، جوانان آزادهٔ میهن و دانشجویان مجاهد و مبارز را به اعتراض و خیزش در برابر «علام جنگ رژیم فرتوت ولایت فقیه به مردم ایران وجامعهٔ جهانی» فرا می‌خواند.

درچارچوب این اعلام جنگ و عریده‌های دجل‌گراانهٔ «اسلامی کردن کامل دانشگاهها»، انتصاب یک آخوند جنایتکار به ریاست دانشگاه تهران، یک حرمت شکنی کاملاً حساب‌شده از سوی رژیم ولایت‌فقیه و پیش درآمدی برسیاست سرکوبگرانه و پراهانت کابینهٔ قاتلان در قبال دانشجویان و دانشگاهیان بود. پس، درود به دانشجویان قهرمان که برسر همین بزرگاه به پاخاستند و با بیرون انداختن آخوند عمید زنجانی ازساحت دانشگاه و با خروش «مرگ براین دولت مردم فریب – نصرمن الله وفتح قریب»، به گستاخی ولی‌فقیه و گماشتهٔ جنایتکارش، پاسخی بایسته دادند. بنابراین جواب دانشجویان هم، نه یک رخداد معمولی، بلکه نمادی از جواب جامعهٔ ایران به تعرض استبداد دینی است که این‌بار از کانون آگاهی و آزادخواهی شعله کشید و تاریکی چهل و استبداد را – با برزمین‌انداختن عمامهٔ عمید زنجانی – ازهم درید!

مروری کوتاه برتحولات پس از روی کرآمدن احمدی‌نژاد، نشان می‌دهد که به‌رغم سیاست انتقابی و توحش گم‌ساختهٔ رژیم برای خفه کردن هردصای اعتراضی، جامعهٔ ایران نه‌تنها مرعوب نمی‌شود، بلکه به به تعرض دشمن پاسخ می‌گوید و شعله‌های آزادخواهی، ازجای جای خاک وطن شعلهور می‌شود. رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در پیام خود به مردم به‌پاخاستهٔ کردستان ایران در مردادماه گذشته تأکید می‌کند که «رژیم با دست‌زدن به آرایش سیاسی جدید و گماردن یک تروریست قاتل در رأس قوهٔ مجریهٔ خود برای تشدید سرکوب عمومی و خاموش‌کردن صدای اعتراض جامعه، خیز برداشته بود. اما با پاسخ خشمگین و کوبندهٔ مردم ایران مواجه شده است، به‌نجوی که هم در کردستان، هم در خوزستان و هم در خراسان و فارس و لرستان و کرمان، همه جا مردم معترض را رودروى خود یافته است. ظرف یک‌وَنیم ماهی که از اعلام نتیجهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری ولایت‌فقیه سیری شده، جامعهٔ ایران دورانی بس خروشان و توفنده داشته و در تیرماه گذشته، شمار اعتراض‌ها، تظاهرات، تحصنها و درگیریهای اعتراضی‌آزسوم تیر ثانیمهٔ مرداد» با ۲۰مهر رسید که رقم بی‌سابقه‌یی محسوب می‌شود. گسترش اعتراضهای اجتماعی و شدت‌یافتن مبارزهٔ ملت ایران برای کسب آزادی و دموکراسی، به روشنی بن‌یست بزرگ حکومت ولایت فقیه را بارز می‌کند.

جان کلام درهمین نتیجه‌گیری است: «بن‌یست مرگ رژیم ولایت فقیه» از یک سو و راحل جامعه و مقاومتی که ۲۷سال است به این رژیم «نه» می‌گوید و برای استقرار آزادی و حاکمیت مردم عزم جزم دارد. درست درهمین جاست که اعتلای مبارک جنبش دانشجویی و استمرار خیزشهای اعتراضی مردم در شهرهای ملتهب میهن، با مقاومت سازمانیافته و کانون پایدار و پرفروغ آن – شهرآشرف – و با گردهماییها و تظاهرات عظیم و بی‌سابقهٔ هموطنانمخ درخارج کشور- ازبزرگترین اجتماع ایرانیان درفرانسه همزمان با تحریم ملی نمایش انتخاباتی آخوندها تا بزرگترین اجتماع ایرانیان درنیویورک علیه حضور احمدی‌نژاد و تا تظاهرات اخیر ۳۵هزار ایرانی در بروکسل – و هم‌چنین با کارزار فشردهٔ سیاسی برمحور شورای ملی مقاومت ایران و رئیس‌جمهور برگزیدهٔ آن علیه سیاستهای ضد‌مردمی و ضدایرانی رژیم آخوندی، همه و همه در راحل سوم یعنی راحل مردم ومقاومت ایران به هم می‌پیوندند.

در مسیر این راه حل واقعی و ضروری وپیروزمند است که فراخوان سازمان مجاهدین خلق ایران خطاب به جوانان آزادهٔ میهن و دانشجویان مبارز و مجاهد تأکید می‌کند:«درگرامیداشت یاد و خاطرهٔ دانشجویان شهید

و اسیر در تهران و دیگر شهرهای میهنمان، پیاخیزید و در دانشگاهها و مراکز آموزشی هیچ فرصتی را برای اعتراض به دیکتاتوری آخوندی از دست ندهید.»

فراخوان سازمان مجاهدین خلق ایران در آستانهٔ روز دانشجو

هفتم تا شانزدهم آذر: «هفتهٔ حمایت از جنبش دانشجویی»

جان و با مقاومت در برابر شکنجه و زندان،آزادی مردم ایران را فریاد کردند، از هشتم تا شانزدهم آذر را «هفتهٔ حمایت از جنبش دانشجویی» اعلام می‌کند و همهٔ دانشجویان دانشگاهها و جوانان آزادینخواه و میهن‌پرست را در سراسر کشور به اعتراض و تظاهرات فرا می‌خواند.

سلام بر خلق ، سلام بر آزادی درود بر رجوی

سازمان مجاهدین خلق ایران آذر۱۳۸۴

در آستانهٔ ۱۶ آذر، روز دانشجو، در گرامیداشت یاد و خاطرهٔ دانشجویان شهید و اسیر در تهران و دیگر شهرهای میهنمان، بپاخیزید و در دانشگاهها و مراکز آموزشی هیچ فرصتی را برای اعتراض به دیکتاتوری آخوندی از دست ندهید. طی ۲۷سال گذشته مردم و دانشجویان ایران هیچ‌گاه در برابر ستم و سرکوب رژیم آخوندی سر تسلیم فرود نیاورده‌اند.

سازمان مجاهدین خلق ایران با درود به تمامی دانشجویان مجاهد و مبارزی که در ۲۷سال گذشته با نثار

هموطنان، جوانان آزادهٔ میهن، دانشجویان مبارز و مجاهد،

۴ماه پس از یکپایه شدن حاکمیت آخوندی، باقرارگرفتن پاسدار احمدی‌نژاد، در مسند ریاست جمهوری ارتجاع، اینک برهمگان روشن است که این سرِفصل آغاز پایان نظام ننگین جور و جنایت است. رژیم فرتوت ولایت فقیه، پس از ۸سال مانور اصلاحات چاره‌یی جز یکدست کردن حاکمیت خود و اعلام جنگ آشکار به مردم ایران و جامعهٔ بین‌المللی، پیدا نکرده است.

دانشجویان، آخوند عمید زنجانی را از دانشگاه تهران بیرون انداختند

تهران، شعار می‌دادند، رئیس انتصابی، اخراج باید گردد. نصرمن‌الله و فتح قریب، مرگ بر این دولت مردم فریب، نه، به دولت نظامی، نه به رئیس روحانی

در صفحهٔ ۲



اعتراضات دانشجویی در دانشگاههای امیر کبیر، اصفهان، تهران، شیراز و نجف آباد

– تجمع بیش از ۲۵۰۰ دانشجو دانشگاه امیرکبیر

– تجمع دانشجویان داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

– تحصن دانشجویان دانشکدهٔ داروسازی دانشگاه شیراز

– تجمع اعتراضی دانشجویان در مقابل دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران

– درگیری دانشجویان دانشگاه آزاد نجف‌آباد با حراست دانشگاه

در مقابل استانداری

در صفحهٔ ۲

گردهمایی شرکت هیأت مقاومت ایران در مراسم تجلیل از عرفات در ایتالیا

در صفحهٔ ۶



گردهمایی بر گزاری جلسهٔ حمایت از شهرآشرف در شهر زوترمیز هلند

پرویز خزایی، نمایندهٔ شورای ملی مقاومت در کشورهای نوردیک:اعمال خائنن به مقاومت که به خدمت وزارت اطلاعات درآمده‌اند شبیه اعمال خائنن به مقاومت ضدفاشیستی در اروپاست

در صفحهٔ ۶



مقالاتاز ارسال پروندهٔ اتمی رژیم به«شورای امنیت» گریزی نیست!

یزدان حاج‌حمزه

● مهلتی که در اجلاس اخیر به‌ادامهٔ اقدامات دیپلماتیک داده شده، در محتوا گامی است به‌پیش درجهت سفت و سخت‌تر کردن قطعنامهٔ ۴۳۲سپتامبر ۵۰۰۲ و رسیدن به‌نوعی اجماع با روسیه برسرگرفتن ابزار و امکانات تولید بمب اتمی، یعنی غنی‌سازی اورانیوم، از دست حکومت پاسداران

● بازرسهای فنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تذکرات حقوقی شورای حکام این آژانس که طی دوسالو نیم گذشته به موازات فعالیت‌های دیپلوماتیک و پیگیری سیاستهای تشویفی و دادن امتیاز به رژیم ادامه یافته، مؤثر واقع نشده است. خطر مجهز شدن رژیم به سلاح اتمی نزدیک و نزدیکتر می‌شود و به

مسأله امنیتی جهان تبدیل شده است

در صفحهٔ ۷

در صفحات دیگر

– خودزنی، مجازات درون جوش خیانت ابوالفضل فولادوند

– دده‌اری در حسرت گندم ری حمیدرضا محمدزاده صفحهٔ ۸

– شورشی پخمه و دروغگو جلال گنجه‌ای

– ۲۵سال پس از خروش آزادیخواهی مسعود در امجدیه، خمینی بار دیگر در گور خود لرزید مسعود کلانی

– جدیدترین تنوری رژیم بر سر پایداری مجاهدین: فقط به‌خاطر گیتار و ارگ

تورج سلیمی صفحهٔ ۹

– نامهٔ یک هموطن از آلمان به بخش فارسی رادیو آمریکا

سعيد از آلمان

– میان «وصل» من تا«بند» آنها، تفاوت از زمین تا آسمان است کریم نعلیندیان

– جنگ بزرگ، ترفندهای کیف حسین تونونجیان صفحهٔ ۱۰

– خشونت و تجاوز؛ طبیعت یا فرهنگ محمد اسفندیاری

– مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست

جلال گنجه‌ای

– تاریخ ایران زمین – دوران کهن عبدالعلی مصصومی صفحهٔ ۱۱

– گزارش مراسم خاکسپاری هوادار پرسور مقاومت معصومه بنیادپور

– گل از شاخه افتاد و بر خاک ریخت جمشید پیمان

– انتخاب سرنوشت نجمهٔ حاج‌حیدری صفحهٔ ۱۲

– مجاهدین سدی محکم در مقابل بنیادگرایی اسلامی در جهان نصرالله اسماعیل‌زاده

– قطعات یک موزاییک رحمان کریمی

– از حقیقت‌گویی آخوند مشکینی تا وقاحت آخوند ابیطحی

جمشید پیمان صفحهٔ ۱۳

درخواست اسناد حساس اتمی برای تجزیه و تحلیل

اجلاس ۲۵توامبر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درمورد پروندهٔ هسته‌یی دیکتاتوری آخوندی از جمله موضوعاتی بود که در صدر اخبار جهان قرار داشت. گرچه غرب و به‌طور خاص اتحادیهٔ اروپا هم‌چنان در چارچوب «چانه‌زنی» با آخوندها از ارجاع سریع پروندهٔ هسته‌یی رژیم که خواست مشروع ملت ایران و تمامی صلح‌دوستان جهان بود، خودداری ورزید و تا اجلاس بعدی «بنچرهٔ فرصت» را به‌روی دیکتاتوری آخوندی باز نگه‌داشت. با این همه محمد البرادعی، دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با ارائهٔ گزارشی به«قصور» رژیم در همکاری با آژانس تأکید کرده و خواستار دسترسی بیشتر به‌سایت‌های مختلف و هم‌چنین شفاف‌سازی توسط رژیم شده‌است. علاوه بر آن، اتحادیهٔ اروپا بپایانهٔ شدیدی شامل ۱۱محور صادر کرد که حاوی نکات مهمی است و سمت و سوی آیندهٔ پروندهٔ اتمی آخوندها را تا اندازه‌یی مشخص می‌کند. به‌طور خاص در این گزارش به‌دو موضوع اهمیت بیشتری داده شده‌است:

اول: «اتحادیهٔ اروپا نگران مشاهدهٔ این مسأله است که ایران اکنون در اختیارداشت سندی را پذیرفته که مربوط به‌ریخته‌گری و تراش فلز اورانیوم غنی‌شده به اشکال کرم‌بِی است. چنین فرآیندی هیچ کاربردی جز تولید کلاهکهای هسته‌یی ندارد. این سند تازه که ۱۸سال پس از دریافت، به آژانس ارائه شده و پیش از این در اطلاعات ارائه‌شده به‌بازرسان وجود نداشت، سوالات تازه‌یی را به‌وجود آورده‌است.

دوم: «اتحادیهٔ اروپا در بند سوم گزارش مدیر کل به‌این نکته توجه کرد که تحلیل نمونه‌های زیست‌محیطی جمع‌آوری شده در مکانی در کشور دیگر که به‌گفتهٔ ایران تجهیزات ساترنیفور در اواسط دههٔ ۱۹۹۰ پیش از انتقال به ایران توسط شبکهٔ تدارک این تجهیزات در آن انبار شده بود، هیچ نشانه‌یی از مواد هسته‌یی ندارد.

همهٔ شواهد و قرائن از این حکایت می‌کند که نمی‌توان «بنچرهٔ گفتگو را تحت هر شرایطی باز نگه داشت» و نامحدود ادامه داد. به‌همین دلیل در دومین روز اجلاس شورای حکام، انگلستان به‌عنوان نمایندهٔ کشورهای اتحادیهٔ اروپا خواستار «تحویل اسناد حساس اتمی برای تجزیه و تحلیل شده‌است». نمایندهٔ اتحادیهٔ اروپا، گفت: رژیم ایران باید «به‌پنج قدرت اتمی جهان امکان بدهد آن‌چه را که کارشناسان می‌گویند طرح‌هایی برای ساختن وسیلهٔ انفجاری در کلاهکی اتمی است، بررسی کنند».

«رمزگونه»بودن گزارش البرادعی

آخوندها که با تعویق ارجاع سریع پروندهٔ هسته‌یی خود توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تلاش کردند با پیداکردن «نشانه‌های روشنی از عقب‌نشینی اروپا»، خود را «پیروز» میدان قلمداد کنند، به‌فاصلهٔ کمتر از دو روز به «رمزگونه»بودن گزارش البرادعی پی برده و با چرخش ۱۸۰درجه‌یی، دوباره ناله‌های مرگ سر می‌دهند که به‌له، گزارش تازهٔ البرادعی «یکی از نگران‌کننده‌ترین گزارش‌هایی است که تا امروز البرادعی دربارهٔ ایران به‌شورای حکام ارائه کرده‌است». به‌نظر می‌رسد وضعیت بحرانی و تشنّتی که دیکتاتوری آخوندی را فراگرفته، تأثیرات مخربی در کیهان‌نویس گذاشته که به‌فاصلهٔ یک روز به‌چنین «چرخش گفتمانی» دچار شده‌است. آخر همین روزنامهٔ ولی‌فقیه روزنچینشبه با مثبت قلمدادکردن گزارش البرادعی آن را تلویحا به‌عنوان یک پیروزی به‌حساب رژیم واریز کرده و مدعی شده بود که حالا باید موضوع گفتگو فقط بر سر «غنی‌سازی اورانیوم» باشد و نه چیز دیگری. روزنامهٔ ولی‌فقیه پس از بررسی و تجزیه و تحلیل گزارش البرادعی چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: «خلاصهٔ این که پیام گزارش مدیرکل به ایران این است: ایران او راه در پیش دارد. یا با آژانس همکاری می‌کند یا نمی‌کند. اگر همکاری نکند همهٔ زحمات دو سالهٔ خود در اثبات صلح آمیزبودن فعالیت‌هایش را دود کرده و به‌هوا فرستاده‌است و اگر همکاری نکند باید بپذیرد که دانهٔ این همکاری، از این پس نه به‌پادمان نه به‌پروکتل و نه به‌هیچ متن حقوقی دیگری محدود و منحصر نخواهد بود. و صرف اراده و دلخواه آژانس باید مبنای عمل قرار گیرد.

آیندهٔ همکاری‌های ایران و آژانس با گزارش مدیر کل

به‌اجلاس ماه نوامبر، در هاله‌یی از ابهام قرار گرفته‌است.

پروندهٔ ایران به‌لحاظ فنی و حقوقی بسته شده‌است اما ی یک ارادهٔ سیاسی درون آژانس قصد دارد هم‌چنان آن را باز نگه دارد و به‌بهانهٔ شفاف‌سازی بیشتر، ایران را وادار به‌گشودن نهانخانهٔ اسرار خود به‌روی بازرسان و افشای اسرار امنیت ملی خود سازد. زیر بار این بدعت خطرناک نباید رفت.

«آرامش قبل از توفان»

البته چنین اظهارنگرانی‌هایی تنها به‌باند ولی‌فقیه محدود نمی‌شود. افراد باند مغلوب نیز آینهٔ تیره‌تری را ترسیم می‌کنند. زیدآبادی معتقد است که «شرایط فعلی فقط آرامش قبل از توفان است». وی که این نوشته را به‌تحلیل بیانیةٔ اتحادیهٔ اروپا اختصاص داده ضمن رد «نرمش» و

هفت روز هفته

مروری بر مهمترین رویدادهای هفته

دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، بلکه در تاریخ پارلمان ایران نیز بی‌سابقه است».
درمورد ندادن رأی اعتماد به‌کاندیدای پاسدار احمدی‌نژاد سخنان بسیاری گفته شده است. ازجمله این‌که وی از تابعیت آمریکا برخوردار است و دارای «کِرین کارت» است. هم‌چنین دختر و تنی چند از بستگان او از تابعیت انگلستان برخوردار هستند. ولی مهمترین ایراد نمایندگان مجلس ارتجاع به‌کاندیدای احمدی‌نژاد «جدی‌نودن او در مبارزه با مافیای نفی است که از قبل در وزارت نفت خانه کرده‌است».

عمامهٔ برباد رفته

آخوند عمید زنجانی که توسط وزیر علوم کابینهٔ پاسدار احمدی‌نژاد به‌ریاست دانشگاه منصوب شده بود و روز یکشنبه ۱۳آذر برای انجام مراسم معارفه به‌دانشگاه



رفته بود، دانشجویان با دیدن او شروع به‌شعاردادن علیه آخوند و رژیم ملایان کردند و خواستار استعفا و خروج وی از دانشگاه شدند. صدها تن از دانشجویان با تجمع در مقابل کتابخانهٔ دانشگاه تهران، ضمن اعتراض به‌نحوهٔ «انتصاب» آخوند عمید زنجانی به‌ریاست دانشگاه تهران شعار می‌دادند «دولت نظامی، رئیس انتصابی» و «رئیس انتصابی استعفا استعفا». به‌نوشتهٔ خبرگزاری حکومتی فارس، آخوند عید زنجانی در مراسم معارفه، مورد تعرض و هجوم تعدادی از دانشجویان معترض قرار گرفت. بنا به‌همین گزارش‌ها، وزیر علوم کابینهٔ احمدی‌نژاد که برای شرکت در مراسم معارفهٔ آخوند عمید زنجانی به‌دانشگاه تهران رفته بود، بر اثر اعتراضات دانشجویان و به‌ویژه به‌خاطر شعارهای ضدحکومتی آنها، «از در پشتی ساختمان کتابخانهٔ مرکزی» خارج شد. به‌گزارش خبرگزاری حکومتی مهر، آخوند عمید زنجانی توسط دانشجویان مبارز مورد تهاجم قرار گرفت و ابعاد تعرض به‌حدی بود که عمامهٔ این آخوند را از سرش برداشتن و او را تاگزیر از فرار کردند. کارگزاران رژیم و عوامل حراست در وحشت از گسترش اعتراضات از ورود دانشجویان به‌سالن جلوتری کردند. این آخوند چنانکه برای محاصرهٔ انبوه اطلاعاتی‌های محافظش فرار را بر قرار ترجیح داد، ازجمله اعتراض دانشجویان این بود که این آخوند بی‌سواد «فاقد تحصیلات آکادمیک» است و به‌یچ‌وجه صلاحیت چنین پستی را ندارد. وزیر علوم و تحقیقات کابینهٔ احمدی‌نژاد پس از فرار و متفضح‌شدن خود و رئیس منصوب او برای دانشگاه تهران، در گفتگو با

وزیر غیر«جدی» رأی نیاورد

سومین کاندیدای پاسدار احمدی‌نژاد برای تصدی پست وزارت نفت رأی نیاورد و وزارت خانهٔ مهم نفت هم‌چنان بی‌وزیر بماند است. تشّث و به‌هم‌ریختگی که دیکتاتوری آخوندی چنان است که دولت «یکدست» بسا ناآوانتر از اسلاف پیشین خود، بیش از سه ماه است در تکمیل کابینه در مانده شده‌است. به‌گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا در ۲ آذر، مجلس ارتجاع «پس از استماع سخنان احمدی‌نژاد و نظرات نمایندگان موافق و مخالف وارد رأی‌گیری شد و «سیدمحسن تسلطی» وزیر پیشنهادی، از تعداد ۲۵۴ رأی اخذ شده توسط ۷۷ رأی موافق، ۱۳۹ رأی مخالف و ۳۸ رأی ممتنع را کسب کند». به‌نوشتهٔ این خبرگزاری حکومتی، چنین اتفاقی نه‌تنها در

مداخلات رژیم آخوندی در عراق

شکنجه و قتل‌های گسترده می‌شوند. نخست‌وزیر سابق عراق آن‌قدر به‌حکومت قانون بی‌اعتماد است که به‌محافظان خودش دستور داده بر روی هر خودرو پلیس که تلاش می‌کند بدون اطلاع قبلی وارد مقرش شلیک کند، وی این دستور را به‌دنبال دست‌داشتن نیروهای پلیس در بسیاری از سوء‌فرتا‌ها صادر کرده‌است. وی گفته‌است: «وزارت کشور در قلب این داستان قرار دارد. مأموران این وزارت‌خانه در کنترل زندان‌های مخفی دست دارند و مسئول اعدام‌هایی هستند که صورت می‌گیرد». شبکهٔ تلویزیون بی‌بی‌سی روز ۱۶آذر، طی گزارشی از مصاحبهٔ اباد علای و با آرزور گفت: «اظهارات علای‌وی قبل از برگزاری انتخابات آینده عراق یک نوع شلیک استارت در رقابت‌های انتخاباتی است و مانند یک شوک است. دیدگاه علای همان نظری است که بسیاری از سن‌ها، که علیه فعالیت‌های وزیر کشور شکایت کرده‌اند را ابراز می‌کند. آنها شکیانهٔ کردند که افراد پلیس عراقیان را می‌ربایند و بعداً جسد آنها کشف می‌شود. این اتهامات از سوی گروه‌های سنی با استقبال روبه‌رو می‌شود به‌خصوص که برخی از آنها از علای حمایت می‌کنند. وی علاوه در تبلیغات انتخاباتی خود مرزهای فرقه‌یی را کنار گذاشته‌است. او که یک شیعهٔ سکولار است، با جریان‌های مذهبی شیعه که در انتخابات قبلی به‌پیروزی رسیدند، اختلاف نظر جدی دارد.

گزارش روزنامهٔ الزمان دربارهٔ عوامل رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق

روزنامهٔ الزمان ۱۵آذر نوشت: افسران وزارت کشور عراق شبکه‌های آدمکش و گروگانگیری را رهبری می‌کنند. این روزنامه به‌نقل از منابع عالی‌رتبهٔ امنیتی، نوشت: دستگیری افسرانی در وزارت کشور که متهم به‌هربری شبکه‌های آدمکشی و ربودن هستند ممکن است پرده از روی بسیاری از موارد مهم قتل و آدم‌ربایی که بغداد و سایر شهرهای عراق شاهد آن بودند بردارد. این منابع گفتند بسیاری از قربانیان و خانواده‌هایشان و بسیاری از نیروهای سیاسی بارها توج‌ها‌ت را به این مسأله جلب کردند که افراد مسلحی که لباس‌های پلیس و ارتش را می‌پوشند عملیات متعدد قتل و آدم‌ربایی را که در روز و یا در ساعات منع تردد انجام می‌شود، هدایت می‌کنند. روز جمعه برای اولین

اخبار ایران

خبرگزاری حکومتی فارس مدعی شد که «انتخاب رئیس جدید دانشگاه تهران در چارچوب قانون و اختیارات دولت بوده‌است». وی در توجیه این بی‌برویی افزود: «خوشبختانه جو کشور به‌قدری آزاد است که تمام اقشار می‌توانند دربارهٔ انتصابات نظر بدهند، دانشجویان حق ابراز عقیده دارند اما بنده از حق که قانون بر عهده‌ام گذاشته است استفاده کرده‌ام و این درحالی است که آقای عمید زنجانی یکی از بزرگان دانشگاه تهران در تولید علم هستند».

تحصن دانشجویان داروسازی

از سوی دیگر اعتصاب دانشجویان دانشکدهٔ داروسازی اصفهان هم‌چنان ادامه دارد. این اعتصاب از ۱۲۸آبان در مقابل دفتر رئیس دانشگاه شروع شده بود (تا تنظیم این گزارش) وارد هشتمین روز خود شد و ادامه دارد. دانشجویان دانشکدهٔ داروسازی اصفهان همراه با سایر دانشجویان داروسازی سراسر کشور در اعتراض به طرح پیشنهادی مجلس ارتجاع و «تغییر قوانین کار داروسازی و مجوز تأسیس داروخانه» دست به‌اعتصاب زده که به‌تعطیلی کلیهٔ کلاس‌های درسی و لغو امتحانات انجامیده‌است.

تجمع کارگران در مقابل استانداری قزوین

به گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا در روز یکشنبه ۱۶آذر عده‌یی از کارگران کارخانه پوشینه بافت قزوین برای چندمین بار در نهادهای اخیر، در اعتراض به‌تعویق افتادن حقوق شش ماهه خود، مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. بنا به‌همین گزارش بیش از صدنفر از کارگران در این تجمع اعتراضی، با سر دادن شعارهایی علیه کارگزاران حکومتی خواستار رسیدگی به‌مشکلاتشان شدند.

یکی از کارگران گفت: «حدود هشت ماه است که شرکت پوشینه‌بافت از بخش دولتی به‌بخش خصوصی واگذار شده‌است و در این مدت فقط دو ماه حقوق دریافت کرده‌اند». در یک حرکت دیگر اعتراضی، جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو دیزل، با انتشار بیانیه‌یی اخراج دستمجمعی همکاران کارگرگر خود را محکوم کرده و خواستار بازگشت آنها شدند. کارگران در این بیانیه مسئولیت این عمل ضد کارگری و ضد مردمی را به‌عهدهٔ «وزارت کار و قانون ضد کارگری آن» دانسته و از کارگران اخراجی خواسته‌اند در مقابل آن دست به‌اعتراض و مقاومت بزنند.

باز هم زلزله

روز یکشنبه ۶ آذر بر اثر زمین لرزه‌یی به قدرت ۷/۱درجه در مقیاس ریشتر تعدادی از روستاهای این منطقه ویران شد. تا تنظیم این گزارش شمار تلفات زلزله ۱۸کشته و میزان زخمی‌ها افزون بر ۱۰۰ نفر گزارش شده‌است. به نوشته خبرگزاری پس لرزه‌های زلزلهٔ قشم باعث تسهیل جرز و مد می‌باشد و از صبح امروز گرد و غبار محلی نسبت به‌روزهای قبل بیشتر شده بود.



این گزارش افزود: قشم بزرگترین جزیرهٔ کشور در جنوب بندرعباس قرار دارد که دارای حدود ۱۸۰روستا می‌باشد و در جریان زلزلهٔ امروز ۱۰۰ روستا در مرکز جزیره به‌ناهای کاروان، کوشه، ایران، گورزین و توبان آسیب شدیدی دیده‌اند.



نمود. گزارشگر این تلویزیون، همراه با بخش فیلم از این زندان‌ها، گفت: این یکی از چندین اتاق است که بازداشت‌شدگان در آن نگاه داشته شدند. وضعیت بسیار بد آنها مأمورانی که آنها را پیدا کرده بودند شوک کرد. ژنرالی که مسئول این‌جا بود این ساختمان را که در مرکز این افشاح قرار گرفته‌است، به‌ما نشان داد. این ژنرال به‌دلیل این‌که نگران است که شورشیان به‌او حمله کنند، نمی‌خواهد هویش فاش شود. این در اصل یک زندان نیست بلکه بخشی از یک سگر توتنی سابق است که توسط وزارت کشور استفاده می‌شد. گروه‌های حقوق‌پُشری معتقدند که تأسیسات دیگری وجود دارد که بازداشت‌شدگان در آنها به‌صورت مخفی نگاه داشته می‌شوند. ما همه‌جا را به‌خوبی نگاه کردیم اما تعجب‌آور نبود که هیچ آثاری از اتفاقاتی که در این‌جا صورت گرفته بود نمانده‌بود. ما گفته شد که زندانیان را به زندانی در ابوغریب منتقل کرده‌اند.

یکی از شکنجه‌شدگان با نشان‌دادن آثار شکنجه روی بدنش، گفت: اینجا علامتی از شوک الکتریکی است که در همین سنگر زیرزمینی در اوایل امسال به او داده شد. او می‌گوید که طی ۵۰روز در بازداشت آنها هم‌چنین تلاش کردند ناخن ستم پای او را بکشند. او می‌ترسد که صورت خود را نشان دهد و می‌گوید به او گفته شده که اگر در خصوص اتفاقی که افتاد صحبت کند، زن و بچه او را دستگیر خواهند کرد. این مرد افزود: آنها به من گفتند که تو یک سنی هستی و شیعیان را می‌کشی. هنگامی که من این امر را انکار کردم، شکنجه‌ها شدیدتر شدند. من فکر نمی‌کنم آنها‌یی که مرا شکنجه کردند مسلمان بودند. آنها هیچ رحمی نداشتند. در پای یک مرد میخ فرو کرده بودند. اکثر ما اسهال گرفته بودیم و تنها اجازه داشتیم هر دو روز یکبار به‌سرویس برویم. گزارشگر تلویزیون بی‌بی‌سی، که از یک زندان عادی عراق دیدن کرده‌است، دربارهٔ یک زندانی، گفت: سهیل کلانی برای ۵ ماه است که در بازداشت می‌باشد. او به‌ما گفت: بسیاری از زندانیان بی‌گناه هستند. وی با حالت پرخاشی و گریه گفت: حقیقت روشن خواهد شد. من هیچ کار اشتباهی نکرده‌ام. ما بچه داریم. من در این‌جا سخته کرده‌ام. ما برای رحمت خدا و این‌که از بی عدالتی در امان بمانیم دعا می‌کنیم. سازمان ملل متحد در خصوص ۷ به‌

شمارهٔ ۷۷۷ – سه‌شنبه ۸ آذر ۱۳۸۴ صفحهٔ ۲

تسلیم خاتم مرصیه، بانوی هنر ایران به‌مناسبت در گذشت خوانندهٔ مردمی، آغاسی

سلام بروح آغاسی آن خوانندهٔ محبوب ایران که جایش تا ابد در قلب تمام ایرانیان خواهد ماند، سلام برخواناده آن عزیز که برایشان در این سوک بزرگ آرزوی صبردارم و درغمانش شریکم و سلام به‌شما مردم هنر دوست که این‌طوربرای مراسم خاکسپاری آن هنرمند حتی درخفان رژیم کثیف آخوندی حاضرشدید.

من هم به‌نوبهٔ خودم به‌هنگی شما تسلیم می‌گویم.

مرصیه - پاریس آبان ماه۱۳۸۴

پاسدار احمدی‌نژاد:

کسی حق ندارد از دسترسی رژیم به‌فن آوری اتمی جلوگیری کند و مدعی نقض حقوق بشر در ایران باشد

مماشات غرب، آخوندها را در تسریع پروژه‌های اتمی و تشدید نقض حقوق بشر تشویق می‌کند

پاسدار احمدی‌نژاد که بعد از اجلاس اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تملل آن در ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم به‌شورای امنیت گستاخ شده‌است، روز گذشته در سالگرد تأسیس سیسج ضد‌مردمی خطاب به کشورهای غربی گفت «شما می‌گویید احتمال دارد فعالیت‌های هسته‌یی ایران از مسیر اصلیش منحرف شود، پس ما باید جلو آنرا بگیریم. شما چه حقی دارید که می‌گویید ملت ایران باید از فن آوری اتمی دست بردارد؟ شما باید پاسخجو باشید و حق سؤال ندارید…»

حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت‌خارجهٔ رژیم نیز صبح یکشنبه با تأکید بر این که اجلاس اخیر شورای حکام آژانس انرژی اتمی «موضوع را عاقلانه‌تر دنبال کرد و مثبت‌تر از اجلاس پیشین بود و نبود قطعنامه در آن خیلی مسائل را روشن کرد»، افزود هر گونه طرح و مذاکره‌یی می‌بایست در برگیرندهٔ تضمین عینی برای تحقق سوخت هسته‌یی در ایران» باشد.

دو روز پیش، روزنامهٔ حکومتی کیهان در سرفالهٔ خود اعلام کرده بود: «پیشهاد ۱۶دسامبر برای ازسرگیری مذاکرات، حکایت از آن دارد که به‌تهدیدهای قبلی آمریکا و متحدانش دربارهٔ ارجاع پروندهٔ هسته‌یی کشورمان به‌شورای امنیت سازمان ملل همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، یک تهدید توخالی بوده‌است».

مماشات کشورهای غربی تا به‌آن‌جا رژیم آخوندی را وقیح کرده‌است که احمدی‌نژاد که شخصاً به‌بیش از ۱۳۰۰زندانی سیاسی تیر خلاص زده‌است، در بسیاری از عملیات تروریستی علیه مخالفان در خارج کشور شرکت داشته‌است و در ماهی که از روی کار آمدن وی می‌گذرد، حداقل یکصد نفر یا خلق آریز و یا به اعدام محکوم شده‌اند. خطاب به کشورهای غربی گفت: شما هستیم… شما باید در دادگاه جانپیکاران جنگی محاکمه شوید، شما امروز به‌نام آزادی در کشورهای خود به پلیس‌ان اجازه می‌دهید به‌هر کسی که خواستند شلیک کنند و آنها را به‌خاک و خون بکشند. ما فهرست بلندی از جنایت‌های شما در مقابل خود داریم و شمار را رسوا می‌کنیم. آقای محمد محمدتین، مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت ایران، دربارهٔ اظهارات احمدی‌نژاد گفت: «گستاخی روزافزون رژیم آخوندی در نقض وحشیانهٔ حقوق بشر، تلاش برای دستیابی به‌سلاح اتمی و دست‌اندازی به‌عراق، نتیجهٔ طبیعی سستی و نرمش و تملل سیاست‌های غربی است». محمدتین این جامعهٔ بین‌المللی خواست با ارجاع پروندهٔ حقوق بشر، اتمی و صدور بنیاد کُرایی و تروریسم آخوندها به‌شورای امنیت سازمان ملل، از وقوع فاجعه‌یی که منطقه و جهان را به‌خطر می‌اندارد، جلوگیری کنند.

دیربخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران آذر۱۳۸۴ (۲۷توامبر۲۰۰۵)

سوز و گداز روزنامهٔ اعتماد از بیهوده‌بودن توطئه‌های رژیم علیه مجاهدین مسقطر در عراق

روزنامهٔ اعتماد در شمارهٔ ۱۳آذر خود، به‌بیهوده‌بودن توطئه‌های رژیم آخوندی علیه مجاهدین مسقطر در عراق اعتراف کرد و «همکارهایی دستجمعی امنیتی» را به‌عنوان «یک ضرورت منطقه‌یی» تنها راه حفظ رژیم از خطر سرنگونی دانست. این روزنامه با حسرت دربارهٔ سفر هیأت‌های عراقی به تهران و شبیسات رژیم به‌مقامات دولت انتقالی عراق علیه مجاهدین، نوشت: گرچه موفق‌الربیبی، مشاور در امور امنیت ملی عراق که هفته گذشته موفقاًنامهٔ تازهٔ همکاری‌های امنیتی با ایران را امضا کرد، تمهید سپرد که بغداد هر چه سریعتر تروریست‌های مخوف را از عراق بیرون کند، اما هم ایران و هم دولت‌مردان کنونی عراق… باید واقفند که متنفقین و استعمار حضور آنها در خاک این کشور، مانند بسیاری مسائل امنیتی عراق در حال حاضر، مسأله‌یی است که حل آن به‌جانب سوم یعنی آمریکا بستگی دارد.

این روزنامهٔ رژیم که در دپروژت مجاهدین را وابسته به‌عراق توصیف می‌کرد، با سوزو گداز بسیار، نوشت: اما آمریکا به‌رغم شناسایی منافقین به‌عنوان یک گروه‌ک تروریستی، نزدیکترین همکاری‌ها و ارتباطات را با آن دارد و بعید به‌نظر می‌رسد تا زمانی‌که روابط تهران و واشینگتن در وضعیت و سطح کنونی قرار دارد، آمریکا مایل باشد این اهرم را برای تنظیم روابط خود با ایران به‌ویژه در صحنهٔ عراق از دست بدهد». به‌نوشتهٔ روزنامهٔ حکومتی اعتماد دهشت‌افکنی بلایی است که کشورهای منطقهٔ اینک با آن روبه‌رو هستند و این امر و مبارزه با آن می‌تواند به‌عنوان یک نقطهٔ مشترک برای همکاری‌های چندجانبه در قالب یک سازمان امنیت منطقه‌یی تلقی شود.

وحشت آخوندها از ادامهٔ حضور مجاهدین در عراق به‌عنوان تهدید اصلی رژیم

روزنامهٔ حکومتی رسالت در شمارهٔ ۵آذر خود، وحشت آخوندها را از ادامهٔ حضور مجاهدین در عراق به‌عنوان تهدید حکومتشان و دلیل توطئه‌پردازی‌های مداوم علیه شهر اشرف به‌نمایش گذاشت.

رسالت آخوندی، تصریح کرد: «ادامهٔ استقرار منافقین همواره به‌عنوان یک تهدید علیه ایران، سایه بر روابط دو کشور انداخته‌است. امید است که دولت کنونی عراق با نظر به‌اهمیت روابط دو جانبه میان تهران و بغداد، دربارهٔ مسألهٔ ادامهٔ استقرار منافقین در این کشور تدبیری بیندیشد». رسالت نوشت: «آن‌چه که به‌عنوان یک مسأله بر سر راه تحکیم و تعمیق مناسبت تهران، بغداد خودملایی دارد، مسألهٔ استقرار منافقین در خاک عراق است. چندی پیش وزیر امور خارجهٔ عراق، هشیار زبیار در تهران، پناهندگی منافقین را عامل بازدارنده در بیرون‌راندن این افراد از عراق توصیف کرد. این در حالی است که حضور منافقین در کشور همسایه هیچ‌گاه در حد پناهندهٔ بدون رفتار سیاسی و نظامی نبوده‌است».

روزنامهٔ آخوندی رسالت در ابتدای این مقاله دروغ‌های رسوا و دغاوی صمدبار مصرف‌شدهٔ وزارت اطلاعات رژیم علیه مجاهدین را در شش فقره ردیف کرده و سپس به‌خطرات افشاگرایی مداوم مقاومت ایران درمورد پرونده‌های اتمی آخوندها به‌سوز و گداز پرداخته و مجاهدین را به‌جاسوسی به‌نفع آمریکا به‌طور خاص در زمینهٔ فعالیت هسته‌یی متهم می‌کند. رسالت آخوندی آن‌گاه وحشت و وحشت‌مماراران رژیم را از حذف نامگذاری تروریستی مجاهدین ابراز نموده و یکی از مهمترین جرایم آنها را به‌شرح زیر‌خاطر نشان می‌کند: «رایزنی با مقامات ضدایرانی غربی- در آمریکا فرانسه و ایتالیا، به‌منظور انزوا ی بین‌المللی نظام دینی ایران، خارج‌شدن نام منافقین از فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیهٔ اروپا و جلب حمایت مدی و سیاسی از حرکت براندازانهٔ گروه‌ک نفاق». رسالت آخوندها در پایان مقاله‌اش نگرانی اصلی رژیم را با این عبارات بیان کرده‌است: ادامهٔ استقرار منافقین همواره به‌عنوان یک تهدید علیه ایران، سایه بر روابط دو جانبه میان تهران و بغداد، است. امید است که دولت کنونی عراق با نظر به‌اهمیت روابط دو کشور بیندیشد». دربارهٔ مسألهٔ ادامهٔ استقرار منافقین در این کشور تدبیری بیندیشد».

یادآوری می‌کنیم که ۱۶روز دیگر انتخابات پارلمان جدید بر گزار می‌شود و طبق قانون افشارهٔ دولت اقدامی، دولت جدید عراق بایستی تا پایان ماه دسامبر تشکیل شود. رژیم آخوندی نگران از دست‌دادن نفوذ و عوامل خود در دولت آیندهٔ عراق است.

تظاهرات ایرانیان آزاده در برابر مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین

محمدرضا روحانی، مسئول کمیسیون امور ملیتهادر شورای ملی مقاومت



بقیه از صفحهٔ قبل

هانس بوگن ریتر، رئیس انجمن حمایت از خلفای تحت ستم



دکتر علیرضا آزار، استاد و متخصص فیزیک



دکتر منوچهر فخمی، استاد و متخصص ژئو فیزیک

دولت نوروژی، نمایندهٔ شورای ملی مقاومت در انگلستان



د کتر منوچهر فخمی، استاد و متخصص ژئو فیزیک

پشت سر خود دارد باید در جهت دمو کراسی حرکت کند و یک رژیم دمو کرات و آزاد داشته باشد.

علیرضا آزار:

امیدوارم دنیا درسهای لازم را از تجربه‌های تلخ خود در رابطه با رژیم آخوندی گرفته باشد

امروز یک بار دیگر در این‌جا تجمع کرده ایم تا با یک صدا مخالفت شدید خود را با این برنامه‌های صلح‌ستیزانه و ضدبشری هسته‌بی – نظامی ملایها اعلام کرده و از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بخواهیم بدون فوت نود و شش سال پیش پدر فکری خمینی را تروربسم بین‌المللی، مبارزه با بنیادگرایی از ایران می گذرد و نه ازجای دیگر. ما دقیقا رادیس قوهٔ قضائیه کرده اعلام می‌کند که ۶۰۰ میلیارد دلار پول از کشور فرار کرده. بنابراین تاجار بزرگ هم مشغولند که عملی اعلام را در مقابل ملت تنها بگذارند. حال اینها فقط و فقط در درون به انتکای دستگاه سرکوبی و در بیرون به‌انتکای حمایت خارجیان حکومت می‌کنند. حال در همین شهر وین وقتی احمدی‌نژاد به‌عنوان تیم رزرو در قتل قاسملو شرکت کرد، اگر او را دستگیر کرده بودند، اگر قاتلی را که دستگیر کرده بودند و به پلیس برده بودند، اگر کسی را که به پلیس برده بودند، اگر صحرارودی را گرفته بودند، اگر نتایج دادگاه میکونوس را نگاه می کردند، اگر تسلیم باجگیران بین‌المللی نمی‌شدند، امروز اینها جرأت نمی کردند که جهان را با بمب اتمی به‌وحشت بیندازند. اینها امروز جرأت نمی کردند که امنیت را نه‌تنها از ملت ایران که ازتمام کشورهای مسلمان‌نشین برابند. امروز صبح تلوزیون از کشف برنامه‌های ترورستی برای ترور در متروی مونروال صحبت می کرد. متروی لندن را دیدیم، قطار مادرید را دیدیم. چه کسی این جانیان را بر جهان حکومت داد؟ آنهایی هستند که به اینها باج می دهند. چه کسی جایت دسترسی به بمب اتمی را به جانیان اعلام کرد؟ این‌ا مردم دربنده ما هستند. تروربسم می‌خوانند. بپویم که ما را تروربسم می‌خوانند.

هانس بوگن ریتر: ایران با تمدن باستانی، باید یک رژیم دموکراتیک داشته باشد

به‌نام انجمن «حمایت از خلفای تحت ستم، از شما تشکر می‌کنم که از شهرهای مختلف به این‌جا آمده‌اید. می‌خواهم در مورد افزایش موارد نقض حقوق بشر و



جانیتهای وحشتناک ایران برای شما صحبت کنم. این مسائل همه بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری جدید افزایش پیدا کرده است. گروههای مختلف مذهبی و قومی در ایران در معرض خطر هستند. شکنجه و نقض حقوق بشر در ایران رو به افزایش است. زندانی کردن افراد مختلف، اعدام، تحت تعقیب قرار دادن آزادبغخوان افزایش پیدا کرده است. این آمار موجود در ایران است. بسیاری از دانشجوین و آزادبغخوانان توسط نیروهای دولتی ایران تحت تعقیب هستند و دستگیر شده‌اند. من می‌خواهم بپویمه در مورد جایت وحشتناکی که نیروهای ایران انجام داده‌اند صحبت کنم. در سوم سپتامبر آنها فردی به‌نام اسماعیل محمدی که پدر ۵ فرزند بود را به مرگ محکوم کردند. او به‌عنوان عضو حزب دموکرات کردستان اعلام کردند. او را تحت شرایط وحشتناکی در زندان نگهداشتند. تلاشهای بسیاری برای لغو حکم اعدام این فرد انجام گرفت فقط فشارهای بین‌المللی می‌تواند در لغو این مجازاتهای وحشیانه مؤثر باشد. رژیم ایران با افزایش بنیادگرایی و تروریسم جامعه ایران را به شدت تحت آزار و اذیت قرار می دهد. زنان را از حقوق بدیهی خود محروم می سازد. آنها را به وحشیانه‌ترین شیوه‌ها مجازات می‌کند. ایرانی که تمدنی باستانی را

آرامش را به منطقه خاورمیانه و دمو کراسی و آزادی را برای ملت ایران به ارمانگن آورد. این راه همانا پشتیبانی دولت آمریکا از اپوزیسیون ایران، یعنی شورای ملی مقاومت است. امیدوارم که جانیان به‌خصوص دولت آمریکا از تجربه‌های تلخ خود در رابطه با رژیم آخوندی درسهای لازم را گرفته باشد.

منوچهر فخمی:
عفریت فاجعهٔ آخوندی جهان را تهدید می‌کند
...دوستان عزیز، برادران و خواهران. عفریت جهان را تهدید می‌کند که با یکاگرایی ترغندهای اپوزیسیون ایران، یعنی شورای ملی مقاومت است. امیدوارم که جانیان به‌خصوص دولت آمریکا از تجربه‌های تلخ خود در رابطه با رژیم آخوندی درسهای لازم را گرفته باشد.

شمارهٔ ۷۷۷ – سه شنبه ۸ آذر ۱۳۸۴

صفحهٔ ۴

پیام رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت

یاران مقاومت، به همهٔ شما درود می‌فرستم. مشتاقان آزادی و تمام مردم ایران به شما درود می‌فرستند که هر کجا مسألهٔ ایران و سرنوشت و آیندهٔ آن در میان است، حاضرید. از نیویورک تا بروکسل، از لندن تا وین، همه جا صدای شما شنیده می‌شود که می‌گویید هیولای ارتجاع باید به زیر کشیده شود و ایران باید سرزمین آزادی و دموکراسی شود. گردهمایی امروز شما در برابر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خواست مردم ایران را با صدای بلند اعلام می‌کند که دست ملایان را از سلاح اتمی کوتاه کنید. بحران اتمی رژیم آخوندی در ماههای اخیر، وارد مرحلهٔ بسیار خطرناکی شده است. زیرا این رژیم پس از سرافصل انقباض و یکپاکی، تلاش برای کسب سلاح هسته‌یی را با فراخوان‌دادن به نابودی کشورهای دیگر درهم آمیخته است. آن‌چه خطرناک است، نه فقط بمب اتمی، بلکه ترکیب آن با حمایت فعال از تروریسم و دست‌اندازی به عراق است، و این همه در دست رژیمی است که در دوران پایانی کار خود، به‌سمیم آخر زده از هیچ اقدام ضدبشری برای حفظ خود فروگذار نمی‌کند.

امروز رئیس‌جمهور ارتجاع تصریح می‌کند «هر چه زمان بگذرد، ما یک پله به بالا خواهیم رفت، کوتاه نخواهیم آمد، وقتی چرخهٔ سوخت را راه‌بیندازیم بدون شک همه چیز متحول خواهد شد و غرب سست‌تر از آن چیزی است که نشان می‌دهد.

روهربر آخوندها یا تأکید بر این که جهان را باید به جالش طبلید، اعلام می‌کند: «همه باید بفهمیم که عقب‌نشینی در مقابل قدرتها... آنها را جری می‌کند.

آخوندها پرآندند که با حربهٔ تروریسم و بنیادگرایی، از جامعهٔ جهانی باج‌گیرند. آنها از پروژهٔ تولید بمب اتمی کوتاه نمی‌آیند. البته در همان حال برای حفظ جریان مذاکره و گرفتن انواع امتیازها از اروپا و آمریکا به اغواگری مشغولند. آنها به‌همان روشهای مشغولند که تاریخچهٔ دیپلوماسی‌شان در بیست‌وینح سال گذشتهٔ آکنده از آن است: فریبکاری برای امتیاز گرفتن، گرفتن امتیازی را مقدمهٔ امتیاز بالاتری کردن و متعهد شدن اما از اجرای تعهدات شانه خالی کردن.

در اوضاع کنونی، گستاخی و تهدیدهای آخوندها، باسود بردن از سستی و نرمش و تغلل سیاستهای غرب امکانپذیر شده است. آنها استراتژی خود را بر روی سیاست مماشات بنا کرده‌اند. اما در مقابل رژیمی که مششیر ماجراجویی و آتش‌افروزی از نیم کشیده، این سیاست عمیقاً غیرمسئولانه است

مذاکره با آخوندها به جای حسیاری از آنها به‌خاطر ۱۸ سال پنهانکاری اشتباه‌مهلکی است. موعظه کردن این رژیم به‌جای‌داشتن آن به پذیرش بازرسهای سرزده، فقط برای آخوندها زمان می‌خرد.

دادن امتیازها و مشوفاقی گوناگون به جای ملزم کردن رژیم به تعطیلی بی‌درنگ تمام فعالیتهای اتمی، فاجعه‌یبار می‌آورد.

مسکوت گذاشتن اغلب اطلاعاتافشاشده توسطمقاومت ایران دربارهٔ فعالیت محرمانهٔ اتمی رژیم، به جای رسیدگی فوری به آن، حمایت عملی از آخوندهاست.

به‌رمضه همهٔ این تجربه‌ها، و به‌رمغ تأکیدات قطعنامهٔ سیپامیر شورای حکام بر تعلیق دائم و کامل تمامی فعالیتهای مربوط به غنی‌سازی و فرآوری و تعطیلی راکتور آب سنگین در اراک و تصویب و اجرای کامل پروتکل الحاقی، متأسفانه در آستانهٔ تشکیل اجلاس اخیر، بازمه آمریکا و اتحادیهٔ اروپا تسهیلات و جایگزینهای مختلف را به دیکتاتوری آخوندی پیشنهاد می‌کردند تا شاید از سلاح اتمی دست بردارد. اما حتی اگر این طرح‌ها به‌اجرا درآید، آخوندها را در مسیر ماجراجویی‌هایشان جبرتری می‌کند.

تمام این سیاستها در توتل تاریک مماشات انجام می‌گیرد که در آن غیرممکن است نور هیچ راه‌حلی تباید. این توتلی است که انتهای آن فروبردن کل منطقه در کام آتش‌افروزی و جنگ است.

چارهٔ کار تغییر مسیر و تجدید‌نظر کلی در سیاست مربوط به ایران است. بنابراین از جانب مردم ایران که نمایندگانشان هم اکنون در برابر مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجتماع کرده‌اند، به اجلاس شورای حکام این آژانس هم چنین به دولتهای عضو اتحادیهٔ اروپا و اعضای شورای امنیت ملل متحد اعلام می‌کنم:

– پروندهٔ اتمی رژیم آخوندی باید بدون تعلل به شورای امنیت ارجاع شود و بیش از این به آخوندها برای پیشبرد پروژه‌های اتمی فرصت داده نشود.

– رژیم آخوندی باید به‌طور کامل تحریم شود.

– سرداران این رژیم به‌خاطر جنایتان علیه بشریت در دادگاه بین‌المللی محاکمه شوند.

– دیکتاتوری مذهبی از ملل متحد و دیگر ارگانهای بین‌المللی اخراج شود.

- حق مردم ایران برای مقاومت علیه فاشیسم مذهبی به‌رسمیت شناخته شود و نام مجاهدین از لیستهای ترورستی حذف گردد.

همچنان که سه هفته پیش ۲۶۰ نماینده از ۲۲کشور اروپایی و پارلمان اروپا در بیانیهٔ خود تأکید کردند، قربانی کردن همان کسانی که جهان را نسبت به خطر مسلح شدن یک دیکتاتوری مذهبی به‌سلاح اتمی، آگاه کردند، در یک معامله با همان رژیم، بیشترین امتیاز را به آخوندها برای ادامهٔ برنامهٔ امتیضان داده است. حذف مجاهدین از لیست ترورستی مؤثرترین عامل در وارد کردن رژیم ایران به رعایت قوانین بین‌المللی خواهد بود.

شما که امروز در برابر ساختمان محل اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گرد آمده‌اید، هم خواست مردم ایران و هم رنجها و دردهای آنان زیر یوغ فاشیسم مذهبی را فریاد می‌کنید.

هیچ‌کس به اندازهٔ شما یعنی به اندازهٔ مردم و مقاومت ایران مصائب ناشی از استمرار این حاکمیت ارتجاعی را احساس نمی‌کند. دولتها و افکار عمومی جهان به درستی از تهدیدهای این رژیم علیه صلح و امنیت منطقه و جهان نگرانند. اما کمتر کسی توجه دارد که این تهدیدها سالیان سال است در مورد مردم کشورما عملی شده و زندگی دهها میلیون ایرانی را در آتش اختناق و ستم و پیداد فروبرده است.

از این وو کوشش شما و همهٔ اعضای این مقاومت برای مقابله با این رژیم و طرح‌ها و نقشه‌های پلید آن بیش از هر عامل دیگری اثر گذار و تعیین کننده است.

این مقاومت که جهان را نسبت به فعالیتهای اتمی سری آخوندها آگاه کرد، بازمه با تمام قوا از تحقق رویای تمام آنان ممانعت می‌کند. امروز آخوندها در بن‌بست گرفتار شده و عمیقاً ناتوانند. اگر چه با باخت و تاز ترورستی و تحریکات بنیاد گرانه ضعف و تزلزل خود رامی‌بو‌شانند.

اما وودرووی این دیکتاتوری فروتوت، ملت ایران شما یاران از خود گذشته را دارد که جهان را به همبستگی با خواستههای علانانهٔ خود برمی‌انگیزید.

آزی مردم ایران و مقاومت آزادی‌ستاشان شایستهٔ به‌دست گرفتن سرنوشت خود هستند و ظلمت استبداد حاکم را به باطلداد آزادی می‌رسانند.

برای تحقق این سرنوشت تابناک همهٔ مشتاقان آزادی را به باری می‌طلبم

سلام بر آزادی

سلام بر ملت بزرگ ایران

ایران نه جنگ خارجی و نه استمرار مسالمت است. این تبلیغات فلاپی لابی رژیم برای استمرار مسالمت است که بنا بر نقطهٔ مقابل برنامهٔ اتمی رژیم ملایان، جنگ دیگری در منطقه است. آینده‌ی که طبیعتاً مورد تأیید هیچ‌کس به‌خصوص مردم و مقاومت ایران نیست، به‌عکس باید تأکید کنیم که تنها راه حل شهادت مارک ترورستی می‌بندند تا با رهایی قرون وسطایی گفنگوی سازنده داشته باشد. تا به فعالیتزین حامی تروربست در جهان علامت حسن نیت بدهند. یکسال پیش سه کشور اروپایی در کش و قوس مذاکرتی سعدآباد و پاریس و وین و بروکسل، ننگ این معاملهٔ غیراصولی را پذیرفتند که نام مجاهدین را در لیست ترورستی اتحادیهٔ اروپا قرار دهند. تا در ازای آن آخوندها طرح‌های اتمی خود را متوقف کنند. امروزه آخوندها میز معاملات را برهم زدند. فعالیت مرکز اتمی افغانستان را به سر گرفتند و در تهدیدهای اخیر احمدی‌نژاد از راه‌اندازی نظیر صحبت می‌کنند. آیا دولتمردان اتحادیهٔ اروپا شهادت اخلاقی آنرا دارند که با حذف بلاد رنگ نام مجاهدین از لیست تروربستی شرم مماشات و ننگ برجسب زدن ناحیه در شرم مماشات و ننگ برجسب زدن ناحیه در شرم مماشات برحق را از خود بزایند. پاسخ هر چه مقاومت مردم و مقاومت ایران مصممند که مقاومت برحق را ولو با جنگ و ناخن و دندان بکشایند و فاشیسم مذهبی را در ایران‌زمین ریشه کن کنند. راه‌حل مشکل بر ایران.

مقاومت را با تمام قوا از تحقق رویای تمام آنان ممانعت می‌کند. امروزه آخوندها در بن‌بست گرفتار شده و عمیقاً ناتوانند. اگر چه با باخت و تاز ترورستی و تحریکات بنیاد گرانه ضعف و تزلزل خود رامی‌بو‌شانند.

اما وودرووی این دیکتاتوری فروتوت، ملت ایران شما یاران از خود گذشته را دارد که جهان را به همبستگی با خواستههای علانانهٔ خود برمی‌انگیزید. آزی مردم ایران و مقاومت آزادی‌ستاشان شایستهٔ به‌دست گرفتن سرنوشت خود هستند و ظلمت استبداد حاکم را به باطلداد آزادی می‌رسانند.

برای تحقق این سرنوشت تابناک همهٔ مشتاقان آزادی را به باری می‌طلبم

سلام بر آزادی

سلام بر ملت بزرگ ایران

کنفرانس مطبوعاتی مقاومت ایران در واشینگتن

افشای جزئیات جدیدی از برنامه‌های مخفی اتمی و موشکی رژیم آخوندی

به‌نقض تعهداتش در قبال پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌یی مهم‌کرد و آن را زمینه‌یی برای ارجاع پروندهٔ این رژیم به‌شورای امنیت ملل متحد دانست.

پل لوتال افزود: متأسفانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هنوز تمامی افشاگریهایی را که درسالهای اخیر توسط اپوزیسیون انجام شده، مورد بررسی قرار نداده است. از ۱۲افشاگری، ۱۵مورد هنوز بررسی نشده است. ما امیدواریم که آقای البرادعی پاسخی به‌ما بدهد و این موضوع را پیگیری نماید.

پروفسور ریموند نترت، عضو پیشین شورای امنیت ملی آمریکا و استاد دانشگاه جرج تاون نیز در سخنان خود با اشاره به افشاگریهای مقاومت ایران گفت: «امروز به‌نظر می‌رسد که راه دیپلوماسی، باشکست و بن‌بست روبرو شده است. راهحل نظامی نیز قادر نخواهد بود که جلو برنامهٔ هسته‌یی رژیم ایران را بگیرد. شورای ملی مقاومت ایران نه‌تنها بهترین گزارش‌رها را دربارهٔ مسائل ایران ارائه داده، بلکه دارای واقعی‌ترین تصویر و تحلیل از اوضاع ایران است.

ایرانه‌ا‌ل و این اپوزیسیون می‌تواند مانع راه‌حل نظامی شود. بنابراین حمایت از مردم ایران و مقاومت آنها بهترین راه‌حل است.

حمایت از مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران که بیشترین تهدید برای حکومت ایران هستند، خارج ساختن نام این سازمان از لیست سازمانهای تروریستی وزارت خارجه آمریکا را ضروری می‌سازد.

۲۴نوامبر پروندهٔ هسته‌یی رژیم ایران را به‌شورای امنیت ارجاع دهند. این اولین گام برای اعمال فشار بر رژیم ایران خواهد بود. در همین رابطه باید با حمایت از اپوزیسیون این رژیم، فشارهای سیاسی را بر آن افزایش داد.

پل لوتال بنیانگذار و رئیس انستیتوی کنترل اتمی در آمریکا، در سخنرانی خوددر کنفرانس‌مطبوعاتی‌واشینگتن گفت: با توجه به سابقهٔ رژیم ایران که تاریخچه‌یی از مخفیکاری در زمینهٔ پروژه‌های اتمی داشته است، هرگونه طرح و پیشنهادی که امکان دستیابی رژیم ایران به‌چرخهٔ سوخت هسته‌یی را بدهد، خطرناک است. این رژیم مصمم است که به‌سلاح هسته‌یی دست پیدا کند.

وی گفت آخرین سند از سوی رژیم ایران ارائه شده است. براساس این سند رژیم ایران طرح غنی‌سازی اورانیوم در دستگاههای کروی شکل را از شبکهٔ عبدالقادرخان دریافت کرده است. این نوع غنی‌سازی کاربردی جز برای تولید سلاح هسته‌یی ندارد.»

رئیس انستیتوی کنترل اتمی در آمریکا افزود: در تابستان سال ۲۰۰۲ برای اولین بار آقای جعفرزاده ساینهای غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و سایت تولید آب‌سنگین در اراک را فاش کرد.

این افشاگرها از سوی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأیید شد و باعث شد که آژانس تحقیقات سه سالهٔ خود را در رابطه با ایران آغاز کند. نهایتاً در سپتامبر ۲۰۰۵ شورای حکام آژانس، رژیم ایران را



جعفرزاده: «درسپتامبر گذشته ما اعلام کردیم که تمرکز تونل‌سازی رژیم ایران در پارچین است. اما اکنون اطلاعاتی به‌دست آورده‌ایم که بیانگر ابعادی بسیار فراتر از پارچین است. رژیم ایران سربازی از تونلهای به هم‌پیوسته و اماکن زیرزمینی متمرکز را برای نگهداری موشک‌هایی با توان حمل کلاهک هسته‌یی در شرق و جنوب شرقی تهران، شهر ری و منطقهٔ پاکدشت ایجاد کرده است. پارک غزال، اتوبان پارچین، روستای توچال و خاک سفید در این محدوده قرار دارند»



در این منطقه مجتمع صنایع موشکی همت قرار دارد که مهمترین شاخهٔ مؤسسهٔ هوا فضای رژیم است. اکنون صنایع همت به منطقهٔ حَجَیر نیز گسترش یافته است. اهمیت این موضوع این است که صنایع همت اکنون توان تولید موشک‌هایی را دارد که می‌تواند آن را با برنامهٔ هسته‌یی تلفیق کند و کلاهک هسته‌یی روی آن سوار نماید. مؤسسهٔ همت در حال ساختن موشک‌های شهاب‌۱، شهاب‌۲، شهاب‌۳ و قدر می‌باشد. اهمیت موشک‌قدر در این است که برخلاف شهاب‌۳ که برد آن ۱۵۰۰ کیلومتر است، ۳۰۰۰-۲۵۰۰ کیلومتر برد دارد

و می‌تواند بسیاری از کشورهای منطقه را هدف قرار دهد. آقای علیرضا جعفرزاده ۷بخش مختلف مجموعهٔ صنایع موشکی همت را که همگی سزی می‌باشند، با جزئیات آنها ارائه داد و گفت: «مؤسسهٔ کریمی، سزی‌ترین بخش این برنامه است که مسئولیت کلاهک اتمی را به‌عهده دارد. این کلاهک‌ها روی موشک‌های شهاب ۳ یا قدر قرار می‌گیرد. تمامی ارتباطات در رابطه با این مؤسسه به‌وسیلهٔ کد انجام می‌شود. فرماندهی آن در‌دست پاسداری به‌نام قلی‌زاده است.»

وی در ادامهٔ توضیحات خود در کنفرانس مطبوعاتی واشینگتن توضیح دربارهٔ کنترل این پروژه توسط سپاه پاسداران پرداخت و تأکید کرد: «برای جامعهٔ بین‌المللی و آمریکا و اتحادیه اروپا حیاتی است که در اجلاس آیندهٔ شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در

عصر دوشنبه اول آذر (۲۱نوامبر) در یک کنفرانس مطبوعاتی در واشینگتن که توسط کمیتهٔ سیاست ایران برگزار گردید، جزئیات جدیدی از پروژه‌های مخفی اتمی و موشکی رژیم آخوندی توسط مقاومت ایران افشا شد.

در این کنفرانس مطبوعاتی که تحت عنوان «سلاح اتمی و ایران، افشاگرها و راه‌ح‌ها» برگزار شد، پروفسور ریموند نترت، عضو ارشد پیشین شورای امنیت ملی آمریکا و استاد دانشگاه جرج تاون، پل لوتال، بنیانگذار و رئیس انستیتوی کنترل اتمی در آمریکا و کارشناس امور حفاظت هسته‌یی و آقای علیرضا جعفرزاده به سخنرانی پرداختند.

ابتدا آقای علیرضا جعفرزاده با ارائه اسناد و اطلاعات جدید، جزئیات دقیقی را دربارهٔ سیستم گستردهٔ تونل‌سازی در اطراف تهران، شرکت‌ها و مراکز دست‌اندرکار پروژهٔ موشکی و مقام‌ها و گرداندگان این پروژه فاش نمود.

آقای جعفرزاده گفت: «در سپتامبر گذشته ما اعلام کردیم که تمرکز تونل‌سازی رژیم ایران در پارچین است. اما اکنون اطلاعاتی به‌دست آورده‌ایم که بیانگر ابعادی بسیار فراتر از پارچین است. رژیم ایران سربازی از تونلهای به هم‌پیوسته و اماکن زیرزمینی متمرکز را برای نگهداری موشک‌هایی با توان حمل کلاهک هسته‌یی در شرق و جنوب شرقی تهران، شهر ری و منطقهٔ پاکدشت ایجاد کرده است. پارک غزال، اتوبان پارچین، روستای توچال و خاک سفید در این محدوده قرار

جلسهٔ نمایندگان و شخصیت‌های سیاسی استرالیا در محل پارلمان این کشور در حمایت از مقاومت ایران

برای مبارزه با رژیم ضدبشری حاکم بر ایران باید از اپوزیسیون دموکراتیک آن دفاع کنیم

من معتقدم که برای مبارزه با رژیم ضدبشری ایران باید از اپوزیسیون دموکراتیک آن دفاع نماییم و این مسیرست که باید آن‌را تعقیب کنیم. اتحادیهٔ اروپا نیز در حال نزدیک شدن به این مهم است که باید نام سازمان مجاهدین خلق از لیست سازمانهای تروریستی خارج شود. باید این را نیز اضافه کنم که نقض حقوق‌بشر پس از روی کارآمدن رئیس‌جمهور جدید ملایان به‌طور مضاعف افزایش یافته است.

از این رو، راه‌حل نه تهاجم نظامی و نه مماشات با این رژیم است، بلکه تنها راه نجات خارج نمودن نام سازمان مجاهدین از لیست سازمانهای تروریستی است چرا که مجاهدین خواهان یک حکومت دموکراتیک و غیرمذهبی می‌باشند. در پایان جلسه حاضران سؤالاتی درمورد نقض حقوق‌بشر در ایران، دخالت ملایان در امور داخلی عراق و دست‌داشتن در شکنجهٔ زندانیان پروندهٔ سلاح هسته‌یی رژیم مطرح نمودند که توسط سخنرانان پاسخ داده شد.

قادر ذکر است که در این جلسه نمایندگان تعداد زیادی از سازمان‌ها و انجمنهای حقوق بشری و مدافع صلح و شماری از شخصیت‌های استرالیایی شرکت داشتند.

آخرین سخنران این جلسه، خانم دکتر مریدت برکمن، نمایندهٔ پارلمان از حزب کارگر بود. وی ضمن اعلام حمایت خود از مبارزان آزادی ایران گفت: ما باید این موضوع را مکرراً تکرار کنیم که این تنها سازمان مجاهدین خلق ایران بود که موضوع اتمی رژیم ملایان را برای جامعهٔ جهانی افشا نموده است. سازمانی که ایالت متحدهٔ آمریکا آن را در لیست سازمانهای تروریستی قرار داده است و این در شرایطی است که جهان به‌این نتیجه رسیده که رژیم ظرفیت دستیابی به‌سلاح اتمی را دارد. بنابراین جای سؤال دارد که چرا باید این سازمان دموکراتیک هم‌چنان در لیست سازمانهای تروریستی باقی‌بماند؟ من فکر می‌کنم که آمریکا باید از این سازمان دموکراتیک پشتیبانی نماید و فکری‌کنم مردم آمریکا در این زمینه با من هم عقیده می‌باشند. زیرا من دریک گردهمایی که در آمریکا برای خارج‌ساختن نام مجاهدین از لیست سازمانهای تروریستی بود، شرکت کردم و در آن‌جا با این واقعیت مواجه شدم که بسیاری از سیاستمداران آمریکایی در مورد خارج‌ساختن نام مجاهدین از لیست تروریستی بامن هم‌عقیده هستند.



این سازمان مجاهدین خلق بود که برای اولین بار پرده از اهداف پنهانی ملایان برای دستیابی به‌سلاح‌های هسته‌یی برداشت و جهان را از یک خطر و تهدید جدی آگاه و مطلع ساخت

سؤال برانگیزتر برای ما فعالان صلح و دموکراسی و حقوق‌بشر این است، که چرا باید سازمانی که برنامه‌های هسته‌یی رژیم را افشا نموده در لیست سازمانهای تروریستی گنجانده شود؟

چرا باید سازمانی که برنامه‌های هسته‌یی رژیم را افشا نموده، در لیست سازمانهای تروریستی گنجانده شود؟

بین‌البراین به‌سادگی می‌توان گفت که این گزارش به‌گونه‌یی مغرضانه تهیه شده و انتشار یافته است. دکتر اسکات در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت هر سازمان و هر انسانی باید بابت اعمال خود حساب پس بدهد و سازمان دیدبان حقوق بشر هم از این قاعدهٔ عمومی مستثنی نمی‌باشد.

محمد صادقپور، از انجمن دفاع از آزادی و حقوق‌بشر در ایران: راه مقابله با رژیم، حذف برجسب تروریستی از مجاهدین و ارجاع برچهٔ پروندهٔ رژیم به‌شورای امنیت است

محمد صادقپور، یکی از اعضای انجمن دفاع از آزادی و حقوق‌بشر در ایران، بیانیه‌یی را از سوی انجمن فوق قرائت نمود و در سخنان خود به‌نقض مداوم حقوق‌بشر در حکومت ملایان، بحران‌سازیهای منطقه‌یی و جهانی، تلاش برای دستیابی به‌سلاح‌های کشتار جمعی، تهدید کشورهای دیگر به‌ناپودی، صدور تروریسم و بنیادگرایی برای بی‌ثبات‌کردن کشورهای همسایه به‌د نظر هزاران نفر شاهد در این قرارگاه نسبت به این ۱۲ نفر را جویا شود و بفهد که واقعت امر چیست. زمانی‌که دقیقتر گزارش دیدبان را مطالعه کردم متوجه شدم که هریک از این افراد که مورد مصاحبهٔ تلفنی قرار گرفته‌اند در چندین نوبت، مصاحبه با آنها انجام گرفته است که در بعضی موارد دقیقه‌بده بوده و در برخی موارد دیگر بیشتر یا کمتر بوده است.



این سازمان مجاهدین خلق بود که برای اولین بار پرده از اهداف پنهانی ملایان برای دستیابی به‌سلاح‌های هسته‌یی برداشت و جهان را از یک خطر و تهدید جدی آگاه و مطلع ساخت

انستیتوی جرم‌شناسی در کانبرا پایتخت کشور استرالیا بوده‌ام و در چندین جلسهٔ مختلف از نزدیک با اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران دیدار و ملاقات داشتم. گزارش دیدبان حقوق‌بشر دربارهٔ مجاهدین خلق را مشاهده نمودم که در آن با ۱۲نفر از به‌اصطلاح جدانشدگان مجاهدین خلق مصاحبه شده است که گو‌بیان نموده‌اند که توسط این سازمان مورد اذیت و آزار فیزیکی و روحی قرار گرفته‌اند. البته این افراد از طریق تلفن و هرکدام به‌طور میانگین یک ساعت مصاحبه شده بودند. من از این گزارش شوکه شدم و به‌همین دلیل تصمیم گرفتم که نامه‌یی به سازمان دیدبان حقوق بشر بنویسم واز آنها اطلاعات بیشتری در این مورد کسب نمایم. اما متأسفانه تا الان هیچ‌گونه پاسخی از سوی این سازمان دریافت نکرده‌ام. البته زمانی‌که من در پاریس با خانم رجوی ملاقات داشتم ایشان توضیح دادند که سازمان دیدبان حقوق‌بشر، نه با ماماسی گرفته ت‌صحت و سقم این موضوع مشخص شود و نه حتی دعوت حضوری‌ما از قرارگاه اشرف را پذیرفته است، تا از نزدیک پی نفر شاهد در این قرارگاه نسبت به این ۱۲ نفر را جویا شود و بفهد که واقعت امر چیست. زمانی‌که دقیقتر گزارش دیدبان را مطالعه کردم متوجه شدم که هریک از این افراد که مورد مصاحبهٔ تلفنی قرار گرفته‌اند در چندین نوبت، مصاحبه با آنها انجام گرفته است که در بعضی موارد دقیقه‌بده بوده و در برخی موارد دیگر بیشتر یا کمتر بوده است.

ری جکسون، مسئول انجمن سراسری بومیان استرالیا: از هر تلاشی علیه ملاهای ایران از جمله فعالیت‌های مجاهدین پشتیبانی می‌کنم آقای ری جکسون، در سخنرانی خود به پنجاه و دومین محکومیت رژیم به‌خاطر نقض حقوق‌بشر در کمیتهٔ سوم مجمع عمومی ملل متحد اشاره کرد و تأکید نمود که من مخالف هرگونه بنیادگرایی افراطی از نوع مذهبی و سیاسی می‌باشم و یادآور شدم: من از هر نوع تلاشی علیه رژیم آیت‌الله‌ها در ایران پشتیبانی می‌کنم و ازجمله از سازمان مردمی مجاهدین حمایت کرده و خواهم نمود.

دکتر جاسلین اسکات، حقوقدان: گزارش دیدبان مغرضانه است

دکتر جاسلین اسکات، حقوقدان، ناشر نشریات زنان، نویسندهٔ معروف استرالیایی و از حامیان مقاومت و مجاهدین به سخنرانی پرداخت و گفت «من یکی از اعضای ارشد

روز دوشنبه ۳۰ آبان، در یکی از سالنهای پارلمان نیوساوتلز در سیدنی استرالیا، جلسه‌یی با حضور نمایندگان و شخصیت‌های استرالیایی برگزار شد. در این جلسه برخی از مهمترین مسائل مربوط به ایران ازجمله موضوع پروندهٔ هسته‌یی رژیم آخوندی، نقض مداوم حقوق‌بشر درایران، خطر بنیادگرایی و تهدید سایر کشورها به‌ناپودی از سوی رژیم بنیادگرای حاکم بر ایران و هم‌چنین دخالت در امور داخلی عراق و کشف زندانهای مخفی در این کشور که زیر نظارت یکی از افسران اطلاعاتی وابسته به‌رژیم آخوندی می‌باشند، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

سخنرانان جلسه عبارت بودند از آقای پیتز مورفی، یکی از اعضای ارشد اتیلاف صلح و دموکراسی در استرالیا، دکتر مریدت برکمن، نمایندهٔ پارلمان از حزب کارگر و رئیس قوهٔ مجریهٔ مجلس ایالتی نیوساوت ولز (سیدنی-استرالیا)، دکتر نینا بریج، رئیس حزب دموکرات در ایالت نیوساوت‌ولز استرالیا، وی جکسون، مسئول اول انجمن سراسری بومیان استرالیا و یکی از فعالان سرشناس حقوق‌بشر در استرالیا، دکتر جاسلین اسکات، حقوق‌دان، نویسنده و یکی از فعالان باسابقهٔ حقوق‌بشر در استرالیا، آقای محمد صادقپور، از اعضای انجمن دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران-استرالیا.

پیتز مورفی از اتیلاف صلح و دموکراسی: چرا باید سازمانی که برنامه‌های هسته‌یی رژیم را افشا کرده در لیست تروریستی باشد؟

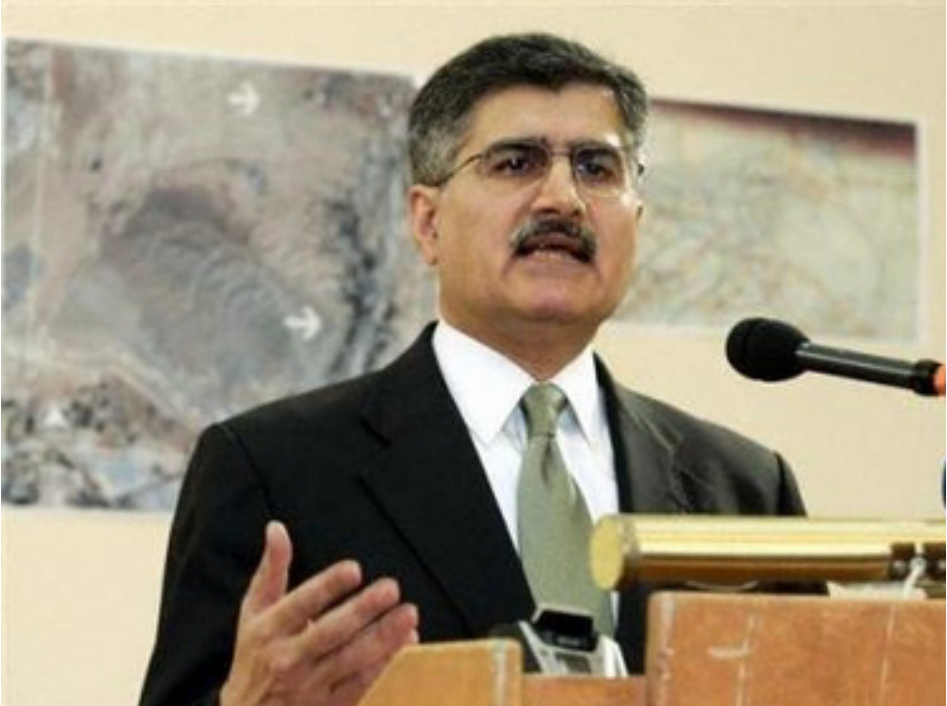
آقای پیتز مورفی پس از اعلام برنامه، سخنرانی خود را درمورد فعالیت‌های هسته‌یی رژیم ایران، آغاز نمود. وی گزارش مبسوطی از روند عملکرد پنهانی برنامه‌های هسته‌یی رژیم و تلاش برای دستیابی به‌سلاح هسته‌یی ارائه نمود.

آقای مورفی گفت این سازمان مجاهدین خلق بود، که برای اولین‌بار پرده از اهداف پنهانی ملایان برای دستیابی به‌سلاح‌های هسته‌یی برداشت و جهان را از یک خطر و تهدید جدی آگاه و مطلع ساخت. وی در ادامهٔ سخنانش، گفت: چرا اکنون با این رژیم برخورد جدی نمی‌شود؟ اما سؤال برانگیزتر برای ما فعالان صلح و دموکراسی و حقوق‌بشر این است که چرا باید س‌ازمانی که برنامه‌های هسته‌یی رژیم را افشا نموده، در لیست سازمانهای تروریستی گنجانده شود؟

در کنفرانس مطبوعاتی مقاومت ایران در وین

طرح‌های فریب رژیم آخوندی برای مخفی کردن فعالیت‌های اتمی افشا شد

علی صفوی: رژیم به‌بازرسان تنها اجازهٔ بازدید از یکی از بخش‌های دوازده‌گانهٔ پارچین را داده است



پس از افشای مرکز ساخت سلاح اتمی رژیم واقع در منطقهٔ شیان لویزان در مارس سال ۲۰۰۳، رژیم عمدهٔ تحقیقات هسته‌یی خود را به‌تونلهای مخفی منتقل کرده است. طبق اطلاعات دریافتی، یکی از این تونلهای مخفی در طرح یک پارچین قرار دارد که به امر تحقیقات لیزری اتمی اختصاص دارد مطابق آخرین اطلاعات برای جلوگیری از نفوذ تشعشعات اتمی به‌سطح زمین، در این تونلها از یک لایه سرب استفاده می‌شود تا مانع به‌نتیجه‌رسیدن نمونه‌برداریهای زیست محیطی شوند

بازدید ژانویه ۲۰۰۵ رژیم فقط اجازهٔ بازرسی از پنج ساختمان این مجتمع را داده است. درحال‌حاضر، رئیس گروه پدافند هوایی که دو صنعت فوق زیرمجموعهٔ آن محسوب می‌شوند، سرپ پاسدار تقی‌زاده است. آقای صفوی، در ادامهٔ کنفرانس مطبوعاتی وین درمورد استفادهٔ رژیم آخوندی از تونلها به‌منظور جلوگیری از خارج‌شدن تشعشعات، گفت: پس از افشای مرکز ساخت سلاح اتمی رژیم واقع در منطقهٔ شیان لویزان در مارس سال ۲۰۰۳، رژیم عمدهٔ تحقیقات هسته‌یی خود را به‌تونلهای مخفی منتقل کرده است. طبق اطلاعات دریافتی، یکی از این تونلهای مخفی در طرح یک پارچین قرار دارد که به امر تحقیقات لیزری اتمی اختصاص دارد. یکی از دانشمندان هسته‌یی رژیم به‌نام محمدامین بصام، این تحقیقات را

مطابق اطلاعاتی که به‌دست مقاومت ایران رسیده است، علاوه بر این اقدام، برای جلوگیری از لورفتن اطلاعات و مشخص‌شدن علائم برای هیأت بازرسان آژانس، از مدتها قبل از ورود بازرسان، به‌کلیهٔ بخشهای پارچین آماده‌باش داده شده و آمدن هیأت مزبور را به‌بخشهای مختلف پارچین اطلاع داده‌اند. آنها هم‌چنین اقدام به‌پاکسازی رد فعالیت‌های مخفی خود نموده بودند. علت این‌که مدت زمان طولانی رژیم مانع بازدید هیأت آژانس شد، تکمیل اقدامات پاکسازی در داخل پارچین بوده است. بنا بر این گزارشها، رژیم فقط اجازهٔ بازرسی از یک مجموعهٔ بسیار محدود از پارچین به‌نام صنعت شادآبادی، از زیرمجموعه‌های طرح ۱۰ مجتمع پارچین را داده است که قسمت بسیار بزرگ پارچین را شامل می‌شود. قسمت بازدید‌شده از یکی از طرح‌های

پارچین، هم به‌لحاظ جغرافیایی و هم تأسیساتی یک مجتمع بسیار گسترده می‌باشد. مجتمع پارچین به ۱۲ بخش تقسیم می‌شود که اصطلاحاً به‌آن دوازده طرح گفته می‌شود. این مرکز دارای دهها مجتمع نظامی و صدها سوله و تأسیسات می‌باشد. علاوه بر این، دارای تونلها و تأسیسات زیرزمینی متعدد است. به‌عنوان مثال فقط گسترده‌گی محل تأسیسات طرح شش آن، ۶۰هکتار می‌باشد. در حال حاضر فردی به‌نام قیطانی فرمانده قرارگاه پارچین می‌باشد. در ادامهٔ کنفرانس مطبوعاتی، آقای صفوی افزود: مطابق اطلاعات به‌دست‌آمده از درون رژیم، درحالی‌که بخش اصلی فعالیت‌های اتمی پارچین در قسمت جنوبی این مجتمع قرار دارد، رژیم ملایان با یک طرح پارچین رژیم عملاً تنها اجازهٔ شمالی این مجتمع برای بازرسی و نمونه‌برداری برده است.

روز چهارشنبه دوم آذر، شورای ملی مقاومت ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی در وین، گوشه‌های جدیدی از برنامهٔ مخفی اتمی رژیم آخوندی را افشا کرد. در این کنفرانس مطبوعاتی آقای علی صفوی ایجاد دیگری از طرح‌های فریب رژیم برای جلوگیری از افشای برنامه‌های اتمی را افشا نمود و گفت: طبق اطلاعات به‌دست‌آمده از داخل ایران، به‌دنبال افشای سال گذشتهٔ شورای ملی مقاومت ایران درمورد فعالیت‌های مشخص در زمینهٔ اتمی در سایت‌های نظامی، ازجمله سایت‌های پارچین و شیان لویزان، رژیم آخوندی تمام تلاش خود را به‌کار برده است تا مانع مشخص‌شدن این فعالیت‌ها برای بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گردد. درمورد سایت پارچین رژیم عملاً تنها اجازهٔ بازرسی محدود از یکی از بخش‌های پارچین را داده است. درحالی‌که

سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

هروقت که شورای ملی مقاومت موضوعی را مطرح می‌کند، ما آن را مطالعه کرده و مورد بررسی قرار می‌دهیم

کنفرانس مطبوعاتی به‌توضیحاتی پیرامون اصرار حکومت آخوندی برای دستیابی به‌سلاح اتمی به‌ویژه پس از روی‌کارآمدن پاسدار احمدی‌نژاد و یک‌دست‌شدن رژیم پرداخت و تأکید کرد: دستیابی تنها رژیم حامی جدی تروریسم بین‌المللی به‌خطرناکترین سلاح، یک فاجعه برای جامعهٔ جهانی و صلح و آرامش در منطقه خواهد بود. مردم ایران مخالف برنامهٔ اتمی رژیم آخوندا هستند. در اوایل نوامبر امسال ۳۵هزارتن از ایرانیان هوادار مقاومت در مقابل مقر اتحادیهٔ اروپا فراخوان به‌ارجاج پرورندهٔ اتمی رژیم به‌شورای امنیت ملل متحد دادند.

سوزش رژیم پس از افشای جدید مقاومت

در آستانهٔ برگزاری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، خبرگزاری‌های حکومتی نگرانی شدید از افشای رژیم را بارتاب کردند. خبرگزاری حکومتی مهر در روز ۲ آذر ساعاتی پس از افشای مقاومت ایران در وین و فاش کردن فریبکاری آخوندها در قبال بازرسان آژانس، سراسیمه تحت عنوان «استیصال گروهک نفاق از بی‌انزادان دروغ‌پردازهای مضحک» چنین واکنش نشان داد: «نافقین مدعی

می‌کرد، هم‌چنین به‌نقل از یک متخصص امور هسته‌یی، گفت: سرب برای حفاظت در مقابل اشعهٔ رادیو آکتیو با شدت بالا مانند اشعهٔ ایکس، استفاده می‌شود که می‌تواند در کار ساخت موشک به‌کار رود. خبرگزاری

خصوص وجود یک تأسیسات مخفی حاوی سانتریفوژهای غنی‌سازی در نظر بود که موجب شروع تحقیقات کنونی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گردید. خبرگزاری فرانسه که این اظهارات را در روز ۲ آذر منبایه

بررسی قرار می‌دهیم و هرکاری را که لازم باشد، انجام می‌دهیم». خبرگزاری فرانسه افزود: شورای ملی مقاومت تاکنون افشاگرهای متعددی علیه برنامهٔ هسته‌یی رژیم ایران مطرح کرده است که شامل افشای سال ۲۰۰۲ در

ملیسا فلمینگ، سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، درمورد افشای مقاومت ایران به‌خبرگزاری فرانسه گفت: «هروقت که شورای ملی مقاومت موضوعی را مطرح می‌کند، ما آن را مطالعه می‌کنیم و آن‌را مورد

برگزاری جلسهٔ حمایت از شهر شرف و پایداری، اشرف در هلند



خواست که در مبارزه با توطئه‌های عوامل اطلاعات آخوندها در این شرایط بیش از پیش کوشا باشند و به‌حمایت مادی و سیاسی از شهر شرف برخیزند. آقای خزایی گفت که اعمال خائنان به‌مقاومت که به‌خدمت وزارت اطلاعات درآمده‌اند، شبیه اعمال خائنان به‌مقاومت ضدفاشیستی در اروپاست.

در قسمت پایانی، تعدادی از شرکت‌کنندگان، ضمن بیان پیروزیهای مقاومت در صحنه‌های مختلف و به‌ویژه در شرایط بسیار حساس و تعیین‌کنندهٔ اخیر به‌توطئه‌های وزارت اطلاعات رژیم آخوندی برای جلوگیری از خروج نام مجاهدین از لیست تروریستی پرداخت. آقای خزایی از همهٔ شرکت‌کنندگان

درخشان رزم‌آوران آزادی در برابر فشارها و توطئه‌های رژیم آخوندی در شهر اشرف را ستودند و آن را عالیت‌ترین تبلور مقاومت عموم

گزارش جلسهٔ همبستگی با مقاومت در استان مرکزی فرانسه

در این جلسه دو کتاب «مجاهدین خلق مقاومت علیه آیت‌الله‌ها»، نوشتهٔ مهدی افشیمیچی و «چشم در چشم هیولا»، نوشتهٔ هنگامه حاج‌حسن معرفی گردید. خانم معصومه جوشقانی که در دوران اسارت در زندانهای خمینی همزمان با هنگامه حاج‌حسن در زندان خمینی به‌سر کرده است، خانم هلن فتح‌پور، مترجم کتاب «چشم در چشم هیولا» و افشین علوی، عضو کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت و مترجم کتاب «مجاهدین خلق مقاومت علیه آیت‌الله‌ها، برای جمع خنجر سخنانی ایراد کردند. ابتدا خانم فتح‌پور درمورد وضعیت زنان تحت حاکمیت ملاها و سرکوب و

به‌انکار انجمنهای مدافع حقوق‌بشر فرانسوی در تاریخ ۲۴ نوامبر، یک شب همبستگی با مقاومت ایران در استان مرکزی فرانسه برگزار شد. در این جلسه ابتدا شرکت‌کنندگان از نمایشگاهی که به‌این مناسبت ترتیب داده شده بود بازدید به‌عمل آوردند. در این برنامه فیلمی دربارهٔ حکم اعدام در ایران تحت حاکمیت ملاها به‌نمایش گذاشته شد که شرکت‌کنندگان در جلسه را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده بود.

سپس فیلمی از گردهمایی بزرگ ایرانیان و شهروندان فرانسوی در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۵ در سرژی به نمایش گذاشته شد.

شرکت هیأت مقاومت ایران در مراسم تجلیل از عرفات در ایتالیا



حیاتش، چه در دوران جنگ و چه در دوران صلح ستود. سخنان اسقف کاپوچی بارها با کف‌زدنهای ممتد حاضران قطع گردید. یکی دیگر از سخنرانان آقای نمر حمد سفیر فلسطین در ایتالیا بود که از طرف دولت فلسطین از شرکت‌کنندگان درمراسم واز شهرداری شهر به‌خاطر این ابتکار تشکر نمود. آقای روسو اسپینا عضو پارلمان ایتالیا نیز از سخنرانان برنامه بود. هم‌چنین نمایندهٔ شهر مارانو در پارلمان ایتالیا نیز سخنانی ایراد کردند. پس از ایراد سخنرانان، شرکت‌کنندگان برای مراسم پرده‌برداری از تابلو نام یاسر عرفات در خیابان جنب شهرداری به این محل رفتند. در این مراسم نیز بار دیگر شهردار مارانو واسقف کاپوچی، سخنانی ایراد کردند. به‌دعوت برگزارکنندگان مراسم هیأتی از سوی مقاومت ایران به‌سرپرستی دکتر سابرز زاهدی، مسئول کمیسیون قضایی شورای ملی مقاومت در این برنامه شرکت هیأت مقاومت ایران در این مراسم

روز شنبه ۱۹ نوامبر، همزمان با سالگرد درگذشت یاسر عرفات رهبر انقلاب و کشور فلسطین، شهرداری مارانو، یکی از شهرهای نزدیک نابل ایتالیا طی مراسمی با حضور شخصیت‌های فلسطینی و ایتالیایی، یکی از خیابانهای این شهر را به‌نام یاسر عرفات نامگذاری نمود. این مراسم ساعت ۱۱ روز شنبه با حضور صداهان از دوستان‌اران عرب و ایتالیایی فلسطین در سالن شهرداری شهر مارانو شروع شد. در این جلسه که به مدت دوساعت ادامه یافت تعدادی از شخصیت‌های فلسطینی و ایتالیایی و نمایندگان پارلمان سخنرانی کردند و نقش بی‌بدیل یاسر عرفات را در احقاق حقوق مردم فلسطین ستودند. ادارهٔ این جلسه را شهردار شهر مارانو به‌عهده داشت. از جملهٔ سخنرانان این مراسم، اسقف کاپوچی شخصیت مشهور مدافع فلسطین بود که طی سخنانی از شخصیت یاسر عرفات تجلیل کرد و نقش وی را در هر دو مرحلهٔ



اسقف کاپوچی، شخصیت معروف مدافع فلسطین در حال سخنرانی در محل مراسم پرده‌برداری از تابلوی خیابانی که به‌نام یاسر عرفات نامگذاری شده است با شخصیت‌های شرکت‌کننده دیدار و گفتگو نمود. مسئول کمیسیون قضایی شورا در دیداری کوتاه واسقف کاپوچی سلامهای خانم رجوی رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران را به وی رساند

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در اجلاس ماه نوامبر ۲۰۰۵ خود، بار دیگر ارسال پروندهٔ اتمی رژیم ایران به‌شورای امنیت را به‌تعییق انداخت. قدرتهای عضو این شورا در سودای جلب همکاری روسیه درمورد توقف کار غنی‌سازی اورانیوم در ایران تحت حکومت پاسدارها، به‌این تعویق رضایت داده‌ان. این مهلت جدید در شرایطی به‌رزم داده می‌شود که شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در قطعنامهٔ مورخ ۲۴سپتامبر۲۰۰۵ خود حکمی صادر کرده مبنی براین که:

۱.حکومت ایران مقررات پیمان منع تولید و گسترش جنگ‌افزارهای اتمی را «نقض» کرده است.
۲.این نقض پیمان باارمیتی دارد و رسیدگی به‌آن در صلاحیت شورای امنیت سازمان ملل متحد است و نه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.
در ورای هر استناد حقوقی علت اصلی و سیاسی صدور این حکم آن است که طرف‌سبای خارجی رژیم ایران پی برده‌اند که تا‌سیاست و تدارکات مخفیانه‌یی که این رژیم برای غنی‌سازی اورانیوم فراهم آورده، برخلاف آن‌چه آنمود می‌کند، نه برای تولید سوخت مورد نیاز نیروگاههای هسته‌یی بلکه برای تولید بمب اتمی است. مجهزشدن خطرناک‌ترین حکومت‌تورروستی جهان بهخطرناک‌ترین ابزار تورروستی یعنی بمب اتمی برای جامعهٔ جهانی قابل تحمل نیست از این روی مادی که علت صدور این حکم برطرف نشود، نه می‌توانند به‌سمت لغو آن بروند نه به‌پیگیری آن‌را مسکوت بگذارند. مهنی که در اجلاس اخیر به‌ادامهٔ اقدامات دیپلوماتیک داده شده، در محتوا گامی است به‌پیش در جهت سفت و سخت‌کردن قطعنامهٔ ۲۴سپتامبر ۲۰۰۵ و رسیدن به‌نوعی اجماع با روسیه برسر گرفتن ابزار و امکانات تولید بمب اتمی، یعنی غنی‌سازی اورانیوم، از دست حکومت پاسداران.

بعد از آن‌که سیاست سازش و امتیازدهی اروپایی‌روی رژیم ولایت‌فقیه مؤثر واقع نشد، اتحادیهٔ اروپا مجبور شد برای رفع خطر دستیابی این رژیم به‌بمب اتمی با آمریکا در یک صف قرار گیرد. اینها برای آن‌که در شورای امنیت مشکلات نظیر تحریم رسیدگی به‌پروندهٔ اتمی کرهٔ شمالی مواجه نشوند در سودای آن هستند که در چارچوب تصمیم‌گیری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پیشاپیش روسیه را نیز با خود همراه کنند. آمریکا و اروپا حمایت از پیشنهاد جدید روسیه را، اعم از این که رژیم به‌آن جواب منفی بدهد و یا جواب مثبت، مرحله‌یی ضروری از پیگیری پروندهٔ اتمی رژیم ولایت‌فقیه می‌کنند و برآندند که اگر رژیم به‌این پیشنهاد جواب منفی بدهد، برای روسیه و سایر کشورهای که با‌ارسال پروندهٔ رژیم به‌شورای امنیت مخالفتند، بهانهٔ چنانی برای مخالفت باقی نمی‌ماند، احتمال اجماع حکام آژانس برسر‌ممانعت از کارغنی‌سازی اورانیوم در ایران و ایران و به‌ادامهٔ به‌شورای امنیت بالا می‌رود. اگر رژیم با پیشنهاد روسیه موافقت نکند، به‌صورت تئوریک، امکان غنی‌سازی اورانیوم در این راه، که مهم‌ترین راه دستیابی او به‌بمب اتمی است، از دست خواهد داد و مسالهٔ به‌ظاهر رسمی و رجوع می‌شود. پیشنهاد روسیه به‌رژیم اینست که در تعلیل‌کردن پایگاهیهایی نظیر پایگاه اتمی در نطنز، دست از غنی‌سازی اتمی، طی مراحل ایران بردارد، اقداماتیی تولید سوخت اتمی را که همانا تولید گاز از کیک زرد اورانیوم در

پایگاه اصفهان باشد، در ایران انجام دهد و گاز تولیدشده در پایگاه اصفهان را به‌روسیه بفرستد تا در آن‌جا به‌اورانیوم غنی‌شده تبدیل گردد و در حد نیاز نیروگاههایی مثل نیروگاه بوشهر، به‌ایران تحویل داده شود.

در طرف مقابل، دستگاه دیپلوماتیک دولت پاسداران در هوای وقت کشی و از سرگذراندن اجلاس ۲۴نوامبر شورای حکام آژانس، تا به‌حال از دادن پاسخ رسمی به‌پیشنهاد روسیه خودداری کرده است. حال آن‌که پاسداران حاکم از نیروهای بسیجی در اطراف پایگاه اتمی نطنز و نیروگاه آب سنگین اراک «حلقهٔ انسانی» درست می‌کنند تا به‌طور سمبلیک به‌مخاطب خارجی خود بفهمانند که ما از غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و تولید پلوتونیوم در اراک دست‌بردار نیستیم! پیش از این نیز پاسدار احمدیی‌نژاد این واقعت را از تریبون سازمان ملل به‌گوش مخاطبهای خارجی خود رساند و تأکید کرد به‌شرط غنی‌سازی اورانیوم در ایران حاضر است در این کار با خارجیها مشارکت داشته باشد. عرضی اندام اخیر مجلس رژیم در مقابل طرف خارجی نیز همین

سازمان ملل، خواه و ناخواه برای جامعهٔ جهانی امری اجتناب‌ناپذیر شده است. زیرا:

۱- بازرسهایی فنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و تذکرات حقوقی شورای حکام این آژانس که طی دو سال ونیم گذشته به‌موازات فعالیتهای دیپلوماتیک و پیگیری سیاستهای تشوقیی و دادن امتیاز به‌رژیم ادامه یافته، مؤثر واقع نشده است. خطر مجهزشدن رژیم به‌سلاح اتمی نزدیک و نزدیکتری می‌شود و به‌مسألهٔ امنیتی جهان تبدیل شده است. اعضای شورای امنیت سازمان ملل با حکومتی رهاواری هستند که جز همه جانبه و مادی این شورا روی حکومت پاسداران، حتی اگر به خودی خود مؤثر واقع نشود، زورگویی و ماجراجوییهای آنها را بی‌پشتوانه می‌کند و راه را برای حل وفضل نهایی و حذف صورت‌مسأله توسط مردم ایران و مقاومت سازمانیافتهٔ آنان هموار نمی‌نماید. دفعهٔ شز رژیم ولایت‌فقیه پیش و بیش از آن‌که مسألهٔ خارجیها باشد، مسألهٔ جامعهٔ ایران است. این جامعهٔ هشیار و مقاوم در انتظار فرصتی است که

خطر مجهزشدن رژیم به‌سلاح اتمی نزدیک و نزدیکتر می‌شود و به‌مسألهٔ امنیتی جهان تبدیل شده است. اعضای شورای امنیت سازمان ملل با حکومتی رویاروی هستند که جز با زبان زور نمی‌توان آن را به‌عقب راند. فشار همه جانبه و مادی این شورا روی حکومت پاسداران، حتی اگر به خودی خود مؤثر واقع نشود، زورگویی و ماجراجوییهای آنها را بی‌پشتوانه می‌کند و راه را برای حل وفضل نهایی و حذف صورت‌مسأله توسط مردم ایران و مقاومت سازمانیافتهٔ آنان هموار می‌نماید. دفعهٔ شز رژیم ولایت‌فقیه پیش و بیش از آن‌که مسألهٔ خارجیها باشد، مسألهٔ جامعهٔ ایران است. این جامعهٔ هشیار و مقاوم در انتظار فرصتی است که در شرایط مساعد به‌حل وفضل نهایی این مساله بپردازد

معنا را دارد. در حالی که شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در بیانیهٔ ریاست ژاپنی اجلاس ماه نوامبر خود تکرار کرده که دولت ایران باید الحاقیهٔ پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌یی را به‌تصویب مجلس برساند، مجلس رژیم طبق مصوبه‌یی در آستانهٔ تشکیل اجلاس ۲۴نوامبر آژانس، دولت را موظف کرده که اگر شورای حکام آژانس این پرونده را به‌شورای امنیت بفرستد «همکاری داوطلبانهٔ دولت ایران درمورد اجرای پروتکل الحاقی پیمان منع تکثیر و جلوگیری از بازرسیهای سرزده و غیرمعمول بازرسان آژانس، متوقف شود»

با این اوصاف ملاحظه می‌شود که به‌تجگرگی و خواست اصلی دو طرف دعوا در پروندهٔ اتمی رژیم ولایت‌فقیه، متضاد با یکدیگر است. طرف خارجی برای رفع نگرانی امنیتی‌اش راهی جز توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط این رژیم پیش پای خود نمی‌بیند و پاسداران رژیم ضدتاریخی ولایت‌فقیه به‌این نتیجه رسیده‌اند، که ادامهٔ موجودیت این رژیم جز از طریق ادامهٔ کارغنی‌سازی اورانیوم در ایران تا دستیابی به‌بمب اتمی، مسألهٔ به‌ظاهر نا‌جان‌که به‌تجگرگی در طرف دعوا برمی‌گردد در شرایط فکری راهی برای سازش از مسیر دیپلوماسی و مذاکره متصور نیست. به‌طور منطقی، طی مراحل دیگر این دعوا و ازجمله ارسال پروندهٔ اتمی حکومت پاسداران از آژانس به‌شورای امنیت

سمت وسوی واقعی «سیاستهای کلی نظام»؟

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

از ارسال پروندهٔ اتمی رژیم به «شورای امنیت» گریزی نیست!

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

تعداد بازدیدداشت‌شان در نتیجهٔ دستگیریهایی جمعی ابراز نگرانی کرده است و عراق، هم‌اکنون با فشار بین‌المللی برای برخورد با آنها روبه‌رو می‌باشد. احمد حامد به ما گفت قبل از این که به‌این زندان بایاد با کابل او را شلاق زدند. وی بلوز خود را بالا زد و آثار شلاق روی بدن خود را نشان داد. وی گفت بعد از شلاق روی زخمهای او نمک ریختند. در پاسخ به‌این سؤال که چند نفر دیگر از بازدیدشدگان شکنجه شده‌اند همهٔ زندانیان در اتاق دست خود را بالا بردند.

نیویورک‌تایمز: اتهامات شکنجه‌شکاف بین آمریکا و وزیر کشور کنونی عراق را عمیقتر می‌کند
روزنامهٔ نیویورک‌تایمز روز ۲۷آبان۸۴ نوشت: وقتی که یکی از قدرتمندترین وزرای عراق از ارزش گزارشهایی مبنی بر این که افسران پلیس عراق زندانیان را شکنجه کردند کم نمود، سفارت آمریکا در عراق بی‌پرده هشدار داد که چنین رفتاری تحمل نخواهد شد. شکاف بین مقامات آمریکایی و این وزیر، وسیعتر گردید. در مجموع، این وزیر، به‌جای آنکه به‌عنوان یک نمایندهٔ دولت بوش بر بی‌برداره‌ها نشان می‌دهند که به‌رغم اصرار دولت بوش بر این که عراقیان کنترل کامل بر امور کشورشان دارند، آمریکا هنوز نفوذ وسیعی در دولت عراق اعمال می‌کند... در این شکنجه‌گاهها عملا تمامی زندانیان سنیهای عرب بودند و این امر فضا بر گروههای سنی را برانگیخته است و می‌گویند که این کشتف ظن طولانی مدت آنها را تأیید می‌کند که دولت عشیه، سنیها را روبروه و شکنجه کرده با کشته است. چندین مقام عراقی گفته‌اند که اعضای سازمان بدر، ملیشیا یا انقلاب اسلامی عراق که در ایران آموزش دیده است، این زندان مخفی عمل می‌کردند. روز پنجشنبه بیان جبر (وزیر کشور محافظه‌کار شیعه عراق) هر گونهٔ دست‌داشتن ایران با ملیشیاها را رد کرد.

گفتار رسمی رادیو آم‌ریکا: با توجه به‌حمایت رژیم ایران از بمبگذاریهایی انتحاری به‌دشواری می‌توان بمبگذارکردن تروریسم توسط این رژیم را جدی گرفت

رادیو آمریکاطی یک گفتار رسمی در روز ۲۳آذر۸۴، به‌موضوع دولت این کشور را منعکس می‌کند، با اشاره به‌بمبگذاریهایی چنانیکارانه در مساجد شیعیان در عراق، تلویحاً آن را به‌عوامل رژیم در عراق نسبت داد. در قسمتی از این گفتار آمده است: در بمبگذاریهایی انتحاری در مساجد متعلق به‌شیعیان در شمال شرقی عراق، نزدیک به هفتر جان سپردند و بیش از ۱۰۰ زن زخمی شدند. حمیدرضا امیرکا، سخنگوی وزارت خارجهٔ ایران، گفت: کشتار مردم بی‌دفاع در مکانهای مقدس مابهت غیرانسانی تروریستها را نشان می‌دهد. با توجه به‌حمایت رژیم دینی ایران از بمبگذاریهایی انتحاری علیه دیگران، به‌دشواری می‌توان چنین سخنی را در محکم‌کردن تروریسم جدی گرفت. در قسمت دیگری از این گفتار آمده است: احمدیی‌نژاد، بمبگذاری انتحاری را به‌عنون یکی از ترور ستود و گفت چیزی زبانت، خدایت‌تر و جاودانی‌تر از آن وجود ندارد. افزون بر این دولت او از استخدام بمبگذاران انتحاری پشتیبانی کرده است. سازمانی که خود را ستاد بزرگداشت شهدای حرکت جهانی اسلام می‌نامد، مدعی است که از ماه مه ۲۰۰۴ از هزاران داوطلب برای شرکت در حملات انتحاری در اسرائیل و عراق ثبت نام کرده است. پرزیدنت بوش می‌گوید بمبگذاری انتحاری به‌نام مذهب جز ترور چیز دیگری نیست و همانند دیگر اقدامات تروریستی نمی‌توان آن را عملی فخرمانه دانست. گفت: روشن است که کشتن بچه‌ها و سالمندان با‌موتیهایی حامل بمب، زدالت و سفلیگی است. بریدن گلوئی یک آسیر درین‌دزدالت است و هدف گرفتن نمازگزارانی که از مسجد بیرون می‌آیند نیز چنین است. نظر حکام ایران در مورد بمبگذاریهایی انتحاری روز به‌روز از آن‌چه که در خاورمیانه روبه‌تغییر می‌گذارد بیشتر فاصله می‌گیرد.

سخنگوی هیأت علمای مسلمین موارد وحشتناک شکنجه در زندانهای عراق را افشا کرد

- تعدادی در اثر شکنجه کشته شده‌اند، غذا و دارو نیست به‌خصوص برای بیماران مزمن مانند قلب وغیره و در بعضی ۱۲ نفر کشته شده‌اند. کسانی هستند که نصف بدنشان معلول شده است، بیش از ده نفر دست راست و پای چپشان قطع شده است. دست نزدیک به‌هشش نفر را قطع کرده‌اند**
- از وسایل شکنجه‌گری صحبت شده است، که بشیر دست با‌نمی‌زنند و حتی به‌فکر انسان نمی‌رسد**

شیخ عبدالسلام الکیسی، سخنگوی هیأت علمی مسلمین عراق، طی یک کنفرانس مطبوعاتی، به‌نقل از نامه‌یی که ۱۵زندانی آن را امضا کرده‌اند، گزارشی از وضعیت زندانیان را در مفر معروف به‌تپ گرگ که عوامل رژیم آخوندی دست‌اندر کار آن بودند، افشا کرد. وی گفت: اطلاعات داریم که تعدادی در اثر شکنجه کشته شده‌اند، غذا و دارو فقط به‌خصوص برای بیماران مزمن مانند قلب و غیره و تا به‌حال ۱۲نفر کشته شده‌اند. کسانی هستند که نصف بدنشان معلول شده است، بیش از ده نفر دست راست و پای چپشان قطع شده است. دست نزدیک به‌هشش نفر را قطع کرده‌اند. سخنگوی هیأت علمی مسلمین عراق درمورد محل زندانی که این جنایات در آن روی داده است، افزود: این محل در نزدیکی بیمارستان کویتی، در بغداد است. تعداد بازدیدداشت‌شان نزدیک به ۷۵۰نفر می‌باشند بازدیدداشت‌شان در ۴سالن تقسیم شده‌اند در هرسال نزدیک به ۱۶۰ نفر می‌باشند و بقیه در این سرما در بنگان هستند، بین ۱۱۵ تا ۱۷۵نفر در بنگان گذرانده هستند. در بین این افراد، دکتر و مهندسان، استاد دانشگاه، مدیران مدارس و معلمان و مدیران کل و پیرمردانی وجود دارند. الکیسی گفت: در این بازدیدگاه لیستی به‌رغد دستگیرشده می‌دهند که فرد باید به‌آن اعتراف کند، مثلاً در این لیست آمده است که فلان محل را منفرج کردی و فلان شخص را کشته‌یی و فلان شاعر را روغن‌تبی و در هیچ راهی جز اعتراف به‌آنها ندارم. می‌گویند که این زندانیان ۳۰ تا ۴۵نفر در زیر شکنجه اعتراف کرده‌اند، اما وقتی که نزد قاضی رفتند گفته‌اند که اعترافات ما در زیر شکنجه بوده است. که قاضی آنها را باز می‌گرداند، وقتی به‌بازداشتگاه بر می‌گردند، تا سرحد می‌کشند آنها را می‌زدند. وی افزود: در این نامه از وسایل شکنجه‌یی صحبت شده است، که بشر دست به‌آن نمی‌زدند و حتی به‌قدر انسان نمی‌رسد. سخنگوی هیأت علمی مسلمین عراق به‌آمدهٔ افشاگریهایی خود، گفت: در یک جنایت بزرگ در روستای ساعده در خان بنی‌بعد، افرادی که لباس گازرد ملی پوشیده بودند، به‌مسجد جامع جعفر ابن‌طالب حمله کرده و هنگامی که شیخ را ندیدند، یک پسر ۱۳ساله را که به‌همراه پدرش به‌مسجد آمده بود دستگیر می‌کنند که آنها را به‌خانهٔ شیخ بیرد. دو ساعت بعد شیخ در نزدیکی مسجد پیدا می‌شود... در شیخ خلیل ابراهیم شاهین، عضو هیأت علمی مسلمین را در زندان جادریه ر از آغاز می‌کرد، به مقام ارشد عراقی به‌نیزویک گفتند که مهندس اکنون در ایران می‌باشند.

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

شعار سازمان مجاهدین خلق ایران

مجاهدین

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

سه شنبه ۲۲توامبر دادگاه شهرستان در شهر کلن، ادعاهای مجموع ۲۴مزدور وزارت اطلاعات به نامهای فرهاد جوهری‌بار و مجید مشعوف از گردانندگان شعبهٔ وزارت اطلاعات در کلن موسوم به انجمن روشنا مبنی بر اعمال خشونت از سوی مجاهدین را رد کرد و پرونده‌هایی که به تلاش ابادی رژیم علیه آقای احسان رجایی پناهنده وابسته به مقاومت ایران، باز شده بود را برای همیشه مختومه اعلام نمود. بدین ترتیب تصمیم دادگاه کلن تلاشهای موزیانه و طراحیهای آخوند یونسو و آخوند آژای و ابادیشان، برای «خشونت گرا» جلوه‌دادن مجاهدین خلق را افشا کرده و با یک ناکامی جدی مواجه ساخت.

در ۲۸سپتامبر سال۲۰۰۴ مزدوران فرهاد جوهری‌بار و مجید مشعوف که به جاسوسی و تعقیب و کسب اطلاعات از هواداران مقاومت در شهر کلن اشغال دارند، طی یک صحنه‌سازی مدعی شدند که آقای رجایی به جوهری‌بار «حمله ور» شده و قصد «آدم‌ربایی» داشته است. آنها با اظهارات و سندسازیهای دروغ طی یک سال گذشته سعی در پرونده‌سازی و به کرسی نشاندن

«ده داری» در حسرت گندم‌ری

شاهدگرانقدر تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خونم خواهم بود. اما افسوس که مزدور حمید دهدارحسنی در ۳۰آذر ۸۰ به دلیل بریدگی و نکشیدن در مبارزه از خروجی فضولات سازمان در اول دی ۸۰ خارج شد. در آن زمان فرماندهان مسئولانه به وی توصیه کردند که از این پس دنبال زندگی‌اش باشد و حساب خودش را با ارتجاع آخوندی و قاتلان حرث و نسل مردم و مقاومت ایران جدا کند و به راه و رسم و آرمان‌شدهای والاامام‌مجاهدین خیانت نکند، اما مهربان که پشت‌کردن به مبارزه برحق مردم مزدور ووزارت اطلاعات شوند و علیه خلق قهرمان ایران و مهن اسیرشان از هیچ ردالتی فروگذار نکند!

چون روح و ریح ولایت‌فقیه در این شرایط ازیمان درتفه و عنقریب است که قالب تهی کند. چون خشم خروشان مردم ایران جوانان وگزارگان به دست پرتوان ارتش آزادی بر سر آنان فرود خواهدآمد و تومار حکومت منحوس آخوندی را درهم خواهد پیچید و با همیشه از میان برخواهد کند. یاد شهید مجاهدخلق مسعود دهدارحسنی گرامی باد. ای کاش می بود و می گفت که این بریدهٔسابق و مزدورفعلی وزرات اطلاعات چگونه باسوءاستفاده از نام و جایگاهو به‌عنوان برادرش برای پوشاندن بریدگی و نکشیدن در مبارزه آستانیسوز ارتجاع شده‌است. من به‌عنوان یک شاهد آن دوران یاد گرامی بدمه وقتی پیکر به‌خون خفتهٔ این شهید را در آژای هر تیر ۳۰هزارتومان، پدر و مادرش تحویل گرفتند چه کشیدند و در آن صحنه چه کسانی پیمان بستند و پای پیمان ایستادند و چه کسانی پیمان شکستند و تفاله شدند. لحظاتی را به یاد دارم که چطور پاسدار قاتل و جنایتکار، مادر شهید را هل می داد و می گفت این کفارهٔ گناهانتان است. آری من هیچ‌وقت این جملات یادم نرفته و پای تعهد مجاهدیم ایستادم و هم‌چنان مدافع آرمان آن

بعدا از پیروزی ایرانیان آزاده در بروکسل برای حذف نام‌مجاهدین ازلیست تروریستی وارجاع پروندهٔ رژیم به شورای امنیت، برادع آخوندی، به‌خود گفتیم که آخوندها در عراق و اقدامات ننگین و رسوایشان برای مقابله با رژیم‌وران آزادی در شهر اشرف توسط مسئولین مقاومت و مجاهدین، و بعد از افشاکری کارهای کثیف آخوندی در این سالیان در زدن مارک و به مجاهدین به تازگی متوجه شدم عناصرخودروختهٔ وزارت اطلاعات و آدمکشی در قبال افشای مداخلاتشان در عراق در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۰میلادی) شروع به سوز و گلاز کرده و چندین فقره یاهوهای صیدار نشخوار شده را تحویل سایتهای پلید خودشداده‌است.

البته ناکفته پیداست که این‌باریدجوری به ملاج آخوندها خورده و من که چنین مطلبی را خواندم، به‌خود گفتم که آخوندها در دجالیلت و درونگویی دست گوگیر را هم از پشت بسته‌اند که می گفت دروغ را با دهنش آنقدر بزرگ گفت که شونده به فاندش خطور نکند (نقل به مضمون) البته این جمله سرلوحهٔ تمام موضوعیکه‌یهای سیاسی نظام پلید آخوندی است ولی آن‌چه که جدید است، این که خدا را شکرکردم که خوب شد من زنده هستم وحرف می‌زنم وگرنه این مزدوران حتماً داستانهایی دیگری درست می کردند که چند فیلم سینمایی موردپسند آژای و پورمحمدی و فلاحیان و یونسو و… از آن می‌شد درست کرد.

داستان عملیات موراید که عملیات

هرگونه حق طرح مجدد ادعای دروغین او در آینده را سلب کرد. این نتیجه هم‌چنین این امکان را برای آقای رجایی باز می‌گذارد تا در یک پرسهٔ مدنی به دلیل افترا و ادعای دروغ، خواستار جریان خسارت‌های وارده‌شود.

دلایل زیادی در پرونده حاکی از این می‌باشند…

۲۸سپتامبر۲۰۰۴سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات در اینترنت پیش از صحنه‌سازی ۲۸سپتامبر۲۰۰۴، دو اطلاعیه با تاریخ ۲۴ و ۲۷سپتامبر۲۰۰۴ منتشر ساخته و پیشاپیش نشاندهن خشونت توسط مجاهدین به خاک اروا علیه مخالفینشان، را اعلام کرده‌بودند. جوهری‌بار خود از امضاکندگان آن پیشگویی بود.

جوهری‌بار هم‌چنین به دروغ شهادت

داده‌بود که در جریان این درگیری در ۲۸سپتامبر از آقای رجایی کتک خورده است. شهادت شاهدان ایرانی و پلیس دقیقاً عکس این مسأله را اثبات کرد. هم‌چنین گواهی پزشکی و یک پیراهن خونین احسان رجایی ثابت می‌کرد که او توسط جوهری‌بار

ضرب‌پوش شده‌است. درست روز بعد از صحنه‌سازی ۲۸سپتامبر۲۰۰۴ سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات گزارش‌های یکدستی منتشر ساختند که در آنها عکسی از احسان رجایی متعلق به ۲۰سال پیش را درج کرده‌بودند. این عکس در جریان یکی از خانه‌گردیهای پاسداران و وزارت اطلاعات در تهران به‌دست گشتاپوی آخوندی افتاده‌بود. دسترسی باند روشنا و سایر انجمنهای پوششی به آرشيو وزارت اطلاعات آن‌هم ظرف کمتر از ۲۴ساعت برای ناظران

مضروب شده‌است. درصورتی‌که درحالی‌که همه می‌دانند و مدارک ارائه‌شده به دادگاه نیز به‌وضوح نشان می‌داد که آقای ششتری، از قبل از وقوع جنگ عراق (مارس۲۰۰۳) پیوس‌ته در قرارگاه‌اشرف در عراق بوده‌است. علاوه بر اینها انبوه تناقض گویبها در اظهارات جوهری‌بار و مشعوف نشان می‌داد که همه چیز از قبل طراحی شده بود تا با به بازی گرفتن قوهٔ قضائیهٔ آلمان، یک حکم دادگاه در اثبات ادعای وزارت اطلاعات به‌دست بیاورند و با برچسب «خشونت‌گرایی»

پرونده آشکار می‌ساخت که سردمداران این صحنه‌سازی در آن وزارتخانه بدنام قرار دادند.

جوهری‌بار، مزدور ابله اطلاعات به دروغ مدعی شده‌بود که احسان رجایی روز ۲۸سپتامبر توسط آقای محسن نادیششتری

ضرب‌پوش شده‌است. درحالی‌که همه می‌دانند و مدارک ارائه‌شده به دادگاه نیز به‌وضوح نشان می‌داد که آقای ششتری، از قبل از وقوع جنگ عراق (مارس۲۰۰۳) پیوس‌ته در قرارگاه‌اشرف در عراق بوده‌است. علاوه بر اینها انبوه تناقض گویبها در اظهارات جوهری‌بار و مشعوف نشان می‌داد که همه چیز از قبل طراحی شده بود تا با به بازی گرفتن قوهٔ قضائیهٔ آلمان، یک حکم دادگاه در اثبات ادعای وزارت اطلاعات به‌دست بیاورند و با برچسب «خشونت‌گرایی»

مضروب شده‌است. درست روز بعد از صحنه‌سازی ۲۸سپتامبر۲۰۰۴ سایتهای زنجیره‌یی وزارت اطلاعات گزارش‌های یکدستی منتشر ساختند که در آنها عکسی از احسان رجایی متعلق به ۲۰سال پیش را درج کرده‌بودند. این عکس در جریان یکی از خانه‌گردیهای پاسداران و وزارت اطلاعات در تهران به‌دست گشتاپوی آخوندی افتاده‌بود. دسترسی باند روشنا و سایر انجمنهای پوششی به آرشيو وزارت اطلاعات آن‌هم ظرف کمتر از ۲۴ساعت برای ناظران

حمیدرضا محمدزاده

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

سیاسی

اطلاعیة دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت

دادگاه آلمان دعاوی مزدوران اطلاعات آخوندی علیه مجاهدین را رد کرد

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

مجاهدین در جریان نبرد خرمشهر، ۱۳۶۰

اختیایوس وزارت اطلاعات و زارت جاسوسی و آدهمکشی آخوندها

در حکومت فاشیست مذهبی، باندهای تبهکار،آدمکش، جاسوسی و تروریستی، همه در یک تشکیلات حکومتی تحت نام «وزارت اطلاعات و امنیت کشور» فعال و متمرکز هستند

در مورد این ارگان که بودجهٔ کلان و قدرت بی‌حد و حسابش، آن را به یکی از ارکان اصلی حکومت ملایان تبدیل کرده‌است بسیار گفته شده، اما نگاندهنده‌ترین شهادتها و گزارش‌ها بارها از سوی کسانی بوده که خود سالیان در درون این ارگان آدمکشی کار کرده و یا با آن همکاری کرده‌اند.

این ارگان در پشت بسیاری از وقایع قرار دارد و نه‌تنها نبض سیاسی واجتماعی مملکت را در چنگال خوین خود دارد، بلکه نبض اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، اداری و… تا زوایای پنهان زندگی خصوصی کلیهٔ آحاد جامعه را با ایجاد مکانسپها و ساز و کارهای رسمی و قانونی تحت کنترل و سرکوبی خود گرفته‌است.

به عنوان نمونه، هفتهٔ گذشته در مورد تشکیل «کمیتهٔ حجاب و عفاف» خبری در رسانه‌ها آمده بود. برطبق این خبر ایجاد کمیتهٔ حجاب و عفاف در ارگانها و سازمانهای دولتی فعال می‌شود. یکی از تشکیل دهنندگان اصلی این کمیته وزارت اطلاعات می‌باشد.

به این ترتیب بعداز بحث ایجاد حراست در تمام ارگانهای کشوری، کمیته‌یی به‌نام عفاف و حجاب، ایجاد می‌شود که با هدف گسترش سرکوب و کنترل هر چه بیشتر می‌باشد. در ایران آخوندها، بانکها و ارگانهای اقتصادی نیز از جنبهٔ مافیای اطلاعات در امان نمانده‌ است. به گونه‌یی که به‌تازگی شش تن از مدیران بانکها که چهار نفر از آنها مدیران بانکهای اصلی کشور بودند، بر کنار و نفرت دیگر جایگزین آنها شدند. علاوه برآن، تعدادی از مدیران معاونت اقتصاد نیز تغییر کرد. اگرچه بانک غالب، از دست داشتن تعدادی از بانکهای بزرگ در مفاسد اقتصادی خبر داده است اما عوامل بانده مخالف علت این تغییرات را امنیتی ندان کرده و گفته‌اند که می‌خواهند به این بانده نفرت اطلاعاتی را در ارگانهای اقتصادی بکارند.

هم چنین پس از روی کارآمدن پاسدار ترویس‌ت احمدی‌نژاد، به منظور یکپایه کردن هرم قدرت، تعدادی از استانداران رژیم از میان

اختیایوس وزارت اطلاعات و زارت جاسوسی و آدهمکشی آخوندها

پاسداران و مهره‌های اطلاعاتی منصوب شدند. این امر باعث اعتراض بانده مخالف شد. به همین دلیل طی هفتهٔ گذشته آخوند علی فلاحیان وزیر اطلاعات پیشین رژیم، خواستار گماشتن مهره‌های امنیتی به عنوان استاندار شد. وی که عزل و نصیهای اخیر توسط آخوندپورمحمدی وزیر کنونی کشور و قائم مقام سابق وزارت

استادان و مهره‌های اطلاعاتی منصوب شدند. این امر باعث اعتراض بانده مخالف شد. به همین دلیل طی هفتهٔ گذشته آخوند علی فلاحیان وزیر اطلاعات پیشین رژیم، خواستار گماشتن مهره‌های امنیتی به عنوان استاندار شد. وی که عزل و نصیهای اخیر توسط آخوندپورمحمدی وزیر کنونی کشور و قائم مقام سابق وزارت

استادان و مهره‌های اطلاعاتی منصوب شدند. این امر باعث اعتراض بانده مخالف شد. به همین دلیل طی هفتهٔ گذشته آخوند علی فلاحیان وزیر اطلاعات پیشین رژیم، خواستار گماشتن مهره‌های امنیتی به عنوان استاندار شد. وی که عزل و نصیهای اخیر توسط آخوندپورمحمدی وزیر کنونی کشور و قائم مقام سابق وزارت

از سوی دیگر به دنبال بالاگرفتن بحران هسته‌یی رژیم، وزارت اطلاعات آخوندها رسانه‌های حکومتی را نسبت به نحوهٔ انعکاس خبرهای مربوط به آن توجیه کرد. محسنی اژای، وزیر گروشنوار اطلاعات آخوندها، گردانندگان مطبوعاتی حکومتی را به شکل جمعی توجیه کرد. سایت حکومتی آفتاب به‌طور کامل رعایت نمی‌کردند، تذکر داد.

هم چنین اعلام شد که ترکیبی از وزارتخانه‌های اطلاعات، ارشاد و ارتباطات، وظیفهٔ فیلتر کردن سایتها را برعهده‌دارند. در گریه‌های جاثی، گفته شده‌است که کمیتهٔ فیلترینگ سایتها، مسئولیت فیلتر کردن سایتهای غیراخلاقی را برعهدهٔ شرکتها و ارگانها محسوب کرده و این سایتهای سیاسی را این کمیته، فیلتر می‌کند و مسأله‌اش فقط سایتهای سیاسی می‌باشد.

راثة لایحهٔ ایجاد حراست (ارگان وزارت اطلاعات در نهادهای دولتی) به مجلس که با مخالفت نمایندگان مجلس رژیم رویه رو شد

و ظاهراً متروک مانده‌است، عملاً در حال اجرا است. ذیلار برخی از فاکتها آورده می‌شود:
-معاون پشتیبانی سازمان نظارت پرستاری از نصب دوربینهای مدار بسته در ایستگاههای پرستاری برخی بیمارستانهای تهران خبر داد.
عزل و نصیهای اخیر توسط آخوندپورمحمدی رئیس و مدیر بیمارستان می‌باشد.

از سوی دیگر به دنبال بالاگرفتن بحران هسته‌یی رژیم، وزارت اطلاعات آخوندها رسانه‌های حکومتی را نسبت به نحوهٔ انعکاس خبرهای مربوط به آن توجیه کرد. محسنی اژای، وزیر گروشنوار اطلاعات آخوندها، گردانندگان مطبوعاتی حکومتی را به شکل جمعی توجیه کرد. سایت حکومتی آفتاب به‌طور کامل رعایت نمی‌کردند، تذکر داد.

هم چنین اعلام شد که ترکیبی از وزارتخانه‌های اطلاعات، ارشاد و ارتباطات، وظیفهٔ فیلتر کردن سایتها را برعهده‌دارند. در گریه‌های جاثی، گفته شده‌است که کمیتهٔ فیلترینگ سایتها، مسئولیت فیلتر کردن سایتهای غیراخلاقی را برعهدهٔ شرکتها و ارگانها محسوب کرده و این سایتهای سیاسی را این کمیته، فیلتر می‌کند و مسأله‌اش فقط سایتهای سیاسی می‌باشد.

راثة لایحهٔ ایجاد حراست (ارگان وزارت اطلاعات در نهادهای دولتی) به مجلس که با مخالفت نمایندگان مجلس رژیم رویه رو شد

از سوی دیگر به دنبال بالاگرفتن بحران هسته‌یی رژیم، وزارت اطلاعات آخوندها رسانه‌های حکومتی را نسبت به نحوهٔ انعکاس خبرهای مربوط به آن توجیه کرد. محسنی اژای، وزیر گروشنوار اطلاعات آخوندها، گردانندگان مطبوعاتی حکومتی را به شکل جمعی توجیه کرد. سایت حکومتی آفتاب به‌طور کامل رعایت نمی‌کردند، تذکر داد.

هم چنین اعلام شد که ترکیبی از وزارتخانه‌های اطلاعات، ارشاد و ارتباطات، وظیفهٔ فیلتر کردن سایتها را برعهده‌دارند. در گریه‌های جاثی، گفته شده‌است که کمیتهٔ فیلترینگ سایتها، مسئولیت فیلتر کردن سایتهای غیراخلاقی را برعهدهٔ شرکتها و ارگانها محسوب کرده و این سایتهای سیاسی را این کمیته، فیلتر می‌کند و مسأله‌اش فقط سایتهای سیاسی می‌باشد.

راثة لایحهٔ ایجاد حراست (ارگان وزارت اطلاعات در نهادهای دولتی) به مجلس که با مخالفت نمایندگان مجلس رژیم رویه رو شد

سیاسی

رواثة آلمان و فرانسه و هلند می‌کند و سپس برای مصرف علیه مقاومت ایران و به‌ویژه برای ردیابیهای تروریستی، به خدمت می‌گمارد. روشن است که وزارت اطلاعات در داخل کشور نیز از هیچ توطئه و ردآلتی علیه مجاهدین فروگذار نمی‌کند. یادآوری می‌شود که در جریان جنگ باندهای رژیم، گنجی اقرار

کرده‌بود که وزارت اطلاعات نه‌تنها سه روحانی مسیحی به نامهای اسقف هائیک هوسپان مهر، کشیش تاتائوس میخائیلیان و کشیش مهدی دبیاج را به‌منظور بدنام کردن مجاهدین به قتل رسانده بلکه حرم امام‌رضا را نیز به همین منظور برب گذاری کرده بود.

در اجرای همین سیاست، یکی از جدترین پروژه‌هایی که بر عهدهٔ وزارت اطلاعات گذاشته شد تا با گماشتن مزدوران اعزامی به خارج کشور علیه مجاهدین اجرا کند؛ برگرداندن برگ حقوق‌بشر بود. به این ترتیب وظیفهٔ مزدوران فرار داده شده به خارج کشور این بود که دربارهٔ «زندان، شکنجه و اعدام‌ و شکنجه‌شدگان گمشده یا بازداشت‌شده» در هتفه‌های گذشته با روزنامه‌نگاران انجام داده‌اند.

- قیلا حراست فقط وظیفهٔ کنترل کادر دانشگاه‌ها را برعهده داشت. در حال حاضر مقرر شده که کمیتهٔ انضباطی دانشگاه‌ها که خارج از دانشگاه مستقر بود و وظیفهٔ انتظامات را داشت، زیر نظر حراست دانشگاه قرار بگیرد و جزئی از دانشگاه می‌شود.

اما مهمترین مسئولیت وزارت اطلاعات، جنگ روانی علیه مقاومت و مجاهدین می‌باشد. به همین دلیل وزارت جاسوسی اطلاعات فتاله‌های مجاهدین که به‌دلیل سختی و دشواریهای مبارزه از اشراف به خروجی تحت کنترل آمریکاییها می‌روند، سپس تحت کنترل صلیب سرخ به داخل کشور بر می‌گردند و سر کوبرگانه علیه مجاهدین و خانواده‌های آنان به کار می‌گردد و پس از عمر که گریه‌های زنجیره‌یی در جلسه‌های انجمن نجات رژیم،

نامهٔ یک هموطن از آلمان به بخش فارسی رادیوآمریکا:

این افراد مأمورین رژیم هستند که نه تنها در ایران بلکه در عراق تحت کنترل آمریکاییان نیز شکنجه‌گاہ درست کرده و پوست انسانها را می‌کنند

سعید از آلمان

کشاندن رسانه‌ها دارند، فکر کنند ایرانیها

دوست و دشمن خودشان را نمی‌شناسند. من به عنوان یک گزارش‌دهنده کاملاً آگاه شهر تهران به شما گزارش می‌کنم که مردم آخوندها را دشمنان قسم خوردهٔ خودشان می‌دانند و اتفاقاً مجاهدین را که دهها هزار قربانی برای مقابله با این دیکتاتوری مذهبی داده‌اند، به عنوان بهترین و شاید تنها دوستان و حامیان واقعی خود می‌شناسند. حال با این معیار هر کسی می‌تواند خودش را به مردم عرضه کند. من منظور از مردم، مردمی است که در تهران و سایر شهرهای ایران هرروز در معرض شلاق و حلق‌آویز شدن و اعدامهای بدوی هستند و نه مردمی که در برلین و واشینگتن و لس‌آنجلس در رفاه و آسایش زندگی می‌کنند. همان مردمی که در ابتدا هم به حضورشان عرض کردم، در ایران به صدای آمریکایی‌گوش می‌دهند. یادمان هم نرود که پیشگامان افشای این افراد مأمورین همین رژیم هستند که مقاصد شوم اتمی این رژیم پلید و تروریست را سالیان قبل همین مجاهدین بودند که رژیم ایران توسط مزدورانش تلاش دارد چه اعتباری باقی می‌ماند؟

این اشتباه است اگر این مزدوران

وزارت اطلاعات، که سعی در به گمراهی

شمارهٔ ۷۷۷ – سه‌شنبه ۱۳۸۴آذر ۱۰

جنگ بزرگ ترندهای کثیف

حسین توتونچیان

از بد روز گار رژیم خمینی، ۱۷ژوئن شد سکوی پرشی برای مقاومت ایران و مجاهدین خلق ایران. دیپلوماسی انقلابی مجاهدین که امروز خیلی از نیروها برای قضاوت عجولانه‌شان راجع به آن خجالت‌زده هستند، توانستند بن‌بستهایی را که خاتمی با شیدای و پرداخت از کیسهٔ ملت برایشان به‌وجود آورده‌بود. یکی یکی از بین بربردد. در سایهٔ همین دیپلوماسی پر قدرت توانستند اکثریت قریب به اتفاق آزاداندیشان جهان را با خود همراه کنند. درجهٔ عراق نیز خلاف تصور آخوندها مجاهدین بعداز خلع سلاح، بسیار بیشتر درخشیدند به‌طوری‌که سلاح سیاسی آنها اکنون در عراق بسیار برنده‌تر از قبل آخوندها را به وحشت انداخته‌ است. رژیم جمهوری اسلامی که برای بلعیدن عراق دهن باز کرده‌بود اکنون مجاهدین را به صورت خاری در چشم و سد مستحکمی در برابر خود کاملاً حس می‌کند. حمایت میلیونن مردم عراق از این نیرو و تثبیت موقعیت آنها در شهر اشرف منافع استراتژیک رژیم را یک‌سره مختل می‌کند بنابراین فهم این‌که آخوندها تلاش می‌کنند که با انواع حیل‌ها حتی به‌نفر را از این جمع جداکنند، بسیار ساده‌ است.

بعداز روی کار آمدن احمدی‌نژاد و با اظهارات سقیبانهٔ این رئیس‌جمهور که به‌واقع برازندۀ همین رژیم است، پیشروی در سطح بین‌المللی برای مجاهدین راحت‌تر شد. اگر تا دیروز دنیا درمقابل قتل‌عام ۳۰هزار زندانی سیاسی سکوت کرده‌بود، امروز چهرةٔ عربان احمدی‌نژاد، نماد واقعی آخوندها را به نمایش می‌گذارد، دنیا فهمیده‌است که بنیادگرایی برای بلعیدن همهٔ جهان دهان باز کرده‌است. از همین روست که به فکر چاره‌اندیشی درمقابل این هیولای تاریخی افتاده‌اند اگر چه هنوز هستند کسانی که ابهلانه فکر می‌کنند با نصیحت و سازش می‌توان گراز را از شخم زدن مرزعه بازداشت. با این سابقهٔ جنگ مجاهدین و رژیم آخوندی چهرةٔ جدیدی به خود گرفته‌است. مجاهدین باهمهٔ ظرفیت دیپلوماسی‌شان تلاش می‌کنند به غرب تفهیم کنند که در معامله با رژیم جمهوری اسلامی قافیه را تا به امروز باخته‌اند امری که غرب کم‌کم به آن اعتراف می‌کند. اما در طرف مقابل رژیم باهمهٔ ظرفیت ضدانقلابیش و با همهٔ مهره‌های پیدا و پنهانش تلاش می‌کند که واقعیت را وارونه جلوه دهد در این رابطه حتی مجبور شده مهره‌ها و دستگاه‌هایی را که تاکنون می‌گوشید پنهان کند. به‌میدان بیاورد. تلویزیون رنگارنگ چالشگر چپ، دیدبان حقوق بشر، کریم حق، بهزاد علیشاهی و… انبوهی از مزدوران خودباخته همه و همه بسیج شده‌اند تا دیکتاتوری وحشی آخوندها را سرپا نگه‌دارند. این افراد با همان وقاحتی که همکاران باشف در افکار وابستگی به وزارت اطلاعات می‌گوشیدند. با افتخاری مشمتز کننده صاف و پوست‌کنده می‌گوید آره من را وزارت اطلاعات فرستاده و نیازی هم برای مبهم‌بافی لاطلاتانی مثل فرار از زندان وبقیة مخرفات دوستان قیلی‌اش نمی‌بیند.

در اواسط سال ۲۰۰۲ من به‌طور اتفاقی شاهد یک سرقت مسلحانه در شهری که زندگی می‌کنم قرار گرفتم، من از نیمرخ چهرةٔ سارق، که نقابش را برداشته‌بود و جوانی بین ۱۸ تا ۲۲ ساله بود، را دیدم. فردای آن روز پلیس اسلو از من دعوت کرد که به ادارهٔ پلیس بروم و ضمن دیدن عکسهای، به آنها درزمینهٔ شناسایی سارق کمک کنم وقتی به ادارهٔپلیس رفتم مقداری آلبوم عکس جلو من گذاشتند گفتند اینها خلافکاران و این‌جایان شناخته شده‌یی هستند ببین آن نفررا می‌توانی این‌جا پیدا کنی در بین عکسهای این جانیان عکسهای فرزندان بقالژنار نیز بودند. چندی پیش وزارت اطلاعات رژیم آخوندی از زبان عده‌یی از اعضای جاداشده آخوندها اطلاعاتی‌یی صادر کرده بود که مجاهدین قصد دارند اعضای جاداشدهٔ خود را در اروپا ترور کنند و کلی مخرفات دیگر. از جمله امضاکنندگان این بیانه جعفر بقالژنار و آقا زاده‌هایش بودند آن روز که عکس این آقا‌زاده‌ها را در ادارهٔ پلیس و با آن تقسیم‌بندی دیدم، به‌خودم گفتم وقتی کسی بخواهد خون شهبادی یک ملت را وسیله ارتزاق زن و بچه‌اش بکند لاجرم باید انتظار داشته‌باشد که فرزندانش در چنین جایگاهی قرار بگیرند. امروز که اعضای این آقا‌زاده‌ها را پای اطلاعیه دیدم به‌خودم گفتم رژیم به چه فلاکتی دچار شده و از روی ناچاری به چه آشغالهایی متوسل شده‌است.

در تاریخ ۲۸ اکتبر یعنی حدود دوهفته قبل در یک برنامهٔ ارتباط مستقیم که آقای جمشید پیمان دوست و هم‌رمز ارجمند دربرنامه حضور داشتند، در روی خط رفتم و همین مطلب را بیان کردم. چند روز بعد وقتی از طریق اینترنت با یکی از دوستان درحال چت بودم ناگهان خلاف عرف معمول اینترنتی فردی روی خط آمد و سلام کرد.

به متن این مکاتبه که عیناً کپی شده توجیه فرمایید :این فرد با این آبدی(ID ظاهر شد: HACKHCKING

متن اصلی(به لاتین) موجود است (توفان، حسین توتونچیان می‌باشد) tofan, شما

مزدور وزارت اطلاعات: من مشایخی هستم و شما؟

tofan, نمی‌شناسم.

مزدور وزارت اطلاعات: به‌ه افتخار آشنایی نداشتم و آشنا می‌شوم.

tofan, از کجا این آبدی را به‌دست آوردید؟
مزدور وزارت اطلاعات: اگر نگوییم؟؟ حتماً باید بگویم؟؟؟؟ این چیز مهمی نیست بعدا می‌فهمید که آبدی که سهل است، اطلاعات دیگری هم دارم.

عرضه کند. من منظور از مردم، مردمی

مزدور وزارت اطلاعات: خوب نگفتید از فعالین داخل هستیدا یا خارج؟

tofan, اگه نگویید ادامه نمی‌دهم.

مزدور وزارت اطلاعات: چی را نگویم؟

tofan, از کجا این آبدی را به‌دست آوردید؟

مزدور وزارت اطلاعات: آبدی شما را از کجا به‌دست آوردم؟

tofan, به

مزدور وزارت اطلاعات: حالا باز هم سؤالی هستش؟؟؟؟؟

tofan, پس روز بقیه سؤالات هم از مهناتاپرس.

مزدور وزارت اطلاعات: می‌خوام با خودتون صحبت کنم.

tofan, بی‌خود.

مزدور وزارت اطلاعات: ساعت اون‌جا چنده؟ خیلی وقته که دنبال تو و دو تا دیگه از رفیقات هستم.

مزدور وزارت اطلاعات: یکی از فعالان داخل ایران را هم گرفتیم اما متأسفانه دستمون به شما سه تا نمی‌رسه.

مزدور وزارت اطلاعات: دوست عزیز ما ۸ ماه پیش، یکی از خانمهای همکار شما را هم گرفتیم که حتماً می‌شناسیش.

مزدور وزارت اطلاعات: البته برای شما نامرده‌ها مهم نیست که همکارتان را گرفتیم اما آن خانمی که گرفتیم هرچی زدیشت اسمی از تو نبرد، اما بالاخره آبدی تو را پیدا کردیم.

دوباره در ۱۲ نوامبر همان مزدور روی کامپیوترمن پیام زیر گذاشته و سه عکس را از خودش زده‌ است که با عینک و جیبی می‌باشد. وی بدینوسله قصد تهدید و شانتاژ را دارد. متن مزبور را در این‌جا می‌بینید:

سلام رفیق! کجا رفتی اون روز، نمی‌خواهی حرف بزنی؟

محتوای و پیام اصلی این پرخوردها تهدید به سکوت است ولاغیر.

اگر چه که من از طریق مقامات ذصلاح این مطلب را پیگیری می‌کنم اما خط استرژیک رژیم آخوندی از روز اول در رابطه با مجاهدین، قلع و قمع و کشتار از یک‌طرف و تهدید و ارباب به‌خطار جدا کردن نیروها از طرف دیگر بوده‌ است. پروژهٔ عظیم توابسازی در داخل زندان و به لجن کشیدن بعضی ازعناصر ضعیف که از مجاهدین جدا شده‌اند از طرف دیگر در همین راستا قابل ارزیابی است. به شهادت و تجربهٔ همهٔ کسانی که طعم زندان این رژیم را کشیده‌اند هر کجا و در هر نقطه‌یی در مقابل این رژیم ضعف نشان بدهی تا محو کامل همه ذرات انسانیت دروجودت پیش می‌رود. به زبان دیگر وقتی در مقابل این رژیم هویت خودت را منکر شوی بالاخصاً روح شیطانی خودش را در وجودت جادری می‌کنی و از تو کریم و جعفر و بهزاد می‌سازی که مطیع و گوش به‌فرمان از این سر دنیا به آن سر دنیا پیام منحوشش را نعره می‌زنی ازهمین روست که روی این آدمهای تپ‌تابی شده می‌کنند.

می‌کنند و ارجحیت خودش را از زبان اینها می‌کشند. بنابراین مرعوب این تهدیدها شدن همان چیزست که رژیم می‌خواهد، آخوندها به این نتیجه رسیده‌اند الان که بعداز ۲۵ سال توانسته‌ایم مجاهدین را از بین ببریم پس باید تلاش کنیم که دودورباشان را خالی کنیم. این ترندهای کثیف همه و همه درهمین راستا قابل ارزیابی هستند.
خروش عظیم انبوه ایرانیان آزادیخواه در ۷نوامبر در میدان شومان پروکسل به ملاحهٔ حاکم بر کشورمان پیامی روشن و واضح داشت مجاهدین برای ضربهٔ نهاده به رژیم خیز آخر را برداشته‌اند. ایرانیان شریف و آزاده هیچ‌گاه مرعوب این رژیم نپوید و نیستند از پای نخواهیم نشست. بنابراین باید به آنها گفت باش تا صبح دوشش بدمد.

میان «وصل» من تا «بند» آنها، تفاوت از زمین تا آسمان است

کریم نعلبندیان

کرده و…

این کارنامهٔ رژیمیی ضذیبر و برآمده از قرون و اعصار گذشته‌است که در تاریخ ایران سابقه نداشته، حالا مدعی محبت و عاطفه و کانون گرم خانواده شده‌است.

بشر را نمایندگی می‌کند والا چگونه این وضع قابل تبیین و تفسیر است؟ هم رابطهٔ مجاهدین را با ملأ اجتماعی و خانواده‌اش قطع کرده و به‌خطار یک تماس آنها را تحت فشار می‌گذارد اما از آن‌طرف به فکر آغوش گرم خانواده و این عزیزان است! واقعاً که وقاحت و دجالیّت ویرگی منحصر به فرد این آخوندهای ردّل و بی‌شرف است.

۴. هروقت من «آغوش گرم خانواده» را می‌شنوم، مثل هر ایرانی دیگر تمام وجودم آتش می‌گیرد. چرا که این رژیم مگر خانواده‌یی باقی گذاشته‌است؟ میلیون‌ها ایرانی و عموماً از متخصصین و تحصیلکرده‌ها را در سراسر اروپا، آمریکا، آسیا و استرالیا و…آواره و بیخانمان کرده‌اند، ثروتهای کشورمان با این‌همه در آمد نفت و… را به یغما برده‌است، دخترانش را در کشور‌های عربی با بی‌ناموسی تمام به فروش می‌رساند، فرزندان جانش را که ما تا سرنگونی تام وتمام این رژیم دمی از پای نخواهیم نشست. بنابراین باید به آنها

و زن مرد و… تا نوجوانان آزاده مقاوم را شهید

و وقتی متن این عرضه را خواندم، چند نکته توجهم را جلب کرد. از آن‌جا که دروغگو کم حافظه است! لازم است چند نکته را یادآوری کنم:

۱. مجاهدین را با صفت دریند توصیف کرده بود. ولی از «بند» او تا «بند» ما تفاوت از زمین تا آسمان است.
بله مجاهدین دریند عشق به خلق و مردمشان هستند و تا پای جان هم به آن وفادار خواهند بود، و تف به آن زندگی نکت‌بار در زیر عبای آخوندهای کثیف و خرامزاده کرده‌اند. ما مجاهدین هیچ‌گاه به‌خطا می‌انگیزیم، نفسانی، که اهل پریده‌مزدوران آن را برمی‌گزینند، به مثال مردمان پشت‌نخواهیم کرد.

۲. از سازمانهای بین‌المللی خواسته بودند ما به آن فداکار خواهند بود، و تف به آن فرزندان خود ملاقات نمایند. واقعاً این رژیم ابداً اش همه را باعینک احقانهٔ خود می‌بیند چرا که خانواده من در سال ۸۲ به اشد آمله‌بود و طی مدتی که پیش من بودند، در تمام شب و روز با هم هر چه خواستیم صحبت کردیم و اشرف را ساعتها گوشه‌اش می‌گذاشتیم. بعد از دیدن این افشاها، با خانواده‌ها تماس گرفتم. وقتی بعد از اخوابرسی اولیه جریان را گفتم، دیدم که اهل خانواده به گریه افتادند. جگرم از این وضع کباب شد و صدبار به

چندی پیش وزارت اطلاعات رژیم درمادۀ آخوندی تعدادی از خانواده‌های مجاهدین را با فریب و نیرنگ شیطانی و معاویه گونا‌ش، به‌پای امضای نامه‌یی کشانده، خود، به مجامع بین‌المللی ارسال کند و به خیال خود، به گوشه‌یی از تابلوی زیبا، پرشکوه و با عظمت مقاومت و پایداری و پاکبازی مجاهدین لک‌بکی وارد کنند.

بی‌اختیار یاد روزهای بعد از قیام ۲۹بهمن ۵۶لر تریز افتادم، وقتی که شاه و نخست‌وزیر نگر نکرشده بودند، سرکوبی خود را به عیان در قدمهای بدعی خلق دیده‌بود، همهٔ مدارس و ادارات و…را تعطیل کرده و با هزار فریب و نیرنگ و تطمیع و تهدید از تمام شهرها و روستاهای آذربایجان شرقی، و وامانده، که برای چند صباحی زندگیا خفت‌بار، به‌مرعه گران‌دی این خیمه‌شب‌بازی رفته‌بود، خواهند توانست مانع سرنگونی رژیم پوسیده و غرق در بحران آخوندی بشوند.

مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

دعوی «جهانی‌بودن اسلام» در زبان بنیادگرایی اسلامی تروریست، به‌معنی جهانخواربودن این بنیادگرایی است که خود به این امر اذعان داشته و در مورد تعدد کشورهای مسلمان و مرزهای کنونی میان آنها، به‌صراحت اذعان دارند و می‌گویند که: «اسلام مرز نمی‌سازد». این همان ادعایی است که رژیم ملایان ایران طی ربع قرن گذشته بی‌پرده بیان کرده و در شمار اصول سیاست خارجی رژیم اعلام داشته است(۱). برخی نمونه‌های آن را در این سلسله نوشته‌ها خوانده‌ایم(۲).

چنان‌که گفتیم شخص خمینی، در متن وصیتنامهٔ رسمی خود، مورخ ۲۶بهمن ۶۱، به ایجاد «حکومت واحد» در جهان روشن افراخوان داده‌بود(۳). در بسیار اشعار است که معنی این دعوی، همانا علم مشروعیت و لزوم وحدت —حداقل— مجموعهٔ ۵۷کشور و دولت موجود در جهان کنونی، یعنی تمامی کشورهایی است که خود را به‌صورتی مسلمان دانسته‌و عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) هستند. در این مجموعه، تنها، رژیم کنونی ملایان ایران است که خود مدعی اجرای «حکام شرع» بوده و به‌طور مستقیم با حکم نابودی فوق‌الذکر مواجه نیست.

اما تغییر مرزهای همین رژیم هم، بخشی از پروژهٔ بنیادگرایی تروریستی است، یعنی تغییر توسعه‌طلبانه، که جز بلعیدن سرزمینهای همسایگان در هاضمهٔ ملایان ایران معنی نمی‌دهد. بسیار روشن است که چنین تحولی که دولت و جریانهای بنیادگرایی اسلامی تروریست به‌طور رسمی از آن سخن می‌گویند، به معنی تغییر کلی در سیمای جغرافیای سیاسی جهان است و کمترین خطری که از علامت می‌دهد، پرافرودن یک جنگ جهانی مذهبی، همانند جنگهای صلیبی ۲۰۰ساله در قرون وسطی، (از ۱۰۹۶ تا ۱۲۹۱میلادی) خواهد بود، با ابعاد بسیار بسیار خونین‌تر و ویران‌کننده‌تر از آنها و حتی از جنگهای جهانی اول و دوم که به نابودی نزدیک به یکصد میلیون انسان انجامید. تنها ۲۰۰میلیون نفر در جنگ جهانی دوم، این جدا از زخمهای بر جای‌مانده و ادامه‌داری است حال، نگاه و انگیزهٔ رژیم ملایان ایران در این جنگ اساله، توسعه‌طلبی و می‌کنند.

جنگ دو کشور تا جنگ منطقه‌یی

در قسمت قبلی این سلسله نوشته‌ها «قسمت۱» هرچند به‌اختصار لیکن به‌طور مستند، خوانندیم که مسئله از این بحث که کدام طرف عملاً شروع‌کنندهٔ این جنگ ویرانگر بوده، اما در هر حال، نگاه و انگیزهٔ رژیم ملایان ایران در این جنگ اساله، توسعه‌طلبی و

گسترش قلمرو قدرت خود بوده است و اصرار شخص خمینی بر ادامه‌یافتن نبردها و ردکردن تمامی کوششهای اسلامی و بین‌المللی برای آتش‌بس و پایان این جنگ ویرانگر، تنها همین نوع توسعه‌طلبی بوده که تحت عنوان «صدور انقلاب» مطرح می‌کرده و هدف وی آشکارا، گسترش قلمرو نفوذ خود به دیگر کشورهای اسلامی، و در گام اول به عراق بوده است. این طرح همان است که پیش از شروع جنگ یادشده، تمامی سران رژیم، به‌رهبری خمینی و با همکاری همهٔ جناحهای درونی، شامل لیبرالهای دولت موقت، مشغول زمینه‌سازی آن بوده و نقشه‌های سیاسی و نظامی این برنامه را مشخص و توزیع نموده و به مسئولان مربوطه ابلاغ کرده بودند(۴).

اما دامنهٔ میدان این جنگ، از وقتی علنی‌تر شد که به‌خصوص شعار «فتح قدس از کربلا می‌گذرد»، توسط رژیم و عوامل گوناگونش در پوهکا دمیده شد. دلیل روی آوردن به‌این شعار، این بود که در آن زمان، جنوب لبنان توسط ارتش اسرائیل اشغال شد و افکار عمومی

مسلمانان طلب می‌کرد که دو کشور مسلمان ایران و عراق، به‌جای جنگ میان خودشان، به کمک لبنان بشناسند. درخواستی که ایرانیان و به‌خصوص نیروهای مخالف خمینی در مقاومت ایران، بر آن پای افشوده و یک جنبش وسیع برای برقراری صلح میان دو کشور را پایه‌گذاری نمودند. به‌خصوص از هنگامی که حکومت عراق در سال دوم جنگ به پشت مرزهای رسمی عراق عقب‌نشینی کردند.

پایم این شعار تازه، (فتح قدس از کربلا می‌گذرد)، نظر به کشورهای متعددی که در فاصلهٔ تهران تا قدس موجودیت دارند، (دست‌کم، عراق، اردن، سوریه و لبنان) با تأثیرهای ناگزیر

جنگ بر دیگر کشورهای همسایه که پایشان به‌میان کشیده می‌شد، به‌همان‌گنا نشان داد که ملایان جنگ‌افروز هم‌اینک برای بلعیدن کدام کشورها، خیز برداشت و زمینه‌سازی می‌کنند. طمع‌ی که چندین جنگ برای سالیان طولانی و هرکدام به وسعت جنگ ویرانگر ایران و عراق را در چشم‌انداز قرار می‌داد. اما طولی نکشید که خمینی

و ملایان حاکمیت در تهران، نیات شوم خویش را بازهم آشکارتر کرده و شعار «جنگ، جنگ، تا رفع فتنه از عالم» را به‌جای شعار «جنگ، جنگ، تا پیروزی» سردانند. یعنی به‌جای شعاری که خود برای مقابله با دعوته‌ا و میانجیگریهای می‌شد. تفاوت میدان عمل میان این دو شعار، از منطقی‌یی به جهانی، نیاز به توضیح بیشتری ندارد(۵).

گسترش عملی جنگ و تروریسم

جدا از نیات شوم خمینی و دارودسته‌اش که در شعارهای این رژیم برملا شده بود، جنگ ایران و عراق که به‌طور رسمی تنها میان دو کشور جریان داشت، لیکن در میدان عمل و از همان اولین سالهای شعله‌ورشدنش به کشورهای دیگر هم‌جوار کشیده شده بود. در واقع، خواه به‌لحاظ سیاسی و تبلیغاتی و خواه به‌لحاظ عملیاتی و نظامی، تبدیل به جنگی شد که سربازان و عوامل کشورهای متعدد در آن حضور فعالی داشتند.

از یکسو، برخی کشورهای همسایه به‌اتهام کمک به دولت وقت عراق، هدف برتاب موشکهای رژیم ایران و با عملیات تروریستی توسط عوامل این رژیم قرار گرفتند، تا حد عملیات حساس وناموفقی که بههدف ترور امیر کویت صورت گرفت(۶). و اندکی بعد، سخنگوی رسمی رژیم خمینی اعلام داشت که «با توجه به کمک گستردهٔ مالی و نظامی کویت به عراق، تلقی ایران این است که دولت کویت علیه رژیم ملایان اعلان جنگ داده و این رژیم خود را مجاز می‌داند که کشیتهای باری کوبیتی و معمولانشان را مصادره کند.(۷).

بعد از چند ماه رفتنجانجی در ارگان پاسداران رژیم رسماً اعلام داشت که: «کشورهای رژیم خلیج فارس که حامی عراق هستند و عراق از منابع نفتی آنها تغذیه می‌کند، باید بدانند که اگر

خیز برداشت و زمینه‌سازی می‌کنند. کویت وبا کشورهای دیگر اسلحه بخرد و مراکز نفتی را مورد هجوم قرار بدهد، این تجاوزات را حساب آنها گذاشته خواهد شد»(۸). و اندکی بعد، وزیر

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی



مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

مجسمهٔ «عزت‌الله سلیمان‌پور» در تهران، نمادی از بنیادگرایی اسلامی

اطلاعیهٔ دفتر نمایندگی شورای ملی مقاومت در آلمان

معصومه بنیادپور یکی از هواداران مقاومت در آلمان در یک سانحه دلخراش جان سپرد

با کمال تأسف،خانم معصومه بنیادپور از هواداران مجاهدین و مقاومت ایران در یک حادثهٔ تصادف در شهر بن آلمان به‌طرز دلخراشی جان سپرد.

نماینده‌گی شورای ملی مقاومت در آلمان این ضایعهٔ دردناک را به خانوادهٔ بنیادپور و همسر او آقای خسرو انوری و تنها فرزند بازمانده‌اش، نیکا و همه هواداران و یاران مقاومت در آلمان تسلیت می‌گوید.

خانوادهٔ مقاومت ایران در غم از دست دادن معصومه بنیادپور،

مراسم خاکسپاری هوادار پرشور مقاومت معصومه بنیادپور



روز یکشنبه ۸ آذر ۸۴ (۲۵ نوامبر ۲۰۰۵) مراسم خاکسپاری معصومهٔ بنیادپور از هواداران پرشور مقاومت در شهر اولدنبورگ بر گزار گردید. در این مراسم که در حضور خانوادهٔ او و جمعی از دوستان و هواداران مقاومت برگزار شد، شرکت‌کنندگان بر پیکر آن «یار عزیز مقاومت و رزمندهٔ یقنار آزادی» نماز گزارده و با او وداع کردند.

در این مراسم آقای منصور قدرخواه، کارگردان و عضو شورای ملی مقاومت نیز حضور داشت. آقای قدرخواه طی سخنان پراحساسی گفت:

«ما امروز در این‌جا به مناسبت بسیار غمناک و دردناکی جمع شده‌ایم. یکی از انسانهای خوب دیگر در میان ما نیست. داستان ملت ما در زمان حاکمیت آخوندها داستان ملتی است پر از مصیبت و از دست دادن عزیزان و هم‌زمان. داستان ایستادگی ملتی که در مقابل همه سرکوبها و فشارها سرخم

نکرده و سرفرازانه به مبارزات خود به هر

قیمت ادامه داده است... او به معنای واقعی زن آزادبخواهی بود که فریاد ملت ما را بلندترین صدای ممکن در صحنه‌های

مختلف به گوش جهانیان می‌رسانده... همه

انسانها دیر یا زود با این دنیا وداع خواهند

کرد اما آنچه مهم است و باقی می‌ماند

گل از شاخه افتاد و بر خاک ریخت

جشید پیمان



معصومه در در مراسم ۱۸ ژوئن ۲۰۰۵

می‌بازد؟

در حد توانشان به شایستگی برای آزادی ایران از خودشان مایه می‌گذارند و مبارزه می‌کنند. کار شما و شرکتان و همراهیان برای این مقاومت سرفراز، اسباب مفاخت است و من اطمینان دارم که رزمندگان ارتش آزادی که پیشاز فدا و گذشت برای مردم ایران هستند، هم‌اکنون بادی‌دن شما و من و امثال ما، به شایستگی از ما پاس‌گزاری می‌کنند. زیباترین خنده را بر چهره‌اش دیدم. گفت جعفر خادم‌ان کردید و ان‌روزم را هزار برابر کردید. یک شاخهٔ زَر در دستم بود. گفتیم به یک لبخند تنها اکفا کنیم گفتم مقاومت دربرابر رژیم آخوندی گستره‌یی به‌اندازهٔ آن‌که می‌دانم در برابر زیبایی کارتان رنگ

و نمی‌دانستم که چه زود پری می‌شود.

نفرین بر خبیثی و اصحاب پلیدش که میلیون‌ها ایرانی را در جهان آواره کردند. ننگ ابدی بر خبیثی و جانشینانش که میلیون‌ها ایرانی قربانی جنایات متوقف‌نشده‌ی آنها گشته‌اند.

معصومه بنیادپور هم‌رزم عزیزمان، یار پرشور و خستگی ناشناسمان در غربت پیرِ شد و داغی بر داغهای نشسته بر دلمان افزود. جایش همواره درمیان ما خالی می‌ماند و یادش جاودانه. در گذشت دلخراش‌ش را به همسرش و دخترش، تک‌تک هم‌زمانش، بارانش و به‌ویژه به خانم مریم رجوی تسلیت می‌گویم. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

گل‌فرش بر مزار شهیدان خاوران

م.نامور



سنت کنار آن نشستیم.

البته طبق گفتهٔ عموم یک قدری زودتر از معمول آن‌جا رسیده بودیم خانواده‌ها کم‌کم و گروه گروه وارد می‌شدند، اما چیزی نگذشت‌ه بود که چند نفر که چهرهٔ آنها به کارگران خودمان نمی‌نمود وارد شدند و همراه با آنها یک دستگاه کامیونت «خاور» به حالت دنده‌عقب به گلزار نزدیک شد، به‌محض رسیدن کامیونت به نزدیکی آن قطعه، و محل ما، کارگران مشغول شدند و دسته دسته شاخه‌های گل گلابول را تخلیه کرده و شروع به پخش کردن آن در سطح گلزار نمودند. ما نمی‌دانستیم چه خبر است ولی با دیدن صحنه به کمک آنها رفته و شروع به فرش کردن خاوران با گلایول کردیم، و چیزی نگذشت که تقریباً بیش از نیمی از آن محوطهٔ بزرگ با گلایول پوشانده شد و صحنه‌یی بس زیبا خلق کرد.

پس از اتمام کار از یکی از گارگران موضوع را پرسیدم با تعجب گفت یک نفر ما را استخدام کرد و چند برابر به ما مزد پرداخت و از ما خواست که این

گلها را در این‌جا آورده و زمین این‌جا را با آن فرش کنیم البته چیزی نگفت که

شهیدان

در زندان اوین وجود یکی از همبندیهایم خیلی مغتنم بود. به‌خصوص که مادر هم بود. مادر رضوان صدایش می‌کردیم و من بعد از شهادتش فهمیدم که اسم کاملش رضوان رفیع‌پور بود.

مادر رضوان هراز گاهی به‌مدت چند روز غییش می‌زد و بعد دوباره پیدایش می‌شد. هر بار که بر می‌گشت از دیدنش دچار حالت عصبی می‌شدم و زیر لب می‌گفتم: یک روز باید این جانیان جواب این همه شکنجه و آزار خودشان را بدهند.

مادر رضوان بیش از ۴۵سال داشت و جرم او این بود که دخترش مجاهد بود و او را به‌خاطر دخترش دستگیر کرده‌بودند. یک بار در بند که دخترم سحر را بغل کرده‌بودم، مادر رضوان کنارم نشست، سر صحبت را باز کرد:

– من هم یک دختر ۵۵هال دارم که از وقتی دستگیر شدم‌ام ازش خبر ندارم. چون ممنوع‌الملاقات هستم.

– مادر می‌توانم سؤالی از شما بکنم؟

– بپرس.

– وقتی مدتی نپسیدید شما را کجا می‌بردند؟

– مرا به آسایشگاه می‌بردند.

– آسایشگاه دیگر کجاست؟

– یک ساختمانی است همین‌جا در داخل

اوین. چون خیلی شکنجه‌ام می‌کنند برای

این‌که کسی از این حالت در بیایم آن‌جا می‌برند که بهتر شوم و بتوانند مرا به بند

عمومی بیاورند.

– چرا شما را می‌زنند؟

– از من می‌خوانند مصاحبهٔ تلویزیونی کنم و

در مقابل دوربین تلویزیون کابل دستم بگیرم

و به دخترم پیام بدهم که خودش را معرفی

کند و اگر نکند و دستگیر شود، خودم با این

کابل آن‌قدر او را می‌زنم که بمیرد. حالا

هر بار مرا می‌برند که ببینند تصمیم عوض

شده یا نه؟ و چون چیزی عوض نمی‌شود،

دوباره شکنجه می‌کنند.

سازوی شرم‌آوری که همان قانون

اساسی و پایه‌یی دربارهٔ ماهیت رژیم را برابم

برجسته‌تر می‌کرد.

بعد از صحبت با مادر رضوان در صدد

تحقیق راجع به آسایشگاه برآمدم. چون

حرفهایش برسته بودند مرا کنجکاو کرده

بود. تمام ذهنم را این محل به خودش

مشغول کرده‌بود. افراد مختلف کم و بیش

مستقیم و غیرمستقیم چیزهایی می‌دانستند.

از جمله این‌که:

یک ساختمان جدید است که بعد از

سال ۶۰، در داخل اوین شروع به ساختنش

کرده‌اند. استفاده از آن در حوالی ۶۲–۶۳ شروع شده بود. زیرا بند ۳۱۱ که به‌عنوان بند انفرادی از آن استفاده می‌شد ساختمانی بود که برای این کار ساخته نشده بود و شرایط ساختمانی و استقراری آن‌جا مجبورشان می‌کرد به برای توالفت رفتن زندانیان، در سلول‌ها را باز کنند و همین باعث می‌شده که زندانیان با هم ارتباط برقرار کنند و دیگر انفرادی مفهوم نداشته است. از طرفی آن‌قدر دستگیریه‌ها زیاد شده بود که دیگر نمی‌شد در ساختمانهای قبلی این همه زندانی را نگاه‌داشت. این نیاز خودش وسیله‌ی و امکانی برای ارتباط گرفتن زندانیان با هم بوده. ساختمان بند آسایشگاه ۷ طبقه است که گویا دو طبقه‌اش در زیرزمین قرار دارد. همهٔ سلولهایش انفرادی و آن هم در حدی است که فرد می‌تواند دراز کش باشد.

توالت و روشویی هم در داخل سلول است. هدف این است که زندانیان آن‌جا نتوانند

با کسی ارتباط برقرار کنند. هر کس را به

سلولهای آن‌جا می‌برند تمام وسایلش را

می‌گیرند تا خودکشی نکند. البته نمونه‌های

معددی نقل می‌شد که بعضی زندانیان با هم

پاره‌کردن لباسشان و تبدیل آنها به طاب و

انداختن پدودر گردنشان، خود را حلق‌آویز

کرده‌بودند تا برای دادن اطلاعاتشان زیر

شکنجه‌های وحشیانه قرار نگیرند.

یک بار دیگر که مادر رضوان از

بازجویی برگشت و در وضعیت جسمی

بسیار نگران‌کننده‌یی بود گفت: برای این‌که

کابل‌ها بیشتر درد بیاورد، روی تمام بدنم آب

ریخته‌ند و سراسر بدنم را به‌شلاق بستند. وقتی

بلنش را نگاه کردم، از نوک پایش تا روی

شکم‌ش را با کابل زده بودند.

یک بار دیگر که او را بردند تا دوهفته

برنگشت. فکر می‌کردیم اعدامش کرده‌اند.

ولی دوباره او را به بند آوردند و خودمان به

او رسیدگی کردیم. وضعیت او طوری شده

بود که تا یک ماه نمی‌توانست راه برود.

روزی که من بعد از مدتها تلاش توانستم

سحر را به بیرون زندان بفرستم. وقتی از

تحویل‌دادن سحر برگشته بودم حوالی

غروب مادر رضوان آمد کنارم نشست و سر

صحبت را باز کرد:

– نچمه ناراحتی که سحر را بیرون

فرستادی؟

– البته! چون مادرش هستم. ولی

نمی‌خواهم در این زندان که هرکس

به‌اندازهٔ کافی در این بندها و سلول‌ها تحت

فشار هست، درد و فشار روانی تازه‌یی هم

به‌خاطر من تحمل کند؟

– می‌خواستم بگویم ناراحت نشم، من

هم درد تو را دارم، چون مدت‌هاست دخترم را

ندیده‌ام. نچمه بگو ببینم شوهرت کجاست؟

– با هم دستگیر شدیم.

– این‌جاست یا اعدام‌ش کرده‌اند؟

– اعدام شده است.

برای لحظه‌هایی چهرهٔ مادر رضوان در هم

فرو رفت و گفت: نمی‌دانم چرا این قدر خدا

صبر دارد؟ چرا کسانی که این همه جنایت

و شکنجه و اعدام می‌کنند باز هم حکومت

می‌کنند؟

بعداستغفار کرد و گفت: خدایا مرا ببخش

که از ستم اینها بهم می‌ریزم و این حرف‌ها را

می‌زنم. آخر تو عدلی و عدل تو در همین

است که اگر بگویی عده از انسانها چاه باطل

در عمیق می‌کنند، هستند بندگانی از تو که

ستغ فله حق را بالاتر می‌برند. دنیا را که تو

برای وحوش خبیثی نساخته‌ای؟ برای همین

بچه‌های مجاهد ساخته‌ای.

آن شب مادر رضوان بر بسیاری از

حقیقتهای مبارزهٔ مجاهدین و رژیم انگشت

گذاشت. من غرق صحبت‌هایش شد‌بودم.

و در این فکر بودم که این زن تا چه اندازه

هوشمند و فهمیده است و اگر چنین نبود،

چرا چنان سازجویی برای استفادهٔ تبلیغاتی از

او خواسته بودند؟

دست آخر مادر رضوان گفت: به‌زودی

خواهی دید کاری می‌کنم که داغ تا ابد بر

دلشان بماند. این جملهٔ آخرش مرا به فکر

فرو برد و حساس شده‌بودم که بفهمم مادر

چه طرح و برنامه‌یی دارد؟

چند روز بعد یک بار دیگر او را به شعبه

صدار کردند، به‌خاطر حرفی که زده‌بود، خیلی

نگران بودم که مبدا این بار در بازجویی

و شکنجه، کارش را تمام کنند. اما وقتی

برگشت گفت: چندسؤال بیشتر نکرند!!

از آن‌جا که توضیح نداد و مشغول

کارهایش شد. حدس زدم شاید خبر

ناگوارِی به او داده‌اند و او که می‌خواهد ما

را ناراحت نکند موضوع را نمی‌گوید.

منظر فرضی بودم که گریش بیاورم و

پرسم چه اتفاقی افتاده است. حوالی ساعت

۱۱شب دیدم مادر رضوان قرآن به‌دست

گرفته و سخت مشغول قرآن خواندن است.

مادر وقت خواب است. چرا الان دارید

قرآن می‌خوانید. نمی‌خواهید استراحت

کنید؟

– خیلی دلم می‌خواهد با خدا راز و نیاز

کنم. امشب یک حالتی دارم که هیچ وقت

نداشته‌ام!

هنوز صحبتن با مادر گرم نشده بود که

دو خاطره از شهیدان نوشتهٔ نجمه حاج‌حیدری

انتخاب سر نوشت!

زندانیان آمد و گفت: چرا بیدارید؟ بروید بخواب!

من به‌اتاق خودمان رفتم ولی خوابم نمی‌برد. مدتی گذشت و داشتم سقف سلول را نگاه می‌کردم و مشغول فکر کردن بودم که ناگهان صدای یک چیغ شدید و کشدار مرا از جا پراند. به‌سرعت از اتاق بیرون زدم و با چند نفر دیگر که من مثل من سراسیمه از اتاق‌ها به راهروی بند آمده بودم، به‌سوی حمام بند رفتم زیرا صدای چیغ از آن‌جا می‌آمد.

بند به شکل L بود و حمام بند هم در تقاطع L قرار داشت، تا ما برسیم تعداد زیادی از بچه‌ها در آن‌جا جمع شده بودند. مادر رضوان خودش را در حمام حلق‌آویز کرده بود و رنگ صورتش کبود کبود شده بود.

صحنه‌یی که قرآن‌خواندنش و حرفی را که آن‌شب زده بود به‌هم پیوند زد:

– «داغ بر دلشان خواهم گذاشت»

بیشترین حسدی که در آن لحظه‌ها

می‌زدم این بود که دوباره به او پیشنهاد، همان

مصاحبهٔ تلویزیونی را کرده بودند و او هم

به‌خاطر این‌که حتی شانس مطرح‌کردن

چنین چیزی را برای دشمن بسوزاند دست

به چنین کاری زده بود.

و سرصدای ما زندانیان‌ها هم رسیدند و

یکی‌شان گفت: او را پایین بیاورید.

وقتی مادر رضوان را پایین آوردند،

مشخص بود که هنوز تمام نکرده و زنده

است. دو مرد پاسدار که گویا مربوط به

بهداری بودند، آمدند و پیکر مادر را لای پتو

گذاشتند و بردند.

همه دعا می‌کردیم که مادر رضوان تمام

کند. چون اگر زنده می‌ماند دوباره شکنجه

و دوباره شلاق و زجر و جزا اعدام یا شهادت

در زیر شکنجه چیز دیگری در انتظارش

نود. به‌خصوص که انتقام همین کارش را

هم دوباره از خودش می‌گرفتند.

از وضعیتش مشخص بود که مادر طتاب

را از بند رخت داخل حیاط آورده و آن را

روی میلهٔ صافی که به صورت L روی دیوار

قرار داشت بسته بود. برای این‌که طتاب روی

میله صاف لیز نخورد ابتدا یک پارچه روی

میله بسته بود و بعد طتاب را آویزان کرده

بود. یکی از سطلهای بزرگی را که در حمام

داشتم، زیر پایش گذاشته بود تا بتواند طتاب

را به دور گردنش بیندازد. در روزهای بعد

آنها‌یی که به بهداری تردد داشتند، خبر

آوردند که مادر رضوان شهید شده‌است.

«رضیه» آموزگار وفا و مقاومت

فرح و منصوره قلم‌دوش هم می‌شدند و تمام پتوهای سلول را هم زیر پایشان گذاشتند تا دستشان به‌پنجره برسد. دستشان را از پنجره بیرون می‌بردند و از لای بند آجرهای دیوار که خالی کرده بودند قیچی و نخ و سوزن را درمی‌آوردند. زمان مراجعه به‌لبازک شب‌ها بود. چون اگر در طول روز دستمان را از پنجره بیرون می‌بردیم، دیده می‌شد.

به‌این ترتیب فهمیدم ساک‌ها و کیسه‌هایی که از روز اول ورودم به‌این سلول چشمم را گرفته بود، به‌چه صورتی در این مدت تهی می‌شدند.

شرکت کردن در تهیّ آن ساک‌های تمیز و مرتب که روز اول دیده بودم، یکی از کارهای خودم در سلول شد. وقتی کارگر توالیت می‌شدیم، بچه‌ها در مصرف کیسه‌های پلاستیکی و زلفه صابونی می‌کردند و هرروز چندتایی را نگه‌می‌داشتند. وقتی چند کیسه جمع می‌شد، کیسه‌ها را برش می‌دادند و درست مدل ساک‌هایی که در بازار فروخته می‌شود و پهلو دارد، اطرافش را آن‌قدر تمیز می‌دوختند که به‌سادگی نمی‌شد تشخیص داد کار دست است.

مشکل بعدی این بود که زندانیان‌ها و نگهبان‌ها زاید چپچشان به‌این ساک‌ها نيفتند. چون بلافاصله باید جواب می‌دادیم از کجا آمده است؟ هر وقت در سلول را می‌خواستند باز کنند یا هار‌ها که درمی‌زدند، به‌سرعت روی این ساک‌ها را پتو می‌کشیدیم. زندانیان بودن در یک بند تنبیهی و هرروز در معرض تنبیهات خارجه بودند، شامل بی‌خبری از جهان خارج هم هست. اما باید این مسأله را هم به‌صورتی حل می‌کردیم. غیر از جمع خودمان در بند ۳۱۱ هیچ زندانی دیگری را نمی‌دیدیم که بخواهد خبری به‌ما بدهد. یکی از جاهایی که می‌توانستیم خبری کسب کنیم وقتی بود که برای بازجویی ما را به‌شعبه‌یی بردند. در بین روسپرایمان چند روسری خاص داشتم که به‌خاطر نوع پارچه‌اش که نازک بود، حتی وقتی چند لا می‌کردیم می‌توانستیم بیرون را ببینیم. این روسپرها را هر کس به‌بازجویی می‌رفت تا می‌زد و به‌عنوان چشمتند روی چشمش می‌ست.

اطلاعات اولیه این بود که هر کس را به‌کدام اتاق آورده و از کدام مسیر بردند؟ شاختن نفراتی که در راهرو شعبه‌نشته بودند هم اطلاعات با ارزشی بود. به‌خصوص اگر می‌توانستیم کسی را پیدا کنیم که تازه دستگیر شده باشد. بیشترین شانس خبری وقتی بود که با آشنایی رویه‌رو می‌شدیم که می‌توانست اوضاع بندهای دیگر را بگوید یا کسی که تازه از بندها جان سالم به‌در آورده و از اطلاعات مختلف مربوط به‌مجاهدین و اخبار سیاسی و موقعیت مقاومت به‌ما خبری بدهد.

مرا ببینند شروع به‌کابل‌زدن کردند. حتی یک کلمه حرف نزدیم و یک آخ هم نگفتم. رضیه در حالی این صحنه‌ها را تعریف می‌کرد که با تمام چهره‌اش می‌خندید و آنها را مسخره می‌کرد.

آنها می‌توانستند تمام پیکرش را در خون و زخم غرقه کنند اما بسیار ضعیف‌تر از آن بودند که آن روح عاصی و سرکش را و همین فضای

شرار و مقاوم رضیه را در هم بشکنند.

رضیه از همهٔ ما سنش بیشتر بود و خواهر

بزرگتر ما محسوب می‌شد. از نظر سیاسی و

تشکیلاتی و مبارزاتی هم از همه کارگشته‌تر

بود. اما هرگز در او سکون و خاموشی دیده

من معتقدم که این نظام از بدو تولد یعنی از همان روز بیست و دوم بهمن و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ضدسلطنتی، دست به‌چنایت علیه مردم ایران زده است. از آن هم پیش‌تر می‌رود و می‌گویم عوامل این رژیم قبل از پیروزی انقلاب نیز از ارتکاب چنایت علیه مردم ایران فروگذاری نکرده‌اند. نمونهٔ روشن و فراموش نشدنی آن، به‌آتش کشیدن سینما رکس آبادان در شب ۲۸مرداد ۱۳۵۷ می‌باشد.این چنایتکاران درهای خروجی سالن سینما را مسدود کردند و سینما را آتش زدند و در کمال بی‌رحمی به‌تماشای سوختن و زغال شدن بیش از چهارصد تن از هموطنان بی‌گناه ما ایستادند.

از فردای به‌قدرت رسیدن خمینی وزیر نظارت کامل او تا همین امروز مردم ایران، بدون‌وقفه قربانی چنایات گردانندگان این رژیم هستند. من حتی نوع برخورد این نظام و در راس آن جنینی و پارتاش یا مستولان درجه‌اول نظام قبلی را از مقولهٔ چنایت علیه بشریت می‌دانم. شیوهٔ برخورد و دستگیری و اعدامهای بی‌محاکمه و با محاکمه‌های قلابی و ضدبشری افرادی از نظام پیشین که جرمشان هم محرز بوده است، خود از نمونه‌های چنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، چه رسد به کشتار هزاران دختر و پسر جوان و دانش‌آموز و دانشجو به‌جرم عضویت در سازمانهای سیاسی مخالف نظام و حتی طرفداری از این سازمانها و احزاب. برداشت بد

نشود. قصدم این نیست که حکم بر بی‌گناهی سران و چنایتکاران نظام گذشته بدهم. می‌خواهم نشان دهم فروگذاری نکرده‌اند. نمونهٔ روشن و که نحوهٔ برخورد با آنها و کیفیت مجازات آنها از جانب رژیم امری ضدبشری بوده است. زیرا فرض و اصل انسانی اینست که حتی چنایتکار را هم نمی‌توان با شیوه‌های چنایت‌آمیز مجازات کرد. چند روز پیش آخوند مشکی از بنیانگذاران این نظام جهل و جنون و چنایت، و سخترانی به‌اصطلاح نمازجمعه قسمتی از این‌گونه برخوردهای ضدبشری را توضیح می‌دهد. وی احکادات خلاف موازین بشری رژیم را جزء افتخارات نظام می‌شمارد و از جمله چنین می‌گوید: «...این‌جا آدم ارزش جمهوری اسلامی را بی‌برد و به‌درگاه خدا شکر می‌کند که وقتی دستگاه سلطنتی پهلوی منقرض شد دیگر نگردند»

این اولین باری نیست که یکی از سردمداران نظام چنین اقرار می‌کند، آن‌هم با افتخار. و مسلماً تا اینها بر مرکب قدرت سوارند، نه از

دامنهٔ جنایتانشان کاسته خواهد شد و نه از افتخار گردنشان در این موارد. گذشته بدهم. می‌خواهم نشان دهم چیزی را که آخوند مشکینی ابراز داشته است عین حقیقت ولی البته ذرهٔ بسیار ناچیزی از حقیقت جرم و چنایت رژیم آخوندی می‌باشد. قضیهٔ وقتی جالب‌توجه‌تر می‌شود که یکی دیگر از همین گردانندگان سیستم فاسد آخوندی سعی در لاپوشانی این افعال می‌کند. خاطرم هست چند سال پیش عطا مہاجرانی وزیر ارشاد آن‌وقت رژیم، در مجلس ملایان گفته بود برای جلوگیری از واکنش جهانی، احکام سنگسار و دست و پا بریدن و چشم در آوردن را به‌صورت پنهانی اجرا کنند. امروز محمد علی ابطعی معاون آخوند خانی‌و از عناصرو محارم نظام، به‌گونه‌یی دیگر برای پنهان کردن دستهای چنایتکاران واکنش نشان می‌دهد و البته هدف یک چیز بیشتر نیست و آن‌هم بیرون بردنشان از زیر ضرب آخوند ابطعی در عکس‌العمل نسبت به حقیقت‌گوی آشکار آخوند‌مشکینی می‌نویسد:

«آیت‌الله مشکینی در نماز جمعه گفته است این‌جا آدم ارزش جمهوری اسلامی را بی‌برد و همکاری نمی‌کرد. چرا؟ زیرا اگر به‌درگاه خدا شکر می‌کند که وقتی

مقالات

از حقیقت‌گویی آخوند مشکینی تا وقاحت آخوند ابطعی

حمشید پیمان

سر سوزنی صداقت، توأم با دلسوزی برای حقوق‌بشر می‌داشت، طی این سالها یکبار، آری فقط یکبار در برابر جنایات ارتكابی یارانش و موضعگیرهای ضدبشری آنها و در صدرشان، خمینی، ابراز مخالفتی یا عکس‌العملی حتی انتقادآمیز از او بروز می‌کرد.

این آخوند فرمان صریح و کتبی خمینی مبنی بر قتل زندانیان سیاسی در مرداد ۱۳۶۷ را ندیده‌است؟ یقیناً دیده‌است و حتماً برای آن تبلیغ هم کرده‌است. آخوند ابطعی از راه دغلکاری به آخوند مشکینی خرده می‌گیرد. چرا؟ زیرا ارباب بزرگ او، خمینی در آذر ۱۳۶۰ در جریان یک سخنرانی، خیلی روشن و بدون هیچ‌گونه ابهامی فرمان به کشتار زندانیان می‌دهد. همان فرمانی که هفت سال بعد فرموله گردید و در مورد هزاران زندانی سیاسی مجاهد و غیر مجاهد به‌اجرا گذاشته شد و همه گردانندگان نظام و اصحاب خمینی سربریده شدن حقوق بشر به‌وسیله به‌طور مستقیم و چه با سکوتشان از آنرا مورد تأیید قرار دادند. خمینی به‌مناسبت سالگرد تأیید پیغمبر اسلام در آذر ۱۳۶۰ می‌گوید:

«...در حبسهای ما هم بیشتر از این

اشخاص هستند که مفلسدند. اگر ما اینها را نکشیم، هر کدامشان که بیرون می‌رود آدم می‌کشد. آدم نمی‌شوند اینها. شما علما چرا فقط سراغ احکام نماز و روزه می‌روید؟ چرا بی آیات رحمت را در قرآن می‌خوانید و آیات

قتال را نمی‌خوانید. رحمت مخالفت با خدا می‌باشد. ما خلیفه می‌خواهیم که دست برده حد بزند، رجم کند... با چند سال زندان کار درست نمی‌شود. این عواطف بچه‌گانه را کنار بگذارید. ما معتقدیم مجرم اصولاً محاکمه ندارد و باید او را کشت. تنها باید هویت آنان را ثابت کرد و بعد آنها را کشت.

اینها نه کلام آخوند مشکینی، که

نظر و حکم به‌اجرا درآمدهٔ خمینی هستند. این دیدگاه ضدبشری و چنایتکارانه ۲۷ سال است که بر ایران مسلط است و از مردم ایران قربانی می‌گیرد. با‌یزک گرد کردن نمی‌توان چهرهٔ کبریۀ آن‌را موجه ساخت. آن حقیقت بیان شده به‌وسیله آخوند مشکینی را نمی‌تواند تا وقاحت آخوندابطعی پوشیده و پنهان ساخت. کسانی که با لطافت‌الحیل به‌مشافه‌گری این رژیم می‌پردازند در حقیقت می‌خواهند دستهای آلوده خود را پنهان کنند. ولی این امر امکان ندارد. این همه چنایت در این ۲۷سال را اجته و شیاطین در ایران مرتکب نشده‌اند. همهٔ سردمداران و مسئولان دست‌اول نظام بلااستثا در ارتکاب این جنایات شریکند. حتی توبه‌کنندگان و اعراضی‌کنندگان نیز باید برای همراهیهای گذشته خود، پاسخگوی مردم ایران باشند.

مجاهدین سدی محکم در مقابل بنیادگرایی اسلامی در جهان

تولویوزر را روشن کردم، کشف زندان مخفی عوامل رژیم در وزارت کشور عراق و زندانی و شکنجه شدن ۱۷۰۰ نفر، که بعضی به‌طور وحشتناکی شکنجه شده بودند، در صدر خبر بود. تصاویر تکان‌دهنده‌یی که دل هر انسانی را به‌در می‌آورد. تصاویری که از جنس جنایات رژیم ولایت‌فقیه بود. در کنار زندانیان شکنجه‌شده جنازهٔ ده‌ها نفری که دستشان از پشت بسته و گلوله به‌سرشان شلیک شده بود در گودالی نشان داده می‌شد. همراه با این تصاویر وحشتناک، تصاویر مجاهدین خلق حسین پویان و محمدعلی زاهدی، با چهرهٔ مصمم و خندان در حافظه‌ام عبور می‌کنند. با خود می‌گویم، واقعاً روزگارغریبی است، در هر عمل ضد انسانی رژیم، نشان‌دهندهٔ اولین هدف هستند، از طرف دیگر مجاهدین اولین افشاگر جنایات رژیم بوده و هستند. آنان از اول برعلیه ارتجاع هار خمینی و تروریسم و بنیادگرایی اسلامی‌اش قیام کردند و از روز اول گفتند دشمن مردم ایران ارتجاع است. درحالی‌که ضد امپریالیسم می‌ساخت و خاک به‌جانبات رژیم می‌پاشید، مجاهدین با هدف قراردادن ارتجاع به‌روشنگری پرداختند. البته از همان روز اول باید به‌یاش را نیز می‌پرداختند. درود بر مسعود دژمیر مجاهد مقاومت که در همان ماههای اول در نشریهٔ مجاهد به‌خوبی بحث ارتجاع را باز کرد و نگذاشت به‌جانبات رژیم پوستین ضدلیبرالیسم و ضدامپریالیسم بپوشانند و مبارزهٔ مردم را منحرف نمایند. خمینی، دشمن حرت و نسل مردم ایران نیز، دشمن اصلی خود را به‌طور شناخته بود و به‌طور پنهان و آشکار آنان را مورد تهاجم ارتجاعی خود قرار

می‌داد. خمینی در جریان امجدیه گفت، دشمن نه آمریکا و نه شوروی است، دشمن در همین‌جا در بغل گوشمان است. بهشتی چشم و چراغ و مهرهٔ اجرایی خمینی نیز می‌گفت: هی نگویید ارتجاع ارتجاع، تا چماق نخورید! در صحنهٔ بین‌المللی نیز مجاهدین و شورا با افشارگرهای خود و چهره‌واقعی رژیم بنیادگرا و تروریسم خمینی را برای جهانیان افشا کردند و تا به‌حال ۵۲ بار از طرف ارگانهای حقوق‌بشر سازمان ملل متحد محکوم گردیده‌است. رژیم تروریست و ضدبشر ولایت‌فقیه در خارج از کشور نیز با بیش از ۱۵۰ عملیات تروریستی علیه مجاهدین و شورا، خشم خود را ازافشارگرهای مقاومت نشان داده‌است. فروزان آزادی در هم شکسته شد. در جریان این تهاجم، شهروندان فرانسوی در اور و دیگر شهرهای فرانسه به‌حقانیت مجاهدین و شورای ملی مقاومت بیش از پیش پی‌بردند و همراه با اعلام همبستگی خود، قدمهای عملی در افشای توطئه‌های رژیم برداشته و از مجاهدین و مقاومت ایران حمایت کردند. در دوسال گذشته، به‌رغم توطئه‌های بسیار پیچیده و سهمگین رژیم شهر شرفین و قلب تپندهٔ مقاومت شهر شادش آشف، مجاهدین در عراق هم‌چون سد محکمی در برابر بنیادگرایی ایستادند و مداخلات رژیم را در کلبهٔ صحنه‌ها در عراق افشا نمودند. در نتیجهٔ این کارزار، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از شهروندان عراق همراه با ده‌ها سازمان و انجمن عراقی، همبستگی و همبستگی خود را با مجاهدین اعلام کردند و تأکید کردند که علیه اشغالگر پنهان عراق،

مکش پهلوی مردم ایران از دامن آخوندهای چنایتکار آویخته‌اند و در مقابل به‌محدود نمودن مجاهدین دشمن بنیادگرایی اقدام نمودند. در ادامه شاهد بودیم که چگونه با رژیم بنیادگرای هار و پدرخواندهٔ تروریسم بین‌المللی همراه شدند و با سهمگین‌ترین بمبارانها کمر به‌تابودی مجاهدین اتی‌تر بنیاد گرایی، بستند. خوشبختانه با پیش‌بینیهای داهانهٔ آقای مسعود رجوی و مسئولین مجاهدین، این توطئهٔ مشترک با شکست روبرو شد. سپس توطئهٔ رژیم در پاریس در بزرگترین تهاجم پس‌از جنگ فرانسه در حمله به‌باشگاه رئیس‌جمهور فرانسه به‌حقانیت مجاهدین و شورای ملی مقاومت بیش از پیش پی‌بردند و همراه با اعلام همبستگی خود، قدمهای عملی در افشای توطئه‌های رژیم برداشته و از مجاهدین و مقاومت ایران حمایت کردند. در دوسال گذشته، به‌رغم توطئه‌های بسیار پیچیده و سهمگین رژیم شهر شرفین و قلب تپندهٔ مقاومت شهر شادش آشف، مجاهدین در عراق هم‌چون سد محکمی در برابر بنیادگرایی ایستادند و مداخلات رژیم را در کلبهٔ صحنه‌ها در عراق افشا نمودند. در نتیجهٔ این کارزار، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از شهروندان عراق همراه با ده‌ها سازمان و انجمن عراقی، همبستگی و همبستگی خود را با مجاهدین اعلام کردند و تأکید کردند که علیه اشغالگر پنهان عراق،

رژیم، با مجاهدین در یک جبهه می‌باشند. باید تصریح نمود که در هرکجا وجدان مردم کشورهای جهان امکان تلاقی با اهداف مجاهدین مقاومت را نداشته‌اند، به‌حقانیت و صحت روشهای مبارزاتی مقاومت ایران تأکید کرده‌اند و به‌باری شافته‌اند. اما، دولتهای معامله‌گر گوشهای خود را به‌هشدارهای مقاومت بستند. دو سال قبل خاتم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در پیام به‌کنفرانسی در انگلستان تأکید کردند که بنیادگرایی اسلامی صدها بار خطرناک‌تر از بمبهای اتمی رژیم می‌باشد. متأسفانه بازهم آنان که دنبال معامله با رژیم بودند خود را به‌تجاهل زدن و راه مماشات را ادامه دادند. در واقع اگر با رژیم تروریست و پدرخواندهٔ تروریسم جهانی مماشات نمی‌کردند، بسیاری از خونهای مردم بی‌گناه که در دوسال گذشته در عراق و در اروپا به‌زمین ریخته شده است، به‌زمین ریخته نمی‌شد. در این روزها مردم جهان از اخبار مربوط به‌عملیات ترورستی وزارت اطلاعات رژیم در وزارت کشورعراق به‌شدت شوکه شده و ابراز تنفر می‌کنند. در این‌جا باید تأکید نمود که پس از ربودن دومجاهد خلق در مرداد ماه امسال، مجاهدین در افشای زندانهای مخفی وزارت اطلاعات و نیروهای بدر و نهایتاً کشف این مرکز شکنجه نقش مهمی داشته‌اند.

وقتی نگاهی به۲۷سال قبل تا به‌حال بیندازیم، می‌بینیم که مجاهدین و جنبش مقاومتی در داخل و در خارج از ایران با رژیم جنایت ولایت‌فقیه، در یک



نصرالله اسماعیل زاده

جنگ رو در روی همه‌جانبه‌بوده‌اند. در پیام به‌کنفرانسی در انگلستان تأکید کردند که بنیادگرایی اسلامی صدها بار خطرناک‌تر از بمبهای اتمی رژیم می‌باشد. متأسفانه بازهم آنان که دنبال معامله با رژیم بودند خود را به‌تجاهل زدن و راه مماشات را ادامه دادند. در واقع اگر با رژیم تروریست و پدرخواندهٔ تروریسم جهانی مماشات نمی‌کردند، بسیاری از خونهای مردم بی‌گناه که در دوسال گذشته در عراق و در اروپا به‌زمین ریخته شده است، به‌زمین ریخته نمی‌شد. در این روزها مردم جهان از اخبار مربوط به‌عملیات ترورستی وزارت اطلاعات رژیم در وزارت کشورعراق به‌شدت شوکه شده و ابراز تنفر می‌کنند. در این‌جا باید تأکید نمود که پس از ربودن دومجاهد خلق در مرداد ماه امسال، مجاهدین در افشای زندانهای مخفی وزارت اطلاعات و نیروهای بدر و نهایتاً کشف این مرکز شکنجه نقش مهمی داشته‌اند.

– بیش از این با رژیم مماشات نکنید، هر چسب ظالمانهٔ ترورستی را از مجاهدین بردارید، – مانع را از سر راه مجاهدین این مقابل انسانی بی‌بدیل جهانی در مقابل بنیادگرایی بردارید، تا مقاومت و مردم ایران، این دشمن بشریت را به‌زباله‌دانی تاریخ بیندازند و جهانی را از شر این خطر رها سازند. درود بر بازوی پراقتدار مقاومت، رزمنده شیران شهر شرف آشف .

بود حتی تخلیه و آنگاه هم که خیلی ساده و مکانیکی است بایستی توسط کارگر انجام شود.

در گوشه‌یی از این تونلها و چاهها دستگاه سنگ‌شکن قرار دارد که سنگ‌ذغال‌سنگ را خرد کرده و برای بارگیری و استفاده آماده می‌کند. این دستگاه قدیمی و به‌صورت هفتگی جان کارگران را می‌گرفت و تلفات آن به یک امر عادی در باب نیزو تبدیل شده بود. سنگها با وانگهای تخلیه روی ریلهای دستگاه ریخته می‌شد و یخنی از آن که کوچکتر بود از میان ریلها به‌داخل یک قیف بزرگ وارد می‌شد تا وارد آسیاب شود. یخنی از سنگها که بزرگتر بود روی ریلها گیر می‌کرد و کارگران بایستی با ضربات پتک به سنگها آنها را خرد کرده و از ریل عبور می‌دادند.

گاهی وقتها کارگر به دلیل خستگی یا هر مشکل ساده دیگر طعمهٔ قیف می‌شد و همراه با سنگها از دستگاه عبور می‌کرد. آن‌قدر این امر عادی شده بود که هر چندروز یکبار همه منتظر چنین خبری بودند. با یادآوری این خاطرات به یاد آن جان‌باختگان و آن دسته از سوگوارانی می‌افتم که هر روز خبر تازه‌یی از بدبختیهایشان می‌شوم. یاد آن مردم ستهدیده که در انتظار موکب آزادی هستند و با یادآوری رنجها و دردهایشان و تک‌تک‌شان احساس می‌کنم که حضور امروز من در آشف، شهر آشف و حساسه و اجترین کار و تعهد شدی من است. چرا که بهترین روزنهٔ امید این خلق ستمدیده است.

صفحة ۱۳

شمارهٔ ۷۷۷ – سه‌شنبه ۱۳۸۴ آذر

قطعات یک موزاییک

رحمان کریمی

با مردان بشین و به‌مردی، دشمن باش!

عامل تربیت و تأثیر‌گذاریهای محیط و شرایط اجتماعی وحتی نوع آب و هوا یا تندرستی وعدم تندرستی، جملگی روی اخلاق و خلق و خوی و منش آدمی‌اثر مستقیم دارند واین، غیرقابل انکار و چانه‌زدن است. اما عامل ژنتیکی که قدما بدون شناخت علمی، از آن به‌عنوان «ذات»، «سرشت و طینت» یاد می‌کردند؛ سهم عمدیهی درشکل‌دهی منش انسانی را به‌عهده دارد. جهان‌بینی مارکسیستی تمامی کتش و واکنشهای انسانی را صرفاً به‌شرایط محیط اجتماعی تبیین و تعریف می‌کرد. حال آن‌که علم و تجربه‌یابانگر این امر است که دریک شرایط یکسان و مشترک، آمدها واکنشهای متفاوت و نابرابر نشان می‌دهند. به‌طور مثال یک وزنهٔ سنگین معین را روی دست چند نفر با وزن بدنهای مختلف قرار می‌دهیم. در این آزمایش می‌توان مشاهده کرد که یک نفر با عضلات ورزیده‌تر و وزن بدن بیشتر ممکن است مدت تحمل وزنه را کمتر از کسی داشته باشد که تحت شرایط جسمانی او در مرتبهٔپای‌تری قرار دارد. شخص اخیر کمبود وزن و نیروی فیزیکی بدن را با چه چیز جبران کرده است؟ مسلماً با اراده، استقامت، تحمل درد و فشار برای پیروز شدن.

نا‌توانی در تحمل و شکستن و بردن امری ست عادی و غیرقابل دعوا و مرافعه. اشکال و ایراد آن‌جاست که شخص بریده نخواهد حقیقت را بپذیرد و آن‌را بیان کند. هستند کسانی که متوسل به‌انواع بهانه‌جوییها و علت‌تراشهای می‌گردند. غرور و متنت مانع از آن می‌شود که به‌ضعف و ناتوانی خود اعتراف کنند. مصداق این امر هم در مثالها و انواع دیگر هم می‌توان جستجو کرد. دو نفر از پی سالها دوستی و رفاقت، از هم جدا می‌شوند. این جلابی یا پی‌سروصدا و بدون کشاکش خیاست بود و یا با جارو و جنجال و اتهام زدن. عنصر نزاحت و کینه‌توز حاضر نیست حتی یک تقصیر را متوجه خود بداند. او همهٔ کاسه کوزه‌ها را بر سر قیف پیروز خود می‌شکند. دنیایی معایب و اشکالات را در او جمع می‌کند و جار می‌زند تا خود را برحق نشان دهد. برای بدنام کردن طرف، با بی‌انصافی تمام به‌راه مبالغه و جعل و تحریف حقایق می‌رود. به‌آشنایان مشترک می‌گوید که او این حرفها را می‌زند تا دیگران به‌دام آن مزور نیفتند. هر اندازه که سرشت‌بیست و شریر وی‌بیا و شرم باشد در خراب کردن دوست دیروزش، ولی سیری‌ناپذیر و انتقام‌جویانه نشان می‌دهد. برای مزوری و بدنام کردن به‌همه چیز متوسل و همه‌جا را زیر پا می‌گذارد. به‌راستی جز نهاد ناپاک چه چیز می‌تواند عامل محرکهٔ این همه کینه‌توزی و خانت و بی‌معرفی باشد؟ هم‌چنین در نظر بگیرید زوجی را که سالها محرم و محرم و غمخور هم بوده‌اند و به‌هر دلیل از هم جدا شده‌اند. مردان و زنانی هستند که حق الفت و مجالست سالها را پاس می‌دارند و آن را به‌زهر کینه و بدنامی آلوده نمی‌کنند. و دیگرانی هستند که چشم و دل را برهم رانند و به‌دروغهای یک‌جانبه، هفت محله را جار می‌زنند. در مناسبات و پیوندهای اجتماعی از این پدیده‌ها بسیاراست. در احزاب و سازمانهای سیاسی و نظامی، تاریخ شواهد فراوانی به‌یاد دارد.

مشتی مزور رژیم ملایان حاکم را افتاده‌اند به‌این سرو آن سر دنیا تا مجاهدین خلق و ارتش آزادیبخش را به‌حساب خام خودشان خراب کنند. این تقاله‌های زباله‌دانی دستگاه اطلاعاتی آخوندهای حاکم فکر نمی‌کنند که وقتی خود رژیم با تمامی امکانات مادی و نظامی و اطلاعاتی و دیپلوماتیک خود تواناند از عهدهٔ بر آید، از آنان چه بخواسته است؟ اگر ناظر بی‌طرف و بی‌غرضی دقت کند، متوجه می‌گردد که آنها مدتی کاملاً کم فعالیت و در مرحله‌یی که نیاز مرم رژیم را در مرتبهٔبالا می‌شوند، هر افشاگری هر قدر هم که ضروری باشد بالاخره مدتی دارد. این تقاله‌ها سالهاست که آن‌چه از جعل و دروغ شناخته‌اند به کرات گفته و نوشته و در شش گوشهٔ جهان جار زده‌اند. تا کسی دوش به‌جایی بند نباشد، تا مأمور و معذور نباشد یکبار نیست که پیوسته کارو بارو زندگیشان را زمین بگذارد و این‌جا و آن‌جا بالا آورده‌های پیشین را مجدداً ششخوار کند. یک طفل دبستانی هم که از حداقل هوش برخوردار باشد می‌تواند بفهمد که عمل چنین عناصری عادی نیست. می‌تواند بفهمد که ترتیب‌دندن مجالس متعدد در گوشه و کنار و دور و نزدیک جهان خرج دارد. پرواز با هواپیما، استفاده از سالن هتلها برای برگزاری کنفرانس بودجه می‌خواهد. چاپ کتاب، جزوات و نشریه و انواع نشریه‌های رنگین و چاپ اعلان مکانی تمام نمی‌شود. آخر یک کامیاب، دوسال و پنج سال نیست تا بگویم از یک پیمپ و عرق جبین یا پارت یا مرابط‌پداری و یوباره می‌شود! چه روزگار قشنگ و آنتیک و خاتنان و خادمان دستگاه اطلاعاتی ملایان رسوا راه بعضی از «مبارزان بی‌مثال!» خارج کشور؛ تروخشکی می‌کنند. رهنمود می‌دهند. روابط عمومی آنها می‌شوند. آنان اگر واقعاً ضد رژیم فاشیستی ملایان بودند، هر چند با مجاهدین خلق و رزمندگان شهر اشرف دشمنی داشتند، حاضر نمی‌شدند که فرستادگان مزور چنان نظامی را پذیرا گردند. تاریخ مبارزات بشری می‌گوید که دراین موارد خط قرمزی وجود دارد که عدول از آن بمعنی نزدیک شدن به‌دشمن مشترک است. مخالفت و مقابله با یکدیگر تا آن‌جا مشروع است که به‌نفع رژیم استبدادی حاکم تمام نشود. من نمی‌توانم آنان را که در تبلیغات رژیم علیه مجاهدین خلق همراهی می‌کنند، و همصدایی می‌کنار و دور و نزدیک جهان قلم کنم. این یک حساب دو دو تا، چهارتاست. این عناصر و طیفها بیش و پیش از آن‌که رقیب سرسخت خود یعنی مقاومت ایران را خراب و بدنام کنند، خودشان را برای تبارخ تاریخ ایران و نظار جبهه‌ی بدنام و مشکوک می‌سازند. بعضی از مقوله‌ها ربطی به‌حقیقت و ایدئولوژی و با پایگاه سیاسی ندارد. به‌بیان ساده و تجربی مردم می‌گویند که مثلاً: «فلاتی فلزش خراب است» این فلز چه هست؟ همان ذات و طینت و سرشت و لذی، و از باز: «عاقبت گر گزند از گرد نهد

نمی‌دانم دلم بسوزد یا نسوزد به‌حال آن فلک‌زده‌هایی که میزبان گرگان و گرگان در پوست میش رفت، می‌شوند و ذره‌یی هم شرم و مروت نمی‌کنند. در دشمنی هم باید جوانمرد بود.

تاریخ خودمان می‌گوید که جلال‌الدین خوارزمشاه وقتی خود را در محاصره و تیررس چنگیزخان مغول و سپاه او دید، سواره پراسب خود را در رود سیحون انداخت. سپاهیان مغول خواستند او را هدف قرار دهند. چنگیز مانع شد و گفت او سرداری دلیر و مقاوم است. مردانه نیست که او را در آب هدف قرار دهیم. بگذارید از رود بگذرد و آن‌گاه به‌تغییش شلیک کنیم. چنگیز با همهٔ بی‌رحمی و خونخواری و خوی تجاوز و غلبه استیلاجویی از یک صفت مردانگی هم برخوردار بوده است که لاقال به‌گهگاه در او جرقه می‌زده است و درعیا از امروز و مدعیان امروز. و چنین است که من می‌گویم اگر مخالف و دشمن هستی، باش اما با مردان بشین و به‌مردی، دشمنی کن.

عمو یادگارا! خوابی با بیدار؟

لا‌باد تا کنون از زندان مخفی و محسوس ابادی رژیم فاشیستی ملایان حاکم بر ایران، در عراق که اخیراً بر صدام کشف شده؛ مطلع شده‌اید و دیگر لزومی به‌شرح و بسط فجع و ضد انسانی آن نیست. کشف این زندان و بدن‌شدت شکنجه زندانیان بی‌گناه آن هشدار و به‌صدا در آمدن ناقوس مرگی ست که اگر جهان جز به‌رغ و زلف نی‌گذرد باید پیامدهای موحن آن را نیز برای فردای خود در نظر بگیرد. زندان بزرگ ایران زمین کم بود که عراق هم عرصهٔ بیدارگرهای مثنی تبهکار دولتمردان جهان، کسی هست که ملایان حاکم بر ایران را چه هست؟ مقاومت رنج‌دیده و سرفراز ایران قریب ربع قرن است که در چهارسوی جهان این قانون را فریب داده است و به‌گاه همین فریاد و هشدارها بوده که در لیست ترورستی! قرار گرفته. قلم‌دران جهان خونهای به‌ناحق ریخته را سالها نادیده گرفتند، زجر و رنج و تحقیر یک ملت سربلند را نادیده انگاشتند و امروز به‌نظر می‌رسد که به‌سناک بسب اتم چنایتکاران هستند. شکست بیست و چهارم نوامبر در وین، روز آزمون بزرگ است . اگر کشتن تاریخ ریهگاری ریز و درشت باشد، پروندهٔ رژیم به‌شورای امنیت خواهد رفت و گر نه، هم‌چنان به‌صد بهانه، بازی ادامه خواهد یافت. اما این بازی با آتش است و آتش تر و خشک را با هم می‌سوزاند. به‌چنان دموکرات، به‌چنان ستمدن، به‌چنان عادل و شاهد و غالب باید گفت:

«عمو یادگارا خوابی یا بیدار؟»

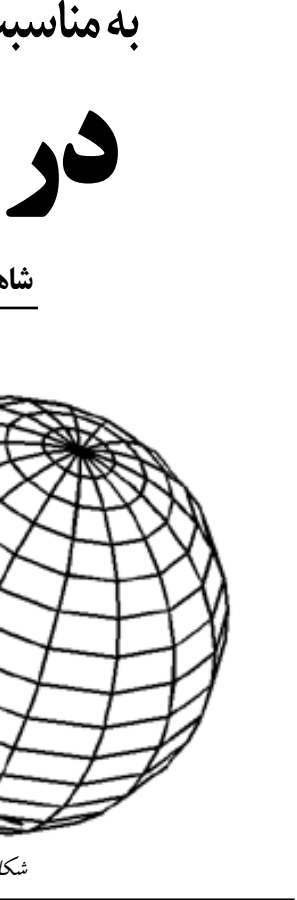
ممکن است از خود سؤال کنید چرا بحث را به هندسه و خواص ابتدایی دایره‌ها رسانده‌ایم و مگر رابطهٔ مستقیمی بین هندسه و بحث تئوری نسبیت عام وجود دارد؟ شما انگشتش بر روی قلب مسأله گذاشته‌اید. تئوری نسبیت عام داستان کشف رابطهٔ فیزیک با هندسه است.

حالا به اندازه‌گیریهای محیط و قطر دوایر کوچک و بزرگ در سفینهٔ استوانه‌یی شکل باز می‌گردیم. اما این بار در حالی که سفینهٔ ما در حال چرخش به حول محور خویش است، این اندازه‌گیریها را تکرار می‌کنیم. البته در اثر شتاب ناشی از این چرخش، احساس می‌کنیم که به سمت دیوارهٔاستوانه پرتاب می‌شویم. اگر حرکت چرخشی به اندازهٔ کافی باشد می‌توانیم بر سطح دیواره استوانه بایستیم و سفینهٔ در حال چرخش ما، مانندزمین خواهد بود. این گونه‌جاذبهٔ مصنوعی هم اکنون جهت استفاده در فضا، توسط دانشمندان مطالعه می‌شود. در این‌جا یک یادآوری در خصوص اندازه‌گیری طول اجسام در حال حرکت ضروری به نظر می‌رسد. حتماً به خاطر دارید که در تئوری نسبیت خاص طول اجسامی که باسرعتی ثابت درحرکت هستند،

کوته‌تر می‌شود. مثلاً اگر حلقهٔ دایره شکلی در یک جهت به سرعت حرکت کند، آن حلقه در جهت حرکت کوتاهتر شده، و در نتیجه بیضی شکل خواهد شد. توجه دارید که شکل این دایره در جهت عمود بر جهت حرکت هیچ تغییری نمی‌کند، چرا که در آن جهت ساکن است. اما به همین دلیل حلقهٔ دایره شکل موازی با مسیر حرکت، به بیضی تغییر شکل می‌دهد. در مورد حرکت چرخشی استوانه، جهت حرکت، موازی محیط دایره است ولی بر قطر آن دایره عمود است. سرعت حرکت برای دوایر کوچکتر کمتر و برای دوایر بزرگتر بیشتر است. در این استوانه، هرچه به محور آن نزدیکتر می‌شویم حرکت چندانی نخواهیم داشت و سرعت ما کمتر خواهد بود، ولی وقتی به بدنهٔ استوانه بچسبیم سرعت ما در بیشترین حد خواهد بود.

از آن جایی که حرکت به موازات محیط و در جهت عمود بر قطر دوایر است، نتایج اندازه‌گیری محیط دوایر، از نتایج حاصل شده از اندازه‌گیری در حالت سکون کمتر است و این در حالی است که نتیجهٔ اندازه‌گیری قطر این دوایر با نتایجی که از اندازه‌گیری قطر در حالت سکون به دست آمده است، برابر است. ولی از آن جایی که سرعت دایرهٔ بزرگتر، از دایرهٔ کوچکتر، بیشتر است، کاهش محیط برای دایرهٔ بزرگ، در مقایسه با دوایر کوچکتر،بیشتر است.

مشاهده خواهید کرد که تناسب محیط به قطر این دوایر، در حالت حرکت، عددی نبی خواهد بود و میزان



اختلاف آن به بزرگی آن بستگی دارد. در دوایر کوچکتر که تقریباً ساکن هستند، تناسب محیط به قطر، به عدد پی بسیار نزدیک است، ولی نسبت محیط به قطر در دوایر بزرگتر، از عدد پی کمتر خواهد بود. شاید از خود سؤال کنید چطور چنین چیزی امکان‌پذیر است.

شکل شمارهٔ ۱، دوایر مختلفی را بر سطح یک کره نشان می‌دهد. این دوایر از خواص دوایر در حال حرکت برخوردارند. یعنی تناسب محیط به قطر این دوایر عدد پی نخواهد بود. پس تعبیر نتایج آزمایشهای ما چیست؟ به نظر می‌آید که ابعاد مکانی در اثر جبهتهای عمود بر آن، در ابعاد مکانی قوسی به وجود نمی‌آید و مسطح است. اگر همین آزمایش فکری را برآ آن جایی که دو ساعت که در محل تقاطع قطر با دوایر کوچک و بزرگ قرار داده‌شده‌اند انجام دهیم، خواهیم دید که زمان در دایرهٔ بزرگتر، از زمان در دایره کوچکتر کندتر خواهد بود. این به دلیل سرعت بیشتر دایرهٔ بزرگتر است و هر دو این ساعتها از دایرهٔ ساکن کندتر هستند. پس بعد زمان نیز مانند بعد مکان قوس برمی‌دارد. این تصویر کمی ثقیل است، ولی شکلی کاملاً منطقی دارد. بنا به این تصویر، قوس برداشتن و انحای ابعاد زمانی – مکانی، شتاب به وجود می‌آورد. البته این فقط یک تشبیه است و برای ابراز دقیق آن باید به ریاضی متوسل شد. ولی این تشبیه و استعاره مفید است،

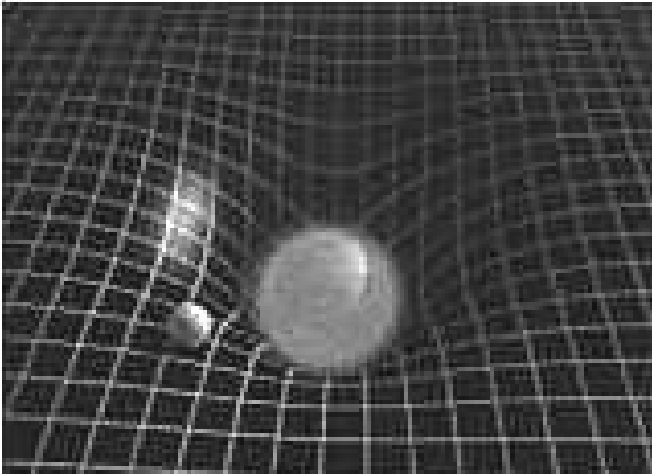
چرا که امکان تصور این موضوع را می‌دهد. تشبیه و استعاره هیچ گاه به خوبی تصویر فیزیکی نیست و راهگشایی آن نیز کمتر است. از آن جا که بر اساس اصل تشابه، شتاب و جاذبه یکسان هستند، بر تصویری که بتواند شتاب را به نمایش بگذارد، می‌تواند تصویری لازم و کافی برای توضیح جاذبه هم باشد. پس باید قادر باشیم جاذبه را با انحای و یا قوس در ابعاد مکانی – زمانی به تصویر کشیم. یعنی این که اجماع ابعاد زمانی – مکانی پیرامون خود را قوس می‌دهند و این قوس به اجسام دیگری که در مدار آنها قرار می‌گیرند، شتاب خواهد داد. اجسام دیگری که به محدودهٔ زمانی و مکانی وارد شده باشند که قوس برداشته است، متناسب با انحای این بخش از زمان و مکان شتاب می‌گیرند و مسیری را دنبال خواهند کرد که توسط آن انحای به آنها دیکته می‌شود. یعنی اجرام تاروپود زمان و مکان را قوس داده و اجسام بر طبق این انحای مسیر مشخصی را طی خواهند کرد که به سرعت اولیهٔ آن اجسام بستگی دارد. اگر جرمی در فضا نباشد و خلأ کامل وجود داشته باشد، زمان و مکان مسطح خواهند بود. برای ذره‌یی که در این منطقه از زمان و مکان قرار دارد شتابی متصور نخواهد بود و در خط مستقیم با سرعتی ثابت حرکت خواهد کرد.(قانون اول نیوتن).

به این ترتیب سعی کردیم با استفاده از تشبیه انحای ابعاد زمانی و مکانی به سطح یک کره، در مورد آنچه اتفاق می‌افتد توضیح دهیم. البته هر سه بعد مکان قوس برمی‌دارند، و علاوه بر آن

به مناسبت سال فیزیک و صدمین سالگرد «نظریه نسبیت»

در مسیر یگانگی (۷)

شاهین توتونچی دکتر فیزیک ذرات اولیه از دانشگاه ماساچوست



شکل ۲

بعد زمان نیز قوس برمی‌دارد. در اینجا تشبیه و استعاره به حد خود می‌رسد، اما باید توجه داشت که در اساس این تئوری تماماً هندسی است. اگر چه این هندسه با هندسهٔ دوران دبیرستان متفاوت است.

اگر چه بدون ریاضی ابزار دیگری برای توضیح این تئوری نداریم، اما سعی می‌کنیم زبان استعاره را کمی گسترده کنیم و به همین زبان، این تئوری را شرح دهیم. به شکل ۲ نگاه کنید. این تصویر انحای در ابعاد زمانی – مکانی توسط خویش را نشان می‌دهد. علاوه بر این، حرکت زمین به دور خورشید، که از این انحای حاصل شده است را تصویر می‌کند. بر اساس این تصویر، شکل هندسی اجماع ابعاد زمانی مکانی را انحای می‌بخشند و جاذبه دو جرم از این قوس و انحای حاصل می‌شود.

اینشتین نیز تصاویری از این نوع جاذبه و حرکت سیارات را در نظر داشت. اما کار علم با تشبیه و استعاره پیش نمی‌رود. تمامی آن تشبیه‌ها و استعاره‌ها باید به طور دقیق به زبان علم که همان زبان ریاضی است، بیان می‌شد. این ریاضیات توسط ریمان، قبل ابداع شده بود. ریاضی و هندسه ریمان حتی برای اینشتین نیز پیچیده بود. او توانست معادلات تئوری نسبیت عام را فرموله کند. این یکی از موفقیت‌های اینشتین بود.

یکی از پیش‌بینیهای تئوری نسبیت عام، درباره جهان است. بر طبق این تئوری، جهان در حال انبساط است. این پیش‌بینی برای اینشتین

نیز باور کردنی نبود. چرا که او فکر می‌کرد که جهان ثابت است. از همین رو معادلات خود را تغییر داد تا به جای انبساط جهان، جهانی ثابت حاصل شود. اما هابل، اخترشناس آمریکایی، با مشاهدات خود نشان داد که جهان

به درستی در حال انبساط است. به ترتیب معادلات اینشتین در شکل اول خود صحیح بود و اگر خود او به نتیجهٔ این معادلات باور داشت، انبساط جهان را پیش‌بینی کرده بود. اینشتین این را بزرگترین اشتباه زندگی خود قلمداد کرد. به دنبال این مشاهدات که جهان در حال انبساط است، این سؤال پیش آمد که اگر به عقب برگردیم، جهان باستانی بسیار متفصلتر از حالت کنونی باشد. چون سرعت انبساط آن قابل اندازه‌گیری است، با استفاده از تئوری نسبیت عام می‌توان عمر جهان را تعیین کرد. بر اساس

این تئوری، کمی‌ش از یازده میلیارد سال پیش، این جهان از یک حجم بسیار کوچک تولد یافته است، و از زمان تولد همواره منبسط شده است. تئوری اینشتین توانست به علم جهانی شناسی تبدیل شود. به وسیله این علم تئوری نسبیت عام به تئوری یگانگی می‌شد. این ریاضیات توسط ریمان، تبدیل شد که تولد، بلوغ و مرگ جهان را توضیح می‌داد. البته جزئیات این داستان هنوز در حال تکوین است و کسی به درستی نمی‌داند که آیا این جهان مرگی خواهد داشت یا نه.

یکی دیگر از پیش‌بینیهای تئوری نسبیت عام، انحای نور توسط نیروی جاذبه است که این نیز به وسیله مشاهدات تأیید شد. دید مشاهدات که توسط این تئوری توضیح داده

شد، گردش سیارهٔ ناهید به دور خورشید است که کند و در مداری بیضی شکل صورت می‌گیرد. این گردش توسط معادلات نیوتن قابل توضیح نیست، ولی نسبیت عام آن را توضیح داد. یکی دیگر و از عجیب‌ترین پیش‌بینیهای این تئوری توسط شوارتزچایلد، فیزیکدان آلمانی که در آن زمان در دوران جنگ جهانی اول در جبهه جنگ روسیه مشغول حل معادلات اینشتین بود، انجام گرفت.

بر طبق این پیش‌بینی، در جهان پدیده‌هایی به نام حفرهٔ سیاه (Black Holes) یافت می‌شوند. حفره‌های سیاه از مرگ یک ستاره بسیار سنگین و فشرده شدن آن در حجمی که حاصل می‌شود. مثلاً اعتقاد بر این است که در مرکز کهکشان راه شیری، یک حفرهٔ سیاه با وزنی برابر با وزن یک میلیارد خورشید ولی در حجمی کمتر از حجم یک خورشید وجود دارد. برای آنکه جسمی بتواند از این هیولا بگریزد باید سرعتی بیشتر از سرعت نور داشته باشد و چون سرعت نور بالاترین حد سرعت است، هیچ چیز حتی نور هم نمی‌تواند از آن بگریزد. به همین دلیل دیده نمی‌شود و به آن حفره سیاهٔ می‌گویند.

هنگامی که ستاره‌یی طعمهٔ این حفره می‌شود، از تکه‌تکه‌شدن آن گرمای فوق‌العاده‌یی ایجاد می‌شود که به صورت امواج الکترومغناطیسی(اشعه گاما) بسیار قوی نمایان می‌شود. تا به حال چندین نمونه از این نوع پدیده‌ها در آسمان کشف شده‌است و موضوع تحقیقات گسترده دانشمندان است.

حال که صحبت از حفرهٔ سیاه شد جا دارد به بعضی خواص آن نیز اشاره کنیم. همان طور که گفتیم نیروی جاذبهٔ اجرام آسمانی منجر به قوس و انحای زمان و مکان می‌شود. هر قدر که این قوس بیشتر باشد زمان در آنجا کندتر می‌گردد. مثلاً در قلب حفرهٔ سیاه زمان می‌ایستد، چرا که آنها به خاطر جرم بسیار زیادشان زمان و مکان را انحای زیاد داده‌اند و به همین دلیل زمان و مکان در قلب آنها ایستاده است. در نزدیکی این حفره‌ها زمان بسیار کند می‌گردد. اگر فردی بتواند با یک سفینهٔ فضایی به نزدیکی این حفره‌ها برسد و بلیعه و نشود و به مدت یک سال در آن جا به سر بر، زمانی که به زمین برگردد، دهها هزار سال از عمر زمین گذشته است. این شاید به داستانهای تخیلی شبیه باشد. مسلماً چنین تکنولوژی برای ما مهیا نیست ولی این موضوع به لحاظ فیزیکی امکان‌پذیر است. این جهان مملو از عجایی است که علم هنوز آن را کشف نکرده است.

در قسمت بعدی، افول دیدگاه مکانیکی را با بررسی تئوری کوانتوم ادامه خواهیم داد.

ادامه دارد

صفحهٔ ۱۴

شمارهٔ ۷۷۷ – سه‌شنبه ۱۳۸۴ آذر

پس از اجلاس تونس در مورد حاکمیت اینترنت

چشمه‌ما به آینده دوخته شده است



دومین مرحله از اجلاس جامعهٔ جهانی اطلاعات که در تونس برگزار شد. در حالی خاتمه یافت که شرکت‌کنندگان چشم به آینده دوخته‌اند. این اجلاس که از ۱۶ تا ۱۸ نوامبر برگزار گردید، با اعلام موفقیت از سوی شرکت‌کنندگان خاتمه یافت. سازمان ملل متحد، برگزاری این اجلاس را که بر ضرورت تقویت همکاری بین دولتهای جهان تأکید کرده است، گشایشی در «توافق پرس حاکمیت اینترنت» توصیف کرد. در حالی که برخی هیاتهای شرکت‌کننده آن را توافق پرسر آن‌چه که مورد اختلاف نظر است خواندند.

۱۹۴۰۱ شرکت‌کننده از ۱۷۴ کشور جهان و ۸۰۰ گروه شامل نهادهای سازمان ملل متحد، شرکتهای خصوصی، سازمانهای غیردولتی تعهد خود را نسبت به دو سند اعلام کردند. آنها سند تونس، و دستور کار تونس برای جامعهٔ اطلاعاتی، نامیده شدند.

این دو سند بر تعهدات مرحلهٔ اول اجلاس جهانی که دو سال قبل در ژنو برگزار گردید، تأکید کردند. در اجلاس ژنو شرکت‌کنندگان متعهد شده‌بودند که به کشورهای فقیر برای بهره‌برداری از منافع تکنولوژیهای اطلاعات و ارتباطات، یاری رسانند.

این که چه کسی بر اینترنت حاکمیت کند، و چگونه این حاکمیت اعمال شود، دو موضوع اصلی این اجلاس بود. بسیاری معتقد بودند که کنترل از ارگان نیمه‌خصوصی آیکان ICANN، به یک نهاد بین‌المللی منتقل شود.

سیاست آمریکا در این اجلاس در این ضرب‌المثل انگلیسی خلاصه می‌شد: چیزی را که خراب نیست نباید تعمیر کرد. این اجلاس بار دیگر به استمرار حاکمیت آمریکا بر اینترنت رأی داد. درحالی که هیاتهای شرکت‌کننده بی‌اعتمادی خود را از قراردادن این میزان قدرت در دست آمریکا ابراز داشتند. آنها از این که آمریکا می‌تواند خدمات اینترنت به هر کشوری را که بخواهد قطع کند، نگران هستند.

هیاتهای شرکت‌کننده موافقت نمودند که آمریکا برای ۵ سال آینده کنترل بر اینترنت را حفظ کند. اما شورای مشورتی اینترنت نیز زیر نظر سازمان ملل ایجاد گردد. این شورا بر این نظریه بنا شده است که به منظور حفظ ثبات و امنیت و استمرار اینترنت تمامی دولتها باید نقش و مسئولیتی متساوی در حاکمیت اینترنت داشته باشند. این شورا مباحث راهبری اینترنت را پس از پایان اجلاس جامعهٔ اطلاعاتی دنبال می‌کند. نگرانی کشورهای در حال توسعه بیشتر سیاسی است، اما دلایل اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا را در کنار کشورهای کمتر توسعه‌یافته در مقابل آمریکا قرار داده است، از همین رو اتحادیه اروپا پیشنهادهایی برای تغییر شیوهٔ مدیریت اینترنت به اجلاس جامعهٔ اطلاعاتی در تونس ارائه کرد.

بسیاری از شرکت‌کنندگان گفتند مهمترین بخش کنفرانس نمایش لپ‌تاپهای ۱۰۰ دلاری بود که برای کودکان در کشورهای در حال توسعه طراحی شده است.

کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا کتابخانهٔ دیجیتالِ جهانی ایجاد می‌کند



کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا، که یکی از عظیم‌ترین مجموعه‌های مکتوب جهان را در خود جای داده است، روز سه‌شنبه اعلام کر اقدامات اولیه برای ایجاد یک کتابخانهٔ دیجیتالِ جهانی را آغاز کرده‌است. این کتابخانه دربرگیرندهٔ مجموعه‌یی از کتاب، دست‌نوشته، نقشه، پوستر و تمبر خواهد بود که در سراسر جهان از طریق اینترنت به‌صورت مجانی در دسترس خواهد بود.

به گفتهٔ جیمز بیلینگتون، رئیس کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا، این گسترده‌ترین تلاش بین‌المللی است که تاکنون برای قراردادن آثار تاریخی و هنری مهم بر روی اینترنت صورت می‌گیرد. او معتقد است این کتابخانهٔ دیجیتالِ باعث خواهد شد که مردم جهان برای فراگیری و پژوهش، متدنهایی مختلف دیگر نیازی به مسافرت نخواهند داشت و به‌جای آن می‌توانند به نزدیکترین کامپیوتر مراجعه کنند.

بیلینگتون گفت هدف ما این است که از سراسر جهان، آمریکا و اروپا و کشورهای مسلمان از اندونزی تا آفریقا، و از شرق و جنوب آسیا اقلام ارزشمندی را گردآوری کنیم. بیلینگتون گفت: «هدف از این همکاری ایجاد امکانی برای ارائهٔ هویت فرهنگی در سطح جهانی توسط هر فرهنگ می‌باشد. او گفت «ما تاجایی که بتوانیم پیش خواهیم رفت. ما اکنون با خطر تصادم تمدنها روبرو هستیم». او امیدوار است بودجهٔ این ابتکار را بخش خصوصی و بخش عمومی تأمین کند. شرکت گوگل تاکنون ۳ میلیون دلار کمک کرده است. سرژی برین، از رؤسای گوگل گفت او و بیلینگتون حدود یک سال قبل گفتگو دربارهٔ همکاری این شرکت با کتابخانهٔ کنگره آغاز کرده‌اند. گوگل طی یک پروژهٔ آزمایشی حدود ۵۰۰۰ کتاب کتابخانهٔ کنگرهٔ آمریکا را دیجیتال کرده است. این پروژه به‌منظور ارتقای تکنیکهای نسخه‌برداری از کتابهای ارزشمند بدون صدمه زدن به آنها، صورت گرفت.

کاوشگر فضایی ژاپن موفق به فرود بر روی یک سیارک شد

آژانس اکتشافات فضایی ژاپن(جاسکا) اعلام کرد، هابایوسا، کاوشگر فضایی این کشور روز شنبه موفق به فرود بر روی سطح سیارک ایتوکارا شده است.

بر اساس گزارش این آژانس، احتمالاً این کاوشگر فضایی موفق شده‌است که از سطح این سیارک که درفاصله حدود ۲۹۰میلیون کیلومتری از زمین قرار دارد، اقدام به نمونه‌برداری کند.

این برای دومین بار و آخرین بار بود که محققان تلاش کردند که بتوانند فرود در سطح این سیارک را تحقق ببخشند. اولین بار این کاوشگر روز یکشنبه، ۲۰نوامبر به مدت ۲۰دقیقه موفق به فرود در سطح این سیارک شد، اما توانست نمونه‌برداری کند.

اگر این کاوشگر موفق به نمونه‌برداری و انتقال آن به کیسول ویژه شده باشد، این برای نخستین بار است که یک سیارک نمونه‌برداری صورت می‌گیرد. محققان معتقدند نمونه‌های گرفته شده از سوی این کاوشگر، می‌تواند کلیدی برای شناخت ریشه‌های پیدایش منظومه شمسی باشد. کاوشگر فضایی هابایوسا با شاین «قاراسات دروژن سال ۲۰۰۷میلادی به زمین بازگردد.

سازمان بهداشت جهانی: یک ششم زنان جهان قربانی خشونت خانگی هستند

روز پنجشنبه سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد از هر ۶ زن در جهان یک زن قربانی خشونت خانگی است و در برخی موارد این خشونت‌ها در هنگام بارداری صورت می‌گیرد. سازمان بهداشت جهانی در اولین گزارشی که در این زمینه تهیه کرده است گفت احتمال ابتلا به صدمات فیزیکی طولانی مدت، از جمله افسردگی و اقدام به خودکشی در زنانی که مورد بدرفتاری و آزار جنسی قرار می‌گیرند، بیشتر است.

این ارگان وابسته به سازمان ملل متحد خواهان تغییر رفتار نسبت به زنان از طریق آموزش و پیگیری موارد توسط پلیس شد.

لی بانگ ووک، دبیرکل سازمان بهداشت جهانی گفت «احتمال اعمال خشونت علیه زنان توسط آشنایانشان بیشتر از افراد بیگانه است».

این گزارش نشان می‌دهد که بدرفتاری با زنان توسط همسرانشان، بزرگترین عامل تخریب جسمی و روحی زنان در جهان است.

این گزارش که تحت عنوان «پژوهش



از هر ۶ زن در جهان یک زن قربانی خشونت خانگی است

شدت زیاد اعمال خشونت‌ها بوده است. راینسون افزود ارتکاب خشونت علیه زنان در خانه در سراسر دنیا فراگیر است و این گزارش باید هشداری برای دولتها باشد تا اثری خود را برای توجه به حقوق زنان در کشورشان تجهیز کنند.

این گزارش نشان می‌دهد رابطه‌یی

زنان در قدرت: باشگاهی با اعضای انگشت‌شمار



الن جانسون سیرلیف، اولین زن رئیس‌جمهور در کشور لیبیا

تاریخچهٔ نقش داشتن زنان در حاکمیت فقط مربوط به سالهای اخیر است. در سال ۱۹۶۰، باندرانایکه، در سریلانکا اولین زنی بود که رئیس‌جمهور شد. اغلب در هنگام صحبت دربارهٔ زنان سیاستمدار نامی که به اذهان می‌رسد، مارگارت تاچر است که از مه ۱۹۷۹ تا نوامبر ۱۹۹۰ نخست‌وزیر انگلستان بود. وی نه تنها اولین زن نخست‌وزیر در این کشور بود، بلکه جزایر فالکلند وارد جنگ شد.

زنان نخست‌وزیر:

بنگلادش:خالده ضیا، ۶۱ ساله، بیوه رئیس‌جمهور این کشور است که در سال ۱۹۸۱ ترور شد. بیگم خالده ضیا از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ برای دورهٔ اول نخست‌وزیر بنگلادش بود و سپس در اکتبر ۲۰۰۱ مجدداً انتخاب شد.

آلمان:آنچلا مرکل، ۵۱ ساله، روز سه‌شنبه به‌عنوان اولین صدراعظم زن سوگند خورد.

موزامبیک: لوئیسا دیاس دیدگو، ۴۷ ساله، در فوریه ۲۰۰۴ به‌عنوان اولین زن در این کشور نخست‌وزیر شد.

نیوزیلند: هلن کلارک، ۵۵ ساله، در دسامبر ۱۹۹۹ نخست‌وزیر شد اما اولین نخست‌وزیر این کشور نبود.

سانتوتومه و پرنسپ:ماریا دو کارمو سیلواربا، ۴۵ ساله، در ژوئن گذشته از ریاست بانک مرکزی این کشور کوچک آفریقایی به نخست‌وزیری ارتقا یافت و جوانترین زن در رأس دولت است.

زنان رئیس‌ کشور:

فنلاند: تارجا هالونن، ۶۱ ساله، اولین رئیس‌جمهور زن در فنلاند است که در فوریه ۲۰۰۰ به این مقام رسید.

ایرلند: مری مک آلیس، ۵۴ ساله، در اکتبر ۱۹۹۷ به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. وی مجدداً در ماه اکتبر سال گذشته انتخاب شد. او بعد از کناره‌گیری خاتم مری راینسون به ریاست جمهوری رسید.

فیلیپین: گلواری آروبو، ۵۷ ساله از ژانویه ۲۰۰۱ رئیس‌جمهور این کشور بوده است.

لیبریا: اِن جانسون سیرلیف، ۶۷ ساله، روز چهارشنبه در انتخابات ریاست جمهوری در این کشور پیروز شد. وی اولین زن رئیس‌جمهور در این کشور می‌باشد.

آدرس مکاتبه

اعتراف احمدی نژاد به دخالت در عراق

احمدی نژاد: اگر جمهوری اسلامی ایران می خواهد یک حکومتی در عراق تشکیل بدهد، حکومتی بهتر از این که هست، نخواهد بود

موفق الریبعی، از همراهان رئیس جمهور عراق در سفر به ایران، در گفتگویی با تلویزیون رژیم اظهارات پاسدار احمدی نژاد را چنین بازگو کرد: رئیس جمهوری اسلامی ایران جناب آقای احمدی نژاد به آقای طالبانی گفت: اگر جمهوری اسلامی ایران می خواهد یک حکومتی تشکیل بدهد در عراق، حکومتی بهتر از این که هست نخواهد بود، رئیس جمهور عراق دوست ایران است، نخست وزیر عراق دوست ایران است، وزرایی که در این حکومت هستند دوستان ایران هستند و آنهایی که در حال حاضر در مجلس ملی عراق هستند از دوستان ایران هستند. ایران بهتر از این چه می خواهد؟(تلویزیون رژیم اول آذر ۸۴)



شماره ۷۷۷

دخالت های رژیم آخوندی درعراق

- رسالت هاذر: «ادامه استقرار منافقین همواره به عنوان یک تهدید علیه ایران، سایه بر روابط دو کشور انداخته است. امید است که دولت کنونی عراق با نظر به اهمیت روابط دوجانبه میان تهران و بغداد، درباره مسأله ادامه استقرار منافقین در این کشور تدبیری بیندیشد»
- نیوزویک: پس از سه روز مذاکره عراقیها با رژیم ایران، در میان این موضوعات مواردی وجود داشت از این قبیل که عراقیان موافقت کنند مجاهدین خلق، گروه بحث برانگیز ضد رژیم تهران را که در عراق مستقر است، در جمله بندی یادداشت وارد کنند ولی ریبعی نپذیرفت. همین طور این که ایران نقش خود را در حمایت از فعالیتهای حزب الله در عراق بررسی کند. سرانجام پس از یک انکار عصبانی، تهران عبارتی را امضا کرد که می گوید: «هر دو کشور باید حمایت از گروههای، رسمی یا غیررسمی، از جمله نمایندگان را که مشکل ایجاد می کنند، متوقف نمایند.
- یک مقام ارشد آمریکا گفت مشخص نیست آیا ریبعی اتوریته برای مذاکره کردن دارد یا نه»
- تلویزیون رژیم اول آذر: موانع بی شماری باعث می شوند که دولت عراق نتواند تصمیماتی را که در این جا (تهران) اخذ می شود، در آن جا اجرایی کنند»

Mojahed

NO: 777

29 November 2005

2US\$

1.5Pounds

3SFR

3€\$

سه شنبه ۲۸ آذر ۱۳۸۴-۲۶ شوال ۱۴۲۶

تظاهرات ایرانیان آزاده در برابر مقر آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین

پیام رئیس جمهور برگزیده مقاومت: در مقابل رژیمی که شمشیر ماجراجویی و آتش افروزی از نیام کشیده، سیاست مماشات عمیقاً غیرمسئولانه است و پیامدهای شومی دربردارد

در صفحات ۳ و ۴



در دو کنفرانس مطبوعاتی در واشینگتن و وین

جزئیات جدید برنامه های مخفی اتمی و موشکی رژیم و طرح های فریب برای مخفی کردن آن، افشا شد

روزنامه واشینگتن تایمز ۵ آذر ۸۴: آژانسهای اطلاعاتی آمریکا متقاعد شده اند که رژیم ایران به طور مخفیانه در حال ساختن سلاح هسته ای می باشد. این اعتقاد بر مبنای گزارش هفته پیش آژانس بین المللی انرژی اتمی و افشاگریهای اپوزیسیون ایرانی حاصل شده است

درج گزارش تظاهرات ۳۵ هزار نفره ایرانیان در بروکسل و حمایت ۲۶۰ نماینده پارلمان از ۲۲ کشور اروپا از مقاومت ایران در روزنامه واشینگتن تایمز



خبرگزاری فرانسه: سخنگوی آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد افشاگری مقاومت ایران گفت:



- افشاگریهای مجاهدین موجب شروع تحقیقات کنونی آژانس بین المللی اتمی شده است
- هروقت که شورای ملی مقاومت موضوعی را مطرح می کند، ما آن را مطالعه کرده و مورد بررسی قرار می دهیم



- پل لوتنل بیانگذار و رئیس انستیتیوی کنترل اتمی در آمریکا: هر گونه طرح و پیشنهادی که امکان دستیابی رژیم ایران به چرخه سوخت هسته ای را بدهد، خطرناک است. این رژیم مصمم است که به سلاح هسته ای دست پیدا کند
- پروفیسور تمنتز: شورای ملی مقاومت ایران نه تنها بهترین اطلاعات را در باره ایران دارد، بلکه بهترین تحلیل واقعی را از اوضاع و تحولات ایران ارائه می کند

در صفحات ۵ و ۶



در جلسه یی در پارلمان استرالیا:

پرونده هسته یی رژیم آخوندی، نقض حقوق بشر در ایران و خطر بنیادگرایی و دخالت آخوندها در عراق بررسی شد

در صفحه ۵

مماشات غرب، آخوندها را در تسریع پروژه های اتمی و تشدید نقض حقوق بشر تشویق می کند

محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجی شورای ملی مقاومت ایران، درباره اظهارات احمدی نژاد گفت: گستاخی روزافزون رژیم آخوندی در

نقض وحشیانه حقوق بشر، تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی و دست اندازی به عراق، نتیجه طبیعی سستی و نرمشی و تغلل سیاستهای غربی است

در صفحه ۲

تظاهرات ایرانیان آزاده در شهرهای لندن، بروکسل، رم، اسلو، استکهلم، کپنهاگ، وین، اتاوا

فراخوان به جمع کردن بساط شکنجه و کشتار عوامل رژیم در عراق و نجات جان دو مجاهد ربوده شده

در صفحه ۶



لندن



اتاوا



استکهلم